سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

پیکار

۴۸

۱۶ صفحه

دوشنبه ۱۱ فروردین ۱۳۵۹

بها ۲۰ ریال

اول ماه مه، یازدهم اردیبهشت روز جشن کارگران سراسر جهان را هرچه باشکوهتر برگزار کنیم!

پیام نوروزی و سیاست رژیم در سال جدید

جه کسانی از این پیام اظهار رضایت و شادی کردند؟

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، در آستانه سال جدید خط مشی سیاسی حکومت را در پیامهای نوروزی خود بروشنی ترسیم کردند. شباهت انکارناپذیر مضامین پیامها (پیام آیت الله خمینی، بنی صدر، آیت الله منتظری) از احساس مشترک شمام جناحهای هیئت حاکمه، علیرغم اختلافات درونی آن، نسبت به آینده حکومت و وضعیت جاری کشور، حکایت میکند. احساس خطر در برابر امکان فروریختن سقف ترک خورده حکومت جمهوری اسلامی بر اثر بحران های کمرشکن اقتصادی و گسترش امواج نارضایتی توده های تحت ستم مردم.

همه از "امنیت" سخن گفتند و بر این نکته تاکید ورزیدند که اگر در این یکساله جدید "امنیت" به کشور باز نگردد، کشتی طوفان زده رژیم جمهوری اسلامی سرانجامی نامعلوم خواهد داشت. آیت الله خمینی گفت که "امسال باید امنیت به ایران بازگردد". و این شاه بیت گفتارش در پیام بود و تمام مواد ۱۲ گانه پیام، هریک بنحوی به این اصل اساسی مورد نظر حکومت، مربوط میشد.

بنی صدر هم از "امنیت" سخن گفت و اظهار داشت که "امسال به خواست خدا سال امنیت است". و با تاکید و اصراری بیش از گذشته هشدار داد که برای استقرار امنیت و بی ریزی "حکومت قانون" به هرکاری دست خواهد زد.

البته تمام طبقاتی پیام دهندگان بخوبی آنان را بر این نکته اساسی واقف کرده است که حفظ "امنیت کشور" و به زبان ما، حفظ امنیت و موجودیت حکومت، فقط و در درجه اول در سایه اقتدار ستون و تکیه گاه اصلی آن یعنی قوای نظامی و انتظامی میسر است و درست به همین دلیل است که در تمام پیامها و بخصوص پیام آیت الله خمینی، موضوع ارتش و قوای انتظامی در محور مسائل قرار دارد.

آنها برای سیاستی دریافته اند که برای حفظ "امنیت کشور"، لازم است که در درجه اول "امنیت" خود ارتش تامین شود و آن موانعی که هم اکنون در درون این نهاد، بر سر راه بازگرداندن ثبات به آن قرار گرفته است، با "قاطعیت" برداشته شود. بنی صدر در این باره گفت که:

"برای استقرار امنیت در کشور باید از ایجاد امنیت در خود ارتش شروع کرد."

(دیدار نوروزی با سران ارتش)

و آیت الله خمینی هشدار داد که:

"هرکس که خواست در راس کم کاری اعتصاب، اخلال کند و را اخراج و بدمجازات کنند." (پیام نوروزی)

اما در عین حال "امنیت" تنها در سایه چماق سرکوب، یعنی ارتش و قوای انتظامی نمی تواند برقرار گردد. تجربه زندگی تا کنون بکرات چنین واقعیتی را نشان داده

بقیه در صفحه ۲

قتل عام روستای «قه لاتان» بوسیله ارتش و پاسداران

حتی پیرمرد ۱۱۰ ساله و نوجوان ۱۵ ساله را کشتند!

صفحه ۶

رفراندوم جمهوری اسلامی و آرزوهای طفل دو ساله

یکسال از رفراندوم کذائی جمهوری اسلامی گذشت. در این روز مردم ما در مقابل این سئوال قرار گرفتند که سلطنت میخواهید یا جمهوری اسلامی؟ این سئوال در یک کلام به سخره گرفتن مردم، سوء استفاده از احساسات مذهبی آنها و توهین به آنان بود. مگر نه این بود که خلقهای ما میلیون ها بار فریاد زده بودند "مرگ بر سلطنت" "مرگ بر شاه" و در این راه ۷۰۰ هزار کشته داده بودند. اما این سئوال آنهم در آغاز تشکیل حکومت جدید دلیل داشت.

بقیه در صفحه ۲

فرمان عفو: نازشست به جنایتکاران ساواک

شب عید امسال آیت الله خمینی طی یک فرمان، عمال رژیم شاه، ساواکیها، آدمکشان ارتش آمریکائی شاه و امثالشان را مشمول عفو قرار داد و برای خالی نبودن عریضه کسانی را که "مستقیماً در قتل" کسی دست داشته اند از این عفو مستثنا کرد.

عملکرد رژیم جمهوری اسلامی، روزی که بر سر کار آمده است به اندازه همان ابزارهای سرکوب گذشته یعنی ارتش، پلیس و ساواک (البته حالا بنام ساواما) مستعی بوده

بقیه در صفحه ۸

مروری بر مبارزات کارگران شرکت ملی پروژه ای

(فاستر ویلر- تهران جنوب)

صفحه ۳

ترور انقلابیون همچنان ادامه دارد

صفحه ۸

مردم بیدفاع اندیمشک آماج گلوله های سپاه پاسداران

صفحه ۱۶

بمناسبت ۲۸ مارس (۸ فروردین) یکصد و نهمین سالگرد ایجاد اولین حکومت کارگری صفحه ۱۵

کمون پاریس، ناقوس مرگ دنیای کهن را بصدا درآورد!

ضمیمه پیکار ۴۸ را در همین هفته بخوانید

این ضمیمه مشتمل است بر:

۱ - احیاء تقلب ارتجاع در انتخابات

۲ - سیاست انتخاباتی سازمان چریکهای فدائی خلق، جلوه ای از انحراف رویزیونیستی (۲) و ...

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱

رفراندوم ...

اولاً - اینکه سئوال مستقیماً سلطنت می‌خواهد یا نمی‌خواهد (البته از نظر رژیم نمی‌خواهد مساوی جمهوری اسلامی بود) به این دلیل بود، که منطق توده‌ها همیشه با منطق نورو لیبرالیها تفاوت دارد. در رژیم شاه توده‌ها از راه انقلاب درپی داغان کردن سیستم بودند و نورو لیبرالیها با استفاده از قانون درپی جانجائی‌ها بودند. در هفته‌ای که قیام بهمن ماه بساط تمکین سلطنت را به زباله‌دانی تاریخ فرستاد، نورو از طریق نمایندگان خود، بهشتی، بازرگان و ... تلاش میکرد که از طریق "قانونی" (قانون اساسی شاه) حکومت را بدست گیرد. در آن روزها فرا بر این بود که پس از انتخاب بازرگان از جانب آیت الله خمینی مجلس شورای ملی شاه به بازرگان رای اعتماد دهد و بختیار را مستعفی اعلام نماید. بدین طریق دولت بازرگان زمام امور را بدست میگیرد - رجوع توده به روزنامه‌های آنزمان و سخنان صدر حاج سیدجوادی در این باره - این راهی بود که نورو از ژه شیعیت از آن همدستان نورو - وازی برای به قدرت رسیدن انتخاب کرده - بودند. اما راهی که توده‌ها می‌رفتند غیر از این بود. آنان راه انقلاب را می‌رفتند. و برانجام در این راه حماسه پرشکوه قیام مسلحانه بهمن را آفریدند و با منطق خاص خود، سلطنت را واژگون و به سلطه امپریالیسم ضربات جدی وارد آوردند.

طبیعی است که منطق و راه توده‌ها برای لیبرالهای خاش خوش نیاید. جبهه ملی در بارهٔ قیام گفت: "که این خواست امپریالیسم بود که بین مردم سلاح پخش گردد"! و با این استدلال مضحک عمق نفرت خود را از قیام و از توده‌های قیام کننده نشان داد. بازرگان در همین موردگفت: "باران رحمت می‌خواستیم سیل آمد"! آری واقعاً هم برای نورو زاری و نمایندگان آن امثال بازرگان و بهشتی قیام توده‌ها باران رحمت بلکه سیل بنیان کنی بود که با تمام قدرت می‌بایست در مقابل آن سد ایجاد می‌شد.

بنابراین بسیار طبیعی بود که نورو از - وازی به قدرت رسیده به منطق توده‌ها در روز قیام بی توجهی و کینه نشان دهد و از مردم سئوال کند آیا سلطنت می‌خواهید یا نه؟! هدف دیگر این سئوال قانونی جلوه دادن خود در مقابل امپریالیسم بود. بازرگان در همان روزهای پس از قیام اعلام کرد که چنین رفراندومی برای قانونی نشان دادن ما در مقابل جهانیان لازم است! مسلماً اگر با زرگان از طریق مجلس شورای ملی شاه تائید می‌شد دیگر لزومی به این رفراندوم هم نمی‌دید! چون دیگر خود را قانونی می‌دید!

ثانیاً - طرف دیگر این سئوال که سلطنت می‌خواهید یا نه؟ جمهوری اسلامی می‌خواهید یا نه بود. این سئوال نیز عوامفریبانه و توهین آمیز بود. این سئوال به این معنی بود که کسی که سلطنت نمی‌خواهد حتماً باید جمهوری اسلامی بخواهد و بالعکس کسی که جمهوری اسلامی نمی‌خواهد حتماً باید سلطنت بخواهد. علاوه بر این "جمهوری اسلامی" تا می‌بود که محتوای آن برای مردم روشن نبود. مگر در جامعه طبقاتی ما یک نوع اسلام وجود دارد؟ مگر بهشتی و رفسنجانی زمیندار و سرمایه‌دار که نماینده تجار بزرگ و محتکرین بازار هستند از رهبران اسلامی نیستند و در مقابل آیا مجاهدین خلق ایده‌های انقلابی و مترقی خود را با اسلام توضیح نمی‌دهند؟ مگر مراجع اسلامی نظیر شریعتمداری و روحانی وقمی مدافع زمینداران و سرمایه‌داران بزرگ نیستند؟ بنابراین مردم با به کدام جمهوری اسلامی باید رای می‌دادند: آنها سئوالاتی بود که در آن زمان کمونیستها و بخشی از دموکراتهای انقلابی در مقابل مردم ما قرار می‌دادند و سعی داشتند رفراندوم را القاء می‌کردند. هدف کمونیستها از این سئوال روشن کردن ذهن مردم نسبت به ماهیت عوامفریبانه و ضد انقلابی این رفراندوم بود و گرنه آنها مخالف و ماهیت این جمهوری اسلامی را بهتر می‌شناختند، و در رابطه با ماهیت طبقاتی بقدرت رسیدن حدیث و عملکردهای هر چند کوتاه مدت آنها به مردم توضیح می‌دادند که حکومت بازرگان‌ها و بهشتی‌ها نه در خدمت خلق و زحمتکشان بلکه در خدمت سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و در نهایت امپریالیسم قرار دارد.

- در رفراندم جمهوری اسلامی مردم مجبور بودند یا حتماً سلطنت طلب باشند یا حتماً جمهوری اسلامی را بخواهند!
- رویزیونیست‌های ورشکسته حزب توده و رویزیونیست‌های سه جهانی هم به "جمهوری اسلامی" و هم به "قانون خبرگان" رای مثبت دادند و بدین ترتیب در ریوزگی خود را در مقابل قدرت حاکم نشان دادند.
- مجاهدین خلق که در رفراندم جمهوری اسلامی مشارکت روزرافدای اصول انقلابی کردند در رفراندم "قانون اساسی خبرگان" مجبور گشتند که به این اصول انقلابی وفادار باشند.
- آرزوی "دولت" و "شورای انقلاب" همیشه این بوده است که کارگران سرمایه داران را "اذیت" نکنند! دهقانان به تکلیف شرعی خود واقف باشند و زمین هائی را که سالها بر روی آن جان کنده‌اند مصادره ننمایند...!

تنها چند ماه بعد حقانیت نظرات آنها، برای میلیونها تن از مردم ما روشن گردید. بنابراین ما رسمی ۶ میلیون نفر از کسانی که در رفراندوم جمهوری اسلامی شرکت کرده و جمهوری اسلامی را در طا هر پذیرفته بودند، زمانی که به محتوای این جمهوری، که همان قانون اساسی "خبرگان" بود، پی بردند، از دادن رای خودداری کردند و آنرا تحریم نمودند. بی شک اکثریت این افراد را خلقها و زحمتکشان میهن ما تشکیل می‌دادند.

موضع نیروهای دیگر در رفراندوم

همانطور که شرح دادیم کمونیستهای راستین با توضیح دلایل خود این رفراندوم را تحریم کردند. اما در مقابل رویزیونیست‌های ورشکسته "حزب توده" و "سه جهانی"ها با دریوزگی تمام و با تمام بیشرمی جا گرمنتی در کنار نیروهائی نظیر حزب جمهوری اسلامی قرار گرفتند و به جمهوری اسلامی رای مثبت دادند. البته آنان برای خالی نبودن عریضه از محتوای این جمهوری نیز حرف زدند و برای خود تفسیر کردند که حتماً این جمهوری اله و بله خواهد شد. اما زمانی که محتوای جمهوری اسلامی یعنی قانون اساسی خبرگان تهیه شد، باز این آستان بوسان نورو از وارتجاع بدان رای مثبت دادند! در حالیکه حتی این قانون با انتظارات قبلی آنها (البته انتظاراتی که حرفش را می‌زدند) فاصله بسیار داشت. به این ترتیب یکبار دیگر هم حزب ورشکسته توده و هم جریانهای رسوای "سه جهانی" نشان دادند که چگونه تان را به نرخ روز می‌خورند و چگونه در برخورد به هیئت حاکمه همراه هم راه می‌روند.

مجاهدین خلق موضعی نیم بند اما منفعل هیئت حاکمه گرفتند. آنها از اینکه محتوای این جمهوری اسلامی روشن نیست، انتقاد می‌کردند. اما در ضمن نمی‌خواستند مصلحت روز را فدای اصول انقلابی نمایند. اصولی که با لاخره گذشت زمان مجبورشان کرد که بدان پای بند باشند. آری مجاهدین به جمهوری اسلامی رای مثبت دادند اما پس از چند ماه زمانی که محتوای این جمهوری هم در رابطه با عملکردهای هیئت حاکمه روشن گشت و هم با توجه به قانون اساسی خبرگان دیگر جای توجیه و اما اگری را باقی نمانند، رفراندم قانون اساسی خبرگان را از موضع انقلابی تحریم نمودند.

طفل دو ساله با آرزوهای جوانان

این روزها جمهوری اسلامی ایران دو ساله شده است. اما این طفل دو ساله آرزوهائی را ره صد ساله برود. آرزوهائی که امروز جلدهای کردو ترکمن مرکوب و بجای خود نشسته‌اند. آرزوهائی که کارگران سرمایه‌داران را شغول خودش "اذیت و آزار" ندهد! آرزوهائی دهقانان به "تکلیف شرعی" خود آگاه باشند و زمین هائی را سالها بر روی آن جان کنده‌اند سرخود مصادره ننمایند! آرزوهائی که امروز بیکاران فریاد نزنند "کار برای بیکار" آرزوهائی که در راستای سکوت و انتظار مهری

استقرار "امنیت" و بازگرداندن ثبات و قدرت به حکومت در سایه سرکوب و اطلاعات، این است سیاست جاری رژیم، حداقل در سال آینده که توسط سردمداران آن در آستانه سال جدید ترسیم شده است و پیام آیت الله خمینی به روشنی چنین سیاستی را ترسیم کرده است. رئیس جمهور و تمامی نهادهای حکومتی، از جمله مجلس شورای ملی، بر پایه چنین سیاستی، به استقبال حوادث و رویدادهای سیاسی آینده جامعه خواهد رفت. سیاستی که گرچه کیفیت جدیدی نسبت به روش و سیاست حکومت در یک سال گذشته را عرضه نمیکند، لیکن به خودی خود نشان میدهد که حکومت تصمیم گرفته است برنامه‌ای که خود را در سال آتی، بر پایه منشور و برنامه معین و واحدی استوار سازد که رئوس آن در پیام‌ها بر روشنی تعیین شده است.

رشد جنبش خلق در سال گذشته

گفتیم که موضوع استقرار امنیت در کشور (امنیت از دیدگاه هیئت حاکمه)، محور اصلی پیامهای نوروزی و بویژه پیام آیت الله خمینی، و لاجرم برنامه سیاسی حکومت را تشکیل میدهد.

اما آنچه که رژیم را به پیمت اتخاذ چنین سیاستی سوق میدهد و او را وادار میکند که بر اهمیت اجرای این سیاست تاکید نماید و فارغ کشور در یکسال گذشته و نقش آن در ایجاد بی ثباتی و بقول رژیم "ناامنی" در جامعه است.

در یکسال گذشته رژیم جمهوری اسلامی که یکسال پیش برای توده‌های مردم شناخته شده نبود، تا حدودی شناخته شد. آنها در تجربه خود تا اندازه معینی فهمیدند که این رژیم نه می‌خواهد و نه میتواند دردهای اساسی جامعه ما را درمان کند. یعنی نه نمی‌تواند استقلال سیاسی و اقتصادی را تامین کند، نه میتواند بیکاری را از زمین ببرد، نه میتواند مسئله ارضی را حل نماید، نه می‌تواند زنان را از قید ستم دوگانه رها سازد، نه میتواند مسئله ملی را بسود خلقهای مناطق تحت ستم ملی ایران حل نماید، نه میتواند فحشاء و اعتیاد و سیه روزی را از زمین ببرد و ... در واقع در عرض یکسال گذشته رژیم حاکم نه تنها در پاسخگوئی به خواستهای اساسی فوق، که توده‌ها بر اساس آن، قیام پرشکوه بهمن ماه را آفریدند، عاجز ماند بلکه به اشکال مختلف در سایر جرکت و ادامه انقلاب به منظور پاسخ‌گوئی به این خواسته‌ها ایستادگی کرد و خود به مانع و سدی در سر راه تحقق این خواسته‌ها تبدیل شد. علت هم روشن است. چون حکومت را نیروهائی در دست گرفته‌اند که وابستگی معین و آشکاری به طبقات بالائی جامعه دارند، نیروهائی که در تلاشند تا چرخ پهیه کشی جامعه را بهر طریق ممکن بکار اندازند، و در این راه تا جائی که سر راه انقلاب و توده‌ها بایستند. این ایستادگی و مقاومت رژیم تو ام با وضع فلاکت بار اقتصادی جامعه و فشار فزون از حد آن بر دوش زحمتکشان، موج نارضایتی را در میان توده‌های کارگر و سایر زحمتکشان شهر و روستا گسترش میدهد. خیل عظیم کارگران بیکار، دهقانان بی زمین و

بقیه در صفحه ۱۱

بقیه از صفحه ۱

بر قرار باشد، پرسنل انقلابی هر روز تحصن و راه پیمائی علیه فرماندهان مزدور آریامهری و علیه نظام امپریالیستی ارتش را تشدید زنند ... و دهها آرزو از این قبیل. اما این آرزوها تا بحال عمدتاً بر باد رفته است. نه توپ و تانک و گلوله، نه دعوت به صبر و تسلیم و نه تبلیغات دروغین و نه تقسیم بندی مردم به مسلمان و کافر و نه فتوای های بی در پی ... هیچکدام قادر نبوده اند که مانع از حرکت جنبش حق طلبانه خلقها شده و به رحمت - کشان ما باشند. و مسلماً تا وقتی سیاست در کوچه و بازار است چنین خواهد بود و چنین باد!■

گرامی باد خاطره شهدای نوروز خونین سنندج

"امروز یکسال از جنگ خونین سنندج می‌گذرد، جنگی که نزدیک ۲۰۰ شهید و صدها زخمی بجای گذاشت. یکسال پیش در چنین روزی در آستانه نوروز، در حالیکه مردم میرا رسنندج خود را آماده میکردند که با استقبال اولین بهار بعد از قیام خونین ۲۲ بهمن ماه خلقهای قهرمان ایران بروند، با یورش سرکوبگرانه ارتش ضدخلقی روبرو شدند. خلق کرد و مردم میارز سنندج که در طول مبارزات ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری وابسته رژیم شاه خائن فعالانه شرکت کرده و در این راه در همین شهر سنندج شهدائی داده بودند، بجای آنکه بعد از قیام به خواستهای برحق خود برسند با گلوله‌های خمپاره و طلیکوپتر و ... روبرو گشتند."

اعلامیه سپس به تجربیات اخیر ارتجاع اشاره کرده است.

گرامی باد سالگرد شهدای بخون خفته سپهر سنندج!

(بنقل با تلخیص از اعلامیه ۵۸/۱۲/۲۷ حوزه سنندج سازمان)

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

مروری برمبارزات کارگران شرکت ملی پروژه‌ای
(فاستروبلر- تهران جنوب سابق)

کارگران ایران درطول سالهای سیاه رژیم شاه خلاء ،بدلیل خاکمیت سندیکاهای زرد معمولاً زمبارزه سندیکالیستی برکنار بودند اغلب کسانی که سندیکاهای فرمایشی زمان شاه را میگردانندند افرادی بودند سرسپرده و حامی منافع سرمایه‌داران .دران سالها کارگران ایران دربیرون ازمدار سندیکا مبارزات خودرا شکل داده وپیش میبردند .

درسالهای آخرعمررژیم شاه نیزکارگران ایران کم وبیش با این مسئله روبروبودند و بدلایل مختلفی نتوانستند تشکیلات واقعی خودرا بوجودبیاورند وعمده تشکیلاتی که بوجودآمدنه با موضع کارگری بلکه معمولا ملغمه‌ای بودازمواضع کارگران وکارمندان ودراین تشکیلات نه سیاست مستقل کارگری بلکه سیاست خرده بورژوائی بودکه منعکس میشد .بعدازقیام پرشکوه خلقهای ایران در بهمن ۵۷ لزوم تشکیلات مستقل کارگری با نمایندگان واقعی کارگران هرچه بیشتر احساس میشد .چراکه اکثرا دیروزا فرادخرده بورژوا ومتزلزل بدلیل مبارزه مشترک با رژیم شاه درکنارکارگران قرارگرفته بودند ، امروزدیگرآنها نمیتوانستند بمبارزه ادامه دهندوعمدتا سیرایدئولوژی خرده بورژوائی ودرنتیجه سازشکاری وتزلزل بودند .اکثر شوراهائی که درحین قیام وبعدازآن تشکیل شدند ،منعکس کننده منافع کارگران نبودند نمایندگانی که دراین شوراها شرکت داشتند عمدتا سازشکار ومتزلزل بودند .ولی این مسئله اگرازطرف قشرپیشروکارگران ازهمان روزهای قیام وحتی قبل ازآن احساس میشد ، ازطرف توده کارگران احساس نمیشد .هنوز کارگران درتجربه روزمره ،فرق بین نماینده واقعی وغیرواقعی ،سازشکاروسازش ناپذیر خائن وغادم و... را درک نکرده بودندولازمه این امرطی کردن یک دوره بودکه درطول آن کارگران درعمل باکردارهای ضدکارگری آنها آشنا شده وآنها را طردکنند .اعمال سازشکارانه وخیانتیا راکثرشوراهای اسلامی طی ماههای بعدازقیام بمحک مناسبی برای کارگران بودکه ازروی آن پی به ضدکارگری بودن این شوراها برده وازآنها رویگردان شوند .کارگران می دیدندکه چگونه کسانی که دم ازاسلام و"مستضعفین"میزنندد رعمل از سرمایه‌داران حمایت کرده وکارگران رادعوت به "صبرانقلابی"میکنند .آنها میدیدندکه حامیان منافع کارگران نه آنها بلکه کسانی هستندکه درعمل علیه سرمایه‌داران مبارزه میکنندوبه تکرارحرفهای بزرگ وشعارهای طولانی وپرطمطراق بسنده نمیکنند . روی آوری کارگران به نمایندگان سازش ناپذیر وکمونیست طی ماههای اخیرموید این مسئله است .این مسئله جالب ومهمی است که با وجوداینکه حامیان سرمایه با بهره‌گیری از تمام امکانات تبلیغی (رادیو- تلویزیون - مطبوعات - مراسم نماز جمعه- راهپیمائیها و...)کارگران را ازکمونیستها وتیروهای انقلابی می ترسانندند ،بازکارگران روزبروز گرایش بیشتری نسبت به کمونیستها وتیروهای انقلابی نشان میدهند .

ما این مسئله را عینا درفاستروبلر - تهران جنوب شاهدبوده‌ایم .شورای اسلامی کارکنان فاستروبلرازبدوپیدایش خود ، همواره ادعای اسلام ومسلمانی میکردوسعی مینمودازاین طریق توده‌های کارگررافریب داده وآنها را ازمبارزه بازداردودراین امر طی یک دوره کوتاه مدت نیزموفق شده بودولی بتدریج باآشکارشدن مواضع سازشکارانه و ضدکارگری شورا ،کارگران ازآن فاصله گرفته وبسمت نیروهای انقلابی ومدافع منافع کارگران روی آوردند .انتخاب شورای هماهنگی بعدازاعتصاب اخیرکارگران قهرمان فاستروبلرتهران جنوب موید این مسئله است .دراین شورا عمدتا افرادمبارزو انقلابی حضورداشته وازعناصرسازشکاروضد کارگرخبری نبود .

* ولی این مسئله بهیچوجه بمعنای آن نبودکه اعضای شورای هماهنگی انتخابی نداشتندوتوانستندبخوبی اعتصاب رارهبری کنند .ما درزیراین مسئله رابررسی خواهیم کردواشتباهات شورارانشان خواهیم‌دادودر اینجاتافقط روی این مسئله بازهم تاکیدمی‌کنیم‌که‌این تجربه‌بزرگی برای کارگران ایران است .تجربه‌ای است که اگربه آن پرداخته شود ،دربسیاری مواردازتکرار اشتباهات آن جلوگیری خواهدکرد .این تجربه‌به‌خوبی نشان میدهدکه‌تشکیلات مستقل کارگری‌بایدابتدا شودوتمام عناصرسازشکارو سرسپرده‌به‌سرمایه‌داران بدون مطلبی افشا شده‌وازتشکیلات کارگران طردشوند .یعنی تشکیلات کارگری بخصوص رهبری آن،تنها ازطریق تصفیه‌صفوف خودازعناصرسازشکار و وابسته‌به‌سرمایه‌داران است که میتواند بدون تزلزل وانحراف درجهت منافع کارگران گام بردارد .

نگاهی به مبارزات اخیرکارگران فاستروبلر- تهران جنوب

روزچهارشنبه ۵۸/۱۰/۲۶ کارگران فاستروبلردرپی چندروزتجمع وبحث وافشاگری در باره‌شرکتهای پیمانکاری ونقش انگلیسی آنها و... ،تابلوهای کنسرسیوم‌فاستروبلر - تهران جنوب راپائین کشیده‌وتابلوی"شرکت ملی پروژه‌ای"رابجای آن نصب کردند. منظور کارگران از"شرکت ملی پروژه‌ای"عبارت از این بودکه‌بایدپیمانکاریهای موجودرسطح ایران ملی شودوهمه‌آنها دریک شرکت باین نام جمع شوندوازاین طریق همدست پیمان - کاران امپریالیستی ازکشورما کوتاه شود وهم‌با برنامه‌ریزی منسجم ،کارگران پروژه- ای هرچه‌کمترسیکاری کشیده‌وسریعاً در پروژه‌های مختلف شرکت ملی پروژه‌ای مشغول بکارشوند .کارگران فاستروبلربعدازاین اقدام‌خود ،شوراهای هماهنگی فاستروبلررا بطوردمکراتیک وازقسمتهای مختلف کارخانه انتخاب کرده (از ۴ قسمت وهرقسمت ۳ نماینده)ورهبری اعتصاب راباآنها سپردندو بااعلام‌خواسته‌های خودمتنی بر:

- ملی کردن شرکتهای پیمانکاری وتاسیس شرکت ملی پروژه‌ای ایران .
- لغوقراردادهای رتباوفاستروبلر- تهران جنوب باصنایع فولاد .
- رسمی شدن کلیه‌کارگران پیمانی.

دست به‌اعتصاب زدند .گروهی ازکارگران مبارز فاستروبلردراین روزها طی اعلامیه‌ای این مطلب راچنین بیان کردند:

"مانمی خواهیم‌این پیمانکاری برود و آن دیگری واردمیدان شود .ما میخواهیم اولا- تمام‌قراردادهای بین دولت و پیمانکارهالغوشودودرموردخود ، خواهان لغوقراردادبین فاستروبلر- تهران جنوب باصنایع فولادهستیم . ثانیاً- تمام‌کارگران‌پیمانی رسمی

بقیه‌درصفحه ۴

کارگران چاپخانه افست(۲۵ شهریور سابق)
با اتحاد خود مشاوربنی صدررا عقب راندند

شرکت افست (چاپخانه ۲۵ شهریور سابق) یکی ازبزرگترین چاپخانه‌های ایران و حاوربمانه است .درکدسته‌سرمایه‌این شرکت عمدتا دردست اشرف پهلوی ودارودسته‌ شاه خائن بود .پس ازقیام‌سکوهمند خلقهای قهرمان ایران وسرنگونی رژیم‌سلطنتی ، سهامی که‌متعلق به‌اشرف وباندشاه‌بود، به دست رژیم‌جمهوری اسلامی افتاد ، این سهام حدود۸۲٪ کل سهام این شرکت است ومسئولیت داخلی آن نیزبعهده‌ شخصی بنام‌علی موسوی گرمارودی سپرده‌شد .گرمارودی"علاوه‌براین شغل، مسئول انتشارات روزنامه‌ " انقلاب اسلامی"ومشاورمطبوعاتی رئیس‌جمهور و معاون وزیرپست وتلگراف و... می باشد . این چاپخانه‌ازدوقسمت مجزاولی درارتباط با هم‌تشکیل شده‌است ، یکی ازاین قسمتها درداخل شهربا حدود۴۵۰ نفرکارگر (چاپخانه مرکزی)ودیگری درجاده‌آبعلی با حدود ۲۵۰ کارگر می باشد .

حدوددوماه‌پیش ، پس ازدرخواست مکرر کارگران وپافشاری ومبارزه‌آنها برای تشکیل شورا ، بالاخره‌پس ازطی فرازونشیب‌های زیادی کارگران توانستندشورای خود را تشکیل دهندولی ترکیب این شوربسیار ناهمگون می باشدوبعلت وجودسلطه‌ پاره‌ای عناصرارتجاعی وعمال کارفرما درشورا ، عملا نتوانسته‌کاربزیادی ازپیش ببرد .دراین مدت کارگران مبارزی که‌درشورابودند و حاضربه‌سازش‌با مدیرعامل وعوامل اوتمی - شدند ، چون خاری درچشم‌گرمارودی بودند . "گرمارودی"که‌براثرمبارزه‌ کارگران مجبور به‌پذیرش شورا شده‌بود ، می خواست این شورا چوبچاقوی بی تیغه‌باشد .اوشورائی می - خواست که‌درمقابل کارگران بایستد و از منافع سرمایه‌داران دفاع نماید .

درتاریخ ۵۸/۱۲/۲۵ اعلامیه‌ای به‌امضای گروهی ازکارگران مبارزچاپخانه‌درپوقسمت چاپخانه‌بطورهمزمان پخش میشودکه درآن علاوه‌برافشای عملکردهای شورای چاپخانه دراین مدت وافشای نقش‌گرمارودی ، به افشای عملکردهای رژیم‌دررابطه‌با " سود ویژه " ،کشتارخلقهای ترکمن وکردپرداخته بود .این اعلامیه‌با استقبال پرشور و بی - سابقه‌کارگران مواجه‌شد .

روزبعد ، یعنی صبح یکشنبه ۵۸/۱۲/۲۶ ازورودعده‌ای ازکارگران به‌کارخانه‌چه در چاپخانه‌ مرکزی وچه‌درقسمت دیگرجلوگیری بعمل آوردند .کارگران درقسمت بالا(خارج ازشهر)پس ازمشاهده‌این عمل عوامل مدیر عامل به‌سرکارخودنرفته‌وهمگی درلباس‌کشتی جمع شدندوهرکدام‌پیشنهادی میکردند ، بالاخره‌به‌پیشنهادیکی ازکارگران به‌سالن تهارخوری شرکت رفتند .همه‌کارگران از اینکه‌مدیرعامل کارخانه ،این مزدورناعمر مسلک ، برای پایمال کردن حق کارگران و سرکوبی آنها ۲ تن ازنمایندگان فعال کارگران راهدف قرارداده‌است ، بشدت عصبانی بودندواظهارمی کردند: "بعدازانقلاب کردن ودادن این همه‌شهیدبازهم‌باماکارگران همانطورفرفتارمی کنندکه‌رژیم‌گذشته‌میکرد" درمقابل گرمارودی می گوید :"اگرکارگران بسرکارنروندمی فرستم‌ازسپاه‌پاسداران بیایندوهمه‌آنها رابیرون بریزند" . این گفته‌ گرمارودی نوکوخوش خدمت سرمایه - داران بروشنی به‌کارگران نشان داد که تازمانی که‌سرمایه‌داران برسرکارباشند ، همیشه‌ازابزارهای سرکوبی مانندارتش ، شهربانی،سپاه‌پاسداران وغیره‌برای سرکوب مبارزات کارگران ومردم‌زحمتکش استفاده کرده‌ومی کنندوسپاه‌پاسداران همانطور که‌بروشنی دیده‌شد ، یکی ازهمین وسائل سرکوب دردست رژیم‌حاکم‌است تا هرگاه‌کارگران وسایرزحمتکشان برای گرفتن خواسته‌های خوددست به‌مبارزه‌زدند ، ازآنها برای سرکوب کارگران ودفاع ازسیستم‌سرمایه‌داری وابسته‌به‌امپریالیسم‌استفاده‌کنند .

وقتی کارگران این حرف رامی شنوند ، برشدت عصبانیتشان افزوده‌میشودومصمم‌تر برخواست خود ، که‌بازگشت نمایندگان شان به‌سرکاراست ، پافشاری می نمایند .یکی ازکارگران می گفت : "مادرانقلاب باسینه بازجلوی گلوله‌رفتیم ، اگرپاسداران‌هابیایند من خودم‌اولین نفری هستم‌که‌جلومی روم و یقه‌مرابازمی کنم‌ومی گویم‌بزنین"!

بالاخره‌کارگران پس ازمشورت باهمدیگر همگی دستخطی‌با شورفراوان بطرف نگهبانی هجوم‌بردندودونفرنماینده‌خودرادرمیان گرفته‌وبداخل چاپخانه‌آوردند.درسالن‌تهارخوری دونماینده‌برای آنها صحبت می کنندو به وحدت وپکپارچگی کارگران درمقابل سرمایه- داری وعوامل آن اشاره‌می کنند .سپس همه کارگران که‌با اتحادومبارزه‌ خودتوانسته بودندنمایندگان خودرابسرکاربرگردانند ، پیروزمندانه‌بسرکاربرمی گردندوبا روحیه- ای بسیارعالی وبا حالتی تهاجمی منتظر ورودپاسدارهامی مانند .آن روزبدون هیچ حادثه‌ای می گذرد .

روزبعد ،یعنی دوشنبه ۵۸/۱۲/۲۷ به کارگران چاپخانه‌بالا خبرمی رسدکه‌گرمارودی

بقیه‌درصفحه ۱۰

کارگران مبارزچیت ممتاز کارفرما راوادارباعقب نشینی کردند

کارگران کارخانه‌چیت ممتازدرتاریخ ۵۸/۱۲/۲۲ بمنظورگرفتن یکماه عیدی،دست به‌اعتصاب زدند .کارگران درمحوطه‌کارخانه جمع شده‌وخواهان تصفیه‌عناصرمزدورازکار- خانه ،انحلال شورای قلابی وبویژه‌درباقت یکماه‌عیدی شدند .مدیرکارخانه (علیزاده) باتمام‌کوششی که‌درفریب کارگران وایجاد تفرقه‌درمیان آنها داشت ، نتوانست کارگران رابه‌عقب نشینی وادارد .وسرانجام بعدازراه‌پیمائی وتظاهرات کارگران وپافشاری متحدانه‌آنها درموردابنکه‌تادریافت عیدی سرکارنخواهندرفت ، موفق شدندکه این خواست خودرابه‌مقامات کارخانه بقبولانند .

پیش بسوی ایجاد حزب طبقهٔ کارگر

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۳ مروری بر...

شوندکه ما رد مورد خودمان شعار کارگران فاستر ویلر را بدرستی شوند.

ثالثاً، کارگران پروژه‌ای در هر منطقه از ایران باید زیر پوشش یک شرکت ملی باسم "شرکت ملی پروژه‌ای" قرار بگیرند کارگران پروژه‌ای که در زیر پوشش این شرکت قرار می گیرند، هنگام استعمال نکار، از حقوق و مزایای کارگران رسمی استفاده میکنند و در ازای بیکاری از حق بیمه بیکاری بهره مند میشوند."

(اعلامیه کروهی از کارگران مبارز فاستر ویلر مورخه ۵۸/۱۱/۱)

با این ترتیب اعتصاب تاخواسته‌های مشخص شروع شد و هر روز که میگذشت کارگران با شور و شوق بیشتری حول برنامه‌های شورای هماهنگی جمع شده و پشتیبانی هرچه بیشتر خود را از آن نشان میدادند. کارگران ماشین سازی (در تاریخ یکشنبه ۵۸/۱۰/۳۰) و کارگران ماشین سازی (در تاریخ روز یکشنبه ۵۸/۱۱/۷) و سندیکای کارگران پروژه‌ای آبادان و حومه (در تاریخ ۵۸/۱۱/۲) پشتیبانی خود را از اعتصاب کارگران فاستر ویلر اعلام کرده و آنها را به مبارزه و استادگی در مقابل امپریالیستها و عمال داخلی آنها تشویق کردند.

کارگران فاستر ویلر - تهران جنوب با وجود اینکه تشکیلات مستحکمی نداشتند ولی بدلیل شور و شوق فراوان کارگران در مورد رسمی شدن و ملی کردن شرکتهای پیمانکاری در اجتماعات کارگران شرکت کرده و هر روز سخنرانیهای متعددی در رابطه با مسائل سیاسی روز و مسائل طبقه کارگر ترتیب می یافت.

روز ۵۸/۱۱/۱۴ هیئت ۷ نفره‌ای از تهران به سرپرستی شیبانی جهت مذاکره با شورای هماهنگی وارد کارخانه شد. این هیئت میخواست در پشت درهای بسته با شورا مذاکره کند تا روزنه‌ای برای سازش پیدا کند و از این طریق اعتصاب را بشکند، ولی بنا عکس العمل کارگران تهران شان به سنگ خورد، چون اعضای شورای هماهنگی از آنها درخواست کرد که در حضور کارگران با آنها مذاکره کنند. این مذاکرات جلوی دفتر کارگزینی فاستر ویلر برگزار شد و کارگران با شعارهای از قبیل:

- کارگر پیمانی رسمی باید گردد!
- زندگی کارگر تامین باید گردد!
- کارگر، کارگر ستون انقلاب است!
- سرما به دار مزدور دشمن انقلاب است!
- اتحاد، اتحاد کارگران اتحاد علیه امپر - یالیسم! به استقبال هیئت اعزامی رفتند

ولی همین جلسه کارگران با افشاگریهای خود، اعضای هیئت را مفتضح کردند و یکبار دیگر خواسته‌های خود را در زمینه ملی کردن شرکتهای پیمانکاری و رسمی شدن کارگران پیمانی و تاسیس شرکت ملی پروژه‌ای و لغو قرارداد فاستر ویلر - تهران جنوب با صنایع فولاد تکرار کردند و باین ترتیب هیئت بدون اخذ نتیجه به تهران بازگشت.

در روزهای بعد بتدریج سایتهای دیگری از طرف مقامات مسئول مورد اجرا گذاشته شد آنها این بار دیگر نه از طریق هیئت و مقامات مسئول بلکه از طریق تفرقه اندازی بین کارگران و همچنین نفوذ دادن عناصر خود فروخته و رنگ عوض کرده در درون شوراهای هماهنگی، میخواستند اعتصاب کارگران را با شکست مواجه سازند. و در رابطه با همین سیاست، مسئله عرب و عجم از طرف عده‌ای از کارگران ناآگاه و عقب مانده که از طرف عناصر فروخته رهبری میشدند، عنوان شد که با هوشیاری کارگران و شورای هماهنگی این توطئه خنثی شد. در همین زمینه کارگران مبارز ما، فاستر ویلر، ماشین سازی بارین براکسی با عنوان کارگران عرب، کارگران عجم، اتحاد! اتحاد! منتشر کردند که طی آن ضمن تاکید بر اتحاد کارگران عرب و عجم چنین گفته شده بود:

"برادران کارگر! مبارزه ما تنها در صورتی به پیروزی خواهد رسید که تمام کارگران اعم از عرب و عجم و... با هم متحد شوند. متحد شوند و پروژه امپریالیست ها و وابستگان داخلی آنها را نابود کنیم."

ولی در مورد دیگر، یعنی در مورد نفوذ عناصر خود فروخته و رنگ عوض کرده، متاسفانه شورای هماهنگی برخوردار شنیاهی داشت و از این طریق ضربه مهلکی به اعتصاب وارد کرد، همه کارگران فاستر ویلر با حسی تمام کارگران مجتمع صنایع فولاد تخص سرسپرده و مزدوری همچون "براغ دفاعی" را بخوبی می شناسند. ماهیت این فرد که در "شورای اسلامی" فاستر ویلر حضور دارد و همواره در جهت سیاستهای هیئت حاکمه، رودررویی کارگران ایستاده است، برای شورای هماهنگی ناشناخته نبود، ولی متاسفانه تشتتهای قشر کارفرمائی او توانست شورای هماهنگی را بفریبد. دفاعی با تغییر رنگ، وارد میدان شد و شیبانی را متهم به همکاری با امپریالیست ها و ضد انقلاب کرد! و اعلام کرد که شیبانی و جعفری را به دادگاه انقلاب می کشانند!! و... و تمام اینها در واقع امر طرح سازی بود و ریاکاری و وظیفه شوراهای هماهنگی بود که با افشای وی، ماهیت ضدکارگری و سوسیالیستی او را برای کارگران توضیح داده و هرچه بیشتر او را منفرد میکرد. ولی... شورای هماهنگی بجای این کار، دفاعی را در جلسات خود شرکت داد، با واجازه دادن به او زیر پوشش کارهای شورای هماهنگی اطلاع خود را از این طریق، مقامات و عمال رژیم را در جریان کارهای شورا قرار دهد.

در ادامه این جریان تصمیم به روزهای سالگرد قیام که با جاری شدن سیل خونشان همزمان بود، بعد از جاری شدن سیل، شورای هماهنگی ستاد امدادی تشکیل داده و اکثریت شورای هماهنگی به امر کمک به سیل زدگان پرداختند، با تصور که می دانیم در این روزها کارخانه عمدتا بحالت نیمه تعطیل درآمده بود و کارگران پراکنده و متفرق شده بودند و این خود زمینه مناسبی بود برای توطئه چینی عمال رژیم. در این روزها که کارگران همچون روزهای قبل متشکل نبودند، براحتی میشد علیه آنها توطئه چید و پیاده کرد و متاسفانه شورای هماهنگی از این امر نیز غافل ماند و کمک به سیل زدگان را محور کار خود قرار داد و در بسیج کارگران و متشکل کردن مجدد آنان حول شوراهای هماهنگی کوتاهی کرد. با این ترتیب فرصت مناسبی برای شورای اسلامی پیش آمد که از آن طریق مسموم نمودن برنامه‌های فدکارگری خود را طراحی کنند.

تهاجم تازه هیئت حاکمه

در تاریخ ۵۸/۱۲/۴ سیاسی عضو هیئت عامل طی نامه‌ای به مهندس حسیبی، اعلام کرد که حقوق کارگران فاستر ویلر - تهران جنوب قابل پرداخت نیست و این نشان میداد که هیئت حاکمه تهاجم را شروع کرده است. نزدیکی شب کمیته سوسیالیستی کارگران زمینه‌ای بود که آنها میتوانستند بشدت از آن استفاده کنند. چون که کارگران فاستر ویلر فاقد صندوق اعتصاب بوده و عموما به حقوق نخور و نمیر خودشان چشم دوخته‌اند. بعد از این امر، کارگران مبارز فاستر ویلر طی اعلامیه‌ای این عمل را محکوم کرده و از همشهریان اهوازی خواهان پشتیبانی شدند. شورای هماهنگی، در مقابل این اقدام شیبانی (کسی که در زمان شاه و علاوه بر خوش خدمتی هایش در ذوب آهن مدال تاج هم بوی دریافت کرده است) نتوانست سریعا موضع گیری کند و بدا مقداری تاخیر میخواست که یک راهپیمائی اعتراضی ترتیب داده و باین ترتیب صدای کارگران را بگوش مردم شهر برساند. این عمل، اولا بدلیل حمله عناصر مرتجع به دیپلمه‌های بیکار اهوازدر روز جمعه انجام نگرفت و ثانیا اگر هم انجام میشد نتیجه‌ای جز انفراد و جدائی هرچه بیشتر کارگران فاستر ویلر نمی توانست داشته باشد. این معنی که وقتی کارگران فاستر ویلر بخاطر پرداخت نشدن حقوقشان دست به راهپیمائی بزنند آیا انگیزه‌ای در کارگران فاستر ویلر ماشین سازی که حقوقشان پرداخت شده است برای راهپیمائی وجود خواهد داشت؟ آیا بهتر نبود که برای همبستگی با طلب عنایت کارگران ماشین سازی در رابطه با مسئله شرکت ملی پروژه‌ای و رسمی شدن کارگران پیمانی صورت میگرفت؟

بدین ترتیب شورای هماهنگی کاری انجام نداد و هرچه بیشتر زمینه را برای قدرت گیری عناصر مرتشی خنثی شده‌ای همچون سیدهاشم موسوی و براغ دفاعی و حیدر طرفی و اسدپور و مطلبی پور و عبادی و... مساعد کرد.

روز شنبه ۵۸/۱۲/۱۱ یکی از روحانیون باسم شفیعی که از طرف سیدهاشم موسوی به کارخانه آمده بود، ضمن سخنان خود عمل کارگران را اخلالگرانه و ضد انقلابی عنوان کرد که بلافاصله با شعارهای "کارگر سیمانی رسمی باید گردد - شرکتهای سیمانی ملی باید گردد" از طرف کارگران مواجه شد و مجبور شد صحنه را ترک کند.

چماق بدستان وارد صحنه میشوند

روز یکشنبه ۵۸/۱۲/۱۲ کارگران فاستر ویلر با زهم علیه دفتر کارگزینی (سه طبقه) اجتماع کرده و در روز وحدت و تشکل و مبارزات ضد امپریالیستی کارگران صحبت میکردند. در این روز از طبع مطلوم بود که اتفاقاتی در شرف تکوین است. کارگران تا آگاه و فریب خورده حول کنائی همچون دفاعی و اسدپور و سیدهاشم موسوی گرد آمده و به کارگران مبارز و پیشرو کارخانه چنگ و دندان نشان میدادند و عده‌ای به چماق و کارد و قمه مسلح بودند. روز قبل (شنبه) اتفاقاتی از طرف شورای هماهنگی در یک تابلو اعلانات شلوغ بیرونی با حضور اشخاص دارو دسته‌ای چاکم شرع و مهندس شیبانی و دفاعی (عضو معلوم الحال او...) شرکت کرده بودند و قرار بر این شد که تواریخ تابلو اعلانات تکنواتی کارگران و بعضی از اعضای شورای هماهنگی از دیوار کارگران پخش شود. عناصر فرصت طلب همچون سیدهاشم موسوی مدام در حال گرد بلبل کارگران ناآگاه بودند و با سخنانی از قبیل: "اینها کمونیست هستند"، "اینها خدا ندارند"و... آنها را هر چه بیشتر علیه اعضای شورا و کارگران آگاه و انقلابی فاستر ویلر تحریک میکردند. مثلا وی خواست خبر از طرفی (کسی که عامل سوء قصد به خمینی با آبادی بود) و اطرافیانش را نیز جهت یورش بسیج کند.

وقتی موقع یکی دو ساعت مانده رسید، آنان با چوب و چماق و باتون و کارد از قبیل مرگ بر کمونیست و... به طرف کارگران حمله کردند (خدا آدمی که در عکس دو تفر شود) آنها شعارهای خدا امپریالیستی و اندر باتیه داری را بسته را با داد کردند و بندگان شورای هماهنگی را زیر مشت و لگد گرفتند بطوریکه یکی از آنها بینش ای شکست و بینش پاره شد و دیگری بچوب زیر بغل افتاد و..

و کارگران اسلامی و آگاه شوکت که نمی خواستند درگیری پیش بیاید بدنا میرو مانست و در مقابل آنها بر خورد کرده و با شعارهای "مرگ بر ارتجاع"، "ارتجاع هدنست امپریالیسم" و... آنها را بکنار خود گذاشتند.

همین روز دفاعی و اسدپور و سیدهاشم موسوی با استادان و کارگر شرع و شیبانی حمایت گرفته و به آنها مژده داده‌اند که محیط برای تشریف فرمائی آنها آماده است. یعنی مثل همیشه قبلا یک عده زمینه را آماده میکنند تا آنها بیایند. آنها که روزهای قبل بدلیل فرار از افشاگریهای کارگران جرات قدم گذاشتن به کارخانه را نداشتند، با این خبر بلافاصله روز بعد در نقل کارخانه حاضر شدند. قبل از حضور مقامات رژیم، قطعنامه تحمیلی از طرف کارگر خرده‌ای که عضو شورای لوسینی او را همه میدانند، خوانده شد و بوسیله همان عده معدود دیگر که طی این قطعنامه انحلال شورای هماهنگی و تصفیه کارخانه از افراد "ضد انقلابی" (یعنی افراد مبارز و انقلابی) و شکستن اعتصاب خواسته شده بود. محمد غرضی استاندار خورشتان که بدطولانی در اعمال ضد انقلابی دارد (یک نمونه کوچک آن دستگیری فرزندان آیت الله طالقانی است) ضمن سخنان خود، تکیه زیادی بر روی شکستن اعتصاب و بلند از آن گرفتن حقوق و پاداش و عیدی داشت و حتی تبرکه بحق او را حاکم "تر" یا بدگفت. قبل تا شیدسخنان استاندار بر روی مواد قطعنامه کارگر خرده‌ای، تاکید کرده و اصول تراز انقلابی خواند! شیبانی تبرکه ذوق زده شده بود، بلافاصله اعلام کرد که همین حالا به تهران خبر میدهم که اعتصاب شکسته شد و حقوقها را پرداز زید و... (و چند روز بیش نگفت که نمی تواند در مورد پرداخت حقوقها کاری انجام دهد!) و در تمام این مدت کاسه

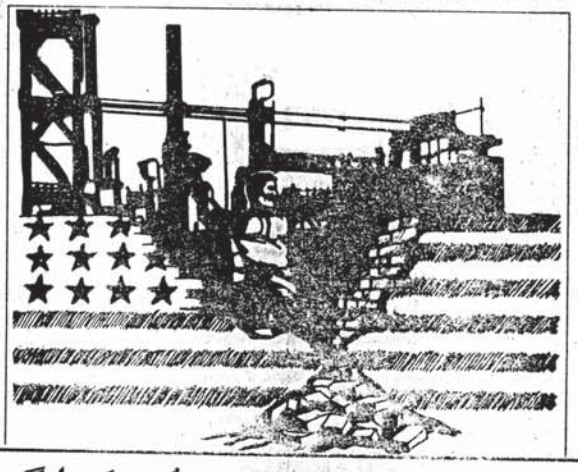

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

لباسی همچون دفاعی و ادبیو روسدها سم موسوی بسی ارزانتر خودشان بسازند و حرفهای آنها را باشد مسکردند و ما هست مدکارگری خود را بسی ارزش روس منماخند. ضمنا اینهم باید بگوئیم که در این روز اطراف کارخانه و راههای شرکت و نقاط ورود و خروج کارگران بوسیله عمال دفاعی اشغال شده بود و در بسیاری جا به سؤدند تا کارگران مبارز و انقلابی درگیر شده و جلو آنها را قرنطی کنند. اگر محاصره ما بسیم که محیط کارخانه را همچون شهری در نظر بگیریم، سرخوردهای قوی را هم میتوانیم همچون کودتاگرانی در نظر بگیریم که بعد از کودتا سرکوب و یورش و بگیر و ببند، سعی می کنند مانع حرکات اعتراضی مردم شوند.

چرا اعتصاب به شکست انجامید؟

و باین ترتیب بود که کارگران فاستر ویلر مجبور به عقب نشینی شدند. آنها اگر چه عقب نشستند، ولی این عقب نشینی میتواند بمنزله قدمی به عقب باشد تا بعد از جمعبندی اشتباهات و کاستی ها، هر چه بیشتر و بهتر به جلو بپردازند. اگر بخواهیم بطور خلاصه دلایل پیروزی موقتی مقامات و مزدوران آنها را در اینجا بشماریم باید فوراً دو زیر را نام ببریم:

۱ - کار تبلیغی بسیار بسیار محدود از طرف شورای هماهنگی در رابطه با مسائل در کارخانه.

۲ - ارائه ندادن طرح شرکت ملی پروژه ای از طرف شورای هماهنگی و در نتیجه توجیه نبودن کارگران نسبت به طرح "شرکت ملّی پروژه ای".

۳ - برخورد احساسی با مسئله عمل و در نتیجه خالی ماندن عرصه برای تاخت و تاز کسانی همچون "دفاعی" و یا کلاً "شورای اسلامی".

۴ - نزدیک شدن کسانی همچون دفاعی به شورای هماهنگی و طرد نکردن آنها از طرف شورا.

۵ - نداشتن ارتباط نزدیک با شوراهای ماشین سازی و یا تا وسعی در اقدامات تکرو انه و انفرادی (مانند راهپیمائی که قرار بود بخاطر طرفه حقوق صورت گیرد).

۶ - نداشتن صندوق اعتصاب و در نتیجه وابستگی شدید به حقوق ماهانه.

۷ - ارتباط نداشتن شورای هماهنگی با کارگران مبارز و پیشرو کارخانه و در نتیجه نه استفاده نکردن از امکانات آنها جهت بسیج دامور کارخانه.

۸ - حضور نداشتن در جمع کارگران بعد از یورش معمول و ارسدها سم موسوی و همکاران ا.....

با این ترتیب می بینیم که با وجود اینکه کارگران فاستر ویلر - تهران جنوب از روحیه قوی مبارزاتی برخوردار بودند و شعارهای آنها این امر را بیان میداد، با وجود اینکه کسانی همچون سنایی و هیئت همراهش را با افساگریهای خود مات کردند، ولی دو مقابل یورش یک عده لومپن و مزدور سرمایه دار اسحام خود را از دست داده و سرسفا متلاشی شدند. علت این امر چیست؟ تجارب و مبارزات کارگران ایران و جهان در این زمینه کدام مسئله و رهنمود را بما نشان میدهد؟

بنظر ما مادامی که کارگران یک شرکت یا یک کارخانه از طریق یک تشکیلات کارگری واقعی دست در دست هم نداشته باشند و یک رهبری مرتبط با آنها و برخاسته از بین آنها، آنها را هدایت نکند، همواره در مقابل یورش عوامل ارتجاع و ضد انقلاب، ضربه پذیر هستند. ما در مورد فاستر ویلر می بینیم که شورای هماهنگی از طرف کارگران انتخاب میشود و رهبری اعتصاب را هم در دست دارد ولی شورای اسلامی هم هنوز پا برجاست! آیا شورای هماهنگی نمی بایست با تکیه بر پشتیبانی توده های کارگر شورای اسلامی را منحل میکرد؟ آیا نباید هر چه بیشتر در جهت تشکیلات دهی کارگران قدم برمیداشت؟! اگر قبول کنیم که مبارزه با کارفرما و دولت حامی آن، احتیاج به یک برخورد علمی و اصولی دارد پس اینهم باید قبول کنیم که صرف پشتیبانی توده های کارگر از شورای هماهنگی نمیتوانست حلال مشکلات باشد. این مسئله فقط یک قسمت از کار بود. قسمتهای مهم دیگر آن از قبیل انحلال شورای اسلامی، تشکیلات دهی کارگران، انتشار طرح شرکت ملی پیشروانه ای، اعتصاب، تغییر دادن اشکال مبارزه و ورود یک نقشه حرکت کردن و تابع جریانات خودبخودی و روزمره نشدن و ... حرکتهای ابتکاری بود که متاسفانه به دلیلها پرداخته نشد و اینها امور باید مورد توجه کارگران فاستر ویلر قرار گرفته و در دوره بعدی مبارزه با تجربه اندوزی از این عقب نشینی مرحله ای از تکرار آن جلوگیری کنند.

ما در اینجا بار دیگر پشتیبانی خود را از کارگران فاستر ویلر (که امروز به سنگر مبارزاتی کارگران مبارز و پیشرو تبدیل شده است) و همه کارگران مبارز و پیشرو اعلام میکنیم و از همه کارگران مبارز و انقلابی میخواهیم که با آنها همبستگی نشان دهند. ما از کارگران مبارز و پیشرو فاستر ویلر میخواهیم که با آنها وحدت ایجاد کنند، علم کرده و اعمال استبداد و حاکم شرع و ... را محکوم کرده و اعلام میکنیم که ما مطمئنا با اقدامات همچون اخراج کردن جمعی بدست او ... نمیتوانند مبارزه کارگران قهرمان فاستر ویلر را متوقف کنند و در جامعه امسا کسانی را که در جریانات اخیر فاستر ویلر نقش مهمی در خلع ید کارگران را داشتند اعلام کرده و از شما و کارگران مبارز و انقلابی فاستر ویلر میخواهیم که تا آنجا که میتوانید این افراد را افشا و طرد کرده و مانع اقدامات بعدی آنها شوند.

نزاع دفاعی - هادی اسدپور - سید هاشم موسوی - علی ملحوئی و بند - محمد باوی - مجید باوی - جمعه رهبری - نادری - مجید غدار - سید رمضان موسوی - اکبری (اهل گرگان) - ستار هاشمی - حسن روشن - جمال منصوری - زلالی - عبادی (از کوفرف) - جاسمی (فورمن برق) - کاظم خرداتی (فورمن برق) - حیدر طرفی (کسی که به حسن بابادی سوء قصد کرد) - علی باوی.

پیروز باد مبارزات حق طلبانه کارگران شرکت ملی پروژه ای (فاستر ویلر، تهران جنوب سابق)!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی!

(نقل با کمی تغییر از ضمیمه محلی پیکار شماره ۱۲ - کمیته خوزستان)

★ ★ ★

اخبار رسیده حاکیست که بدنبال مبارزات قهرمانانه کارگران شرکت ملی پروژه ای و توطئه های عوامل ارتجاع در کارخانه آخر وقت روز دوشنبه ۵۸/۱۲/۲۶ هنگام رفتن کارگران، چند نفر از افراد نیروی ویژه خلبی مربع اخدادی اعلامیه به دیوار تخته ای نزدیک در خروجی نصب میکنند. این اعلامیه ها شامل حکم اخراج عده ای بوده که یک دست نوشته و بعنوان آنها را به دو دسته تقسیم کرد.

دسته (الف):

۱ - اکبر لیاقتی ۲ - محمد طوطیانی ۳ - طهمورث الاتوند ۴ - کیامرث سروی پور

این عده بجرم دزدی، بساواکی بودن، سوء استفاده و ... اخراج شده بودند ولی در کنار نام آنها با اسامی کارگران مبارزی بچشم میخورد که بسیاری از آنها جه در رابطه با رژیم شاه خائن و چه بعد از قیام به دارای سابقه مبارزاتی درخشانی هستند. ارتجاع فریب کار ما نه و کوردلانه میخواهد اعلام اسامی کارگران مبارز و کسانی را که با استفاده بی قانونی از زمان و زمینه مزدور شاه جهره انقلابی و پیشکسوت کارگران را لوث نماید، و آنها را از یک قشر مبارز متفرق کند. اما کارگرانی که در طی مبارزات خود هنوز این کارگران قهرمان را دوشادوش خود دیده اند، فریب کاریهای عوامل ارتجاع را نا دیده میگیرند؟!

حکم اخراج فرکدام از کارگران که سه امضای خارقانی مزدور زیر شده بصورت زیر است:

آقای .....

بموجب حکم دادگاه انقلاب اهواز و بموجب این حکم شما از تاریخ ۵۹/۱/۱ اخراج هستید.

امضاء - خارقانی

اسامی کارگران مبارز که اخراج شده اند بشرح زیر است:

۱ - رضا قربندیها ۲ - تاذرگهنسال ۳ - سید محمد موسوی ۴ - منصور مرادی کاهکش ۵ - عبدالخلیل عبدیان ۶ - ناصر جوکار ۷ - ابراهیم عبدزاده ۸ - بهروز بنده زاده ۹ - علی تقی ۱۰ - علی ثامن متجری ۱۱ - بهروز توفادی ۱۲ - عبدالحسین جاملی ۱۳ - حسین الفاسیوز ۱۴ - هوشنگ باقربور ۱۵ - روشنائی ۱۶ - حسن بابادی ۱۷ - سید حسین الفتی ۱۸ - جهانگیر رحیمی ۱۹ - باقر عبدالله تیا ۲۰ - نعمت الله امیری ۲۱ - متدین انجام ۲۲ - قدرت الله کماشلا ۲۳ - ایرج گاهلیور ۲۴ - علی محمد گماشکی ۲۵ - داریوش دولت آبادی ۲۶ - فیروز کوندی ۲۷ - کاظم کسارنژاد ۲۸ - کمال دوستی ۲۹ - خجسته فرزانگان ۳۰ - سوتیا شهنیان.

خارقانی گفته است که این سری اول اخراجی هاست و بعداً قرار است تا رقم عده ای را اخراج کند. در اخراج شاهد قرمبا رز، انجمن اسلامی صنایع فولاد، شورای صنفیه و ترکیه، شورای کارگران صنایع فولاد، شورای ویژه فاستر و خودکفایی صنایع فولاد، تقی با خارقانی همکاری داشته اند.

ارتجاع بعد از تشکیل کارگران و با استفاده از تعطیلات عده ای افراد اخراجی را اعلام کرده تا نگذارند خود هنگام بازگشت کارگران موقوف گفته شده باشد. اما کورخوانده است. تشکل و قدرت همبستگی

بقیه در صفحه ۱۳

محرمانه

وزارت امور خارجه

وزارت صنایع و معادن

بازگشت نامه شماره ۱۲۱۶/ر مورخ ۲۰۲۷/۳/۲۳

در مورد معرفی آقای داود خارقانی معاون مدیرکل دفتر برنامه ریزی معدنی آن وزارت بعنوان افسر امور مقدماتی دبیرخانه سازمان پیمان مرکزی خواهشمند است دستور فرمایند هرچه زودتر شماره لیست و ردیف صلاحیت نامبرده را به اداره همکاری های بین المللی وزارت امور خارجه اعلام نمایند تا نسبت به اخذ برگ صلاحیت ویژه جهت دسترسی ایشان به اسناد مستوجه اقدام شود.

وزیر امور خارجه

سند شماره ۱

شرکت ملی صنایع فولاد ایران
مجتمع فولاد اهواز

آقای مهدی نوبک زاده الحسینی

به موجب این حکم تبدیل زیر:

۱- ترک خدمت بدون عذر موجه
۲- اهمال در اجرای وظایف
۳- تمرد از اجرای دستور فوق
۴- رفتار خارج از نزاکت
۵- عدم رعایت سلسله مراتب اداری
۶- ایجاد بی نظمی و عدم همکاری
۷- توهین به مقام مافوق

از تاریخ ۱۳۵۹/۱/۱ از خدمت شرکت ملی فولاد ایران منفصل می شوید.

داود خارقانی
رئیس مجتمع فولاد اهواز

سند شماره ۲

شرکت ملی صنایع فولاد ایران
مجتمع فولاد اهواز

آقای سید علی اکبر جزایری - ناظر نوار حفاظت

به موجب این حکم از تاریخ ۱۳۵۹/۱/۱ به مدت شش ماه از خدمت شرکت ملی فولاد ایران منفصل می شوید.

داود خارقانی
رئیس مجتمع فولاد اهواز

رونوشت: امور اداری
" : امور مالی
" : واحد حفاظت و نگهبانی

شرکت ملی صنایع فولاد ایران
روابط عمومی
مجتمع فولاد اهواز

سند شماره ۳

حق "بیمهٔ بیکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org

قتل‌عام روستای «قه‌لاتان» بوسیله ارتش و پاسداران

● حتی پیرمرد ۱۱۰ ساله و نوجوانان ۱۵ ساله را نیز کشتند!

در روز ۵۹/۱/۶ عده‌ای پاسدار به همراه دو تانک ارتشی از بنده سمت اشنویه حرکت کرده و در سراه خود به دهات کناره‌ا دیوش برده و به قتل و غارت پرداختند. پاسداران در سرحمایت تانک‌ها که مرتب تپه‌های اطراف ده قه‌لاتان را به توپ می‌بستند وارد ده شدند. قبل از ورود پاسداران پیشمرگه‌ها برای جلوگیری از کشتار مردمی کناره‌ا رده عقب نشینی کرده و به تپه‌های اطراف رفته بودند. عده‌ای از مردم ده نیز از ترس به روستاهای مجاور گریخته بودند ولی عده‌ای از افراد که عمدتاً پیرمرد بودند در ده مانده بودند که با پاسداران سر رسیدند. آنها با ارباب ده به نام "مراد فطاری" روبوسی کرده و آنها را در منزل وی خوردند. آنها در موقع ورود به ده به قتل عام مردمی کنا وبی سلاح ده پرداختند. بیش از ۲۰ نفر را که عمدتاً پیرمرد بودند کشتند. جنازه‌هایشان مبدهد که این عده بیشتر بوسیله شلیک گلوله در دهان یا در سرشان که طرز فجیعی به قتل رسیده‌اند. پاسداران اثاث خانه را خرد کرده و از خانه‌های روستائیان پول، طلا و حتی فرش به غارت برده‌اند. آنها حتی به گاو و حیوانات روستائیان گلوله شلیک کرده و کشته‌اند. در خانه‌ای حتی تلویزیون را به

۱ – رمضان منها و	۱۱۰ ساله
۲ – حاجی سیدحسن قدسی	۷۰ ساله
۳ – حاجی محمدجولاپا بزیدی	۷۵ ساله
۴ – حاجی رسول عبدالله مصطفی	۶۰ ساله
۵ – عبدالله چوکل قربانی	۵۰ ساله
۶ – عثمان درویش سلیم	۶۰ ساله
۷ – محمدکرده	۵۰ ساله
۸ – عثمان آمانی	۳۰ ساله
۹ – محمدامین عباس	۳۰ ساله
۱۰– حسن حمزه‌کوکه	۲۲ ساله
۱۱– جلال بیدوخ	۱۸ ساله
۱۲– عبدالله آغلیانی	۱۹ ساله
۱۳– اسماعیل حمیدی	۱۵ ساله
۱۴– فادرکورستمی	۴۵ ساله
۱۵– رحمان مبته مورک	۴۵ ساله
۱۶– احمد گلابی	۲۱ ساله

اسامی ۴ نفر دیگر و همچنین اسامی ۵ پیشمرگه شهید (۱ پیشمرگه کومه‌له و ۴ پیشمرگه دمکرات) نیز هنوز بدست ما نرسیده است ■

درگیری در اطراف ارومیه

در ادامه تحریکات رژیم برای شروع حمله دیگری به کردستان در مناطق کردنشین اطراف ارومیه ارتش ضدخلقی به همراه ملاحسنی مرتجع و اربابان محلی و جاشهای خودفروخته علیه مردم ستمدیده کرد و پیشمرگه‌ها فعالیت می‌کنند. آنها هر روز با زهم بیشتر مسلح میشوند. آنها تلاش میکنند به پایگاه‌های مختلف درگیری ایجاد کنند. طبیعی است که مردم و پیشمرگه‌ها نیز از خود دفاع میکنند. سه‌شنبه غلت روز یکشنبه ۵۹/۱/۳ بین پیشمرگه‌ها و جاشهای خودفروخته در "رازان مرکزو" و "دوله بیسان" در محال "دشت" و در محال "ترکور" در "روستای میرآبا دوسلوانا" درگیری پیش آمد. در این درگیری‌ها که همان روز پایان یافت خالد سنگ مرکز دمکراتهای روستای "دوله بیسان" فراری شد و جاشهای ارباب مقر نظامی پیشمرگه‌های دمکرات – کومه‌له و پیکار شد. در رازان که مقر اربابها و جاشها و ارتش و فئودال موقت است درگیری با نیروهای رازان از جانب سید موسی کیلانی زاده ارباب رازان شروع شد و ارباب و جاشها با همیاری و نیروهای پیشمرگه‌ها را مورد حمله قرار دادند. در اثر نیروهای مرتجعین دو نفر از اهالی دهکده کشته شدند. پس از نیم ساعت درگیری بین پیشمرگه‌های دمکرات و جاشها ۲۴ ساعت اعلام آتش بس شد که پس از آن پیشمرگه‌های پیکار محل را ترک کردند.

بعد از ظهر دو شنبه عده‌ای از اهالی روستاهای مرکور و حلوی دفتر حزب دمکرات در دره مرکور جمع شده و خواستار اعدام سید موسی بودند.

★ ★ ★

توطئه ارتجاع را افشاء کنیم (خرمشهر)

ظرف روزهای یکشنبه تا سه‌شنبه ۷ اسفند ماه در حدود ۷۰ نفر از جوانان خلق عرب دستگیر شده‌اند. در بین دستگیرشدگان "عبودی" دبیر کانون فرهنگی و وهاب مهدی، عامر و ... وجود دارند. این افراد را بجرم ارتباط با حادثه سمب گذاری در خرمشهر که اخیراً رخ داده و منجر بقتل چند نفر گردیده دستگیر کرده‌اند. نشانه‌های بارزی وجود دارد که حکم محکومیت این افراد را پیش از سابقه، مبارزاتی آنها صادر خواهند کرد. ارتجاع حاکم باز هم در تلاش است تا عده‌ای از جوانان مبارز خلق عرب را سراسیمه اتهامات واهی از قبیل سمب گذاری ... به جوخه اعدام بسپارد. ما همچنانکه بارها اعلام کرده‌ایم این حوادث و نظائر آن را از قبیل سمب گذاری در قطار و یا ترسیف و مجامع عمومی بهیچ وجه نمی‌توانند کار فرزندان مبارز خلق عرب باشد. بنظر ما این حوادث ساخته و پرداخته عوامل مرتجع محلی که تحت نفوذ رژیم ضدخلقی بعث عراق قرار دارند بوده و بنا بنا بر اختلافات مقامات حکومت محلی خوزستان (بخصوص در زمان مدنی حلاد) می‌باشد.

ما از قبیل دربار، اعدام احتمالی این مبارزان خلق عرب و مردم مبارز خوزستان هشدار داده و هرگونه محکومیت آنها را از طرف دادگاههای به اصطلاح انقلابی از قبیل محکوم می‌کنیم. ما از نیروهای آگاه می‌خواهیم با افشای این عمل و حمایت از مبارزان در منع تکوین توطئه احتمالی نیز علیه این مبارزان بوشند.

(منقل از نشریه محلی پیکار، شماره ۱۲ کمیته خوزستان) ■

سنگ و دادگاه خلقی در سنندج برای مبارزه با اعتیاد

حدود ۲۰ نفر در سنندج به جرم مبارزه با اعتیاد و معامله مواد مخدر توسط دادگاه خلقی اعلام شده و در جریان بررسی کار معامله‌ای به تنگه‌ها و اوراق محلات فرستاده میشوند. در آنجا به مرگ اعتیادشان کمک میشود. در همین اثنا نیروهای سپاسی به دستگیری عوامل پخش مواد مخدر میپردازند.

بدنبال این بسیج نیروهای در سنندج به تاریخ ۵۹/۱/۵ در خلوت بخش مسکونی و دادگاه خلقی با شرکت مردم مبارز سنندج در رابطه با محاکمه عاملین فروش مواد مخدر برگزار گردید. این قدمی است در راه هرچه گسترده‌تر کردن جنبش مقاومت خلق کرد.

این دستاورد میتواند مستحکمی باشد بردهان یاوه‌گویان هیئت حاکمه بخصوص آقای رئیس جمهور که در رادیو و تلویزیون اتحاریشان گفته بود که این روزها مسلمانان متعهد را در سنندج دستگیر می‌کنند. لابد آقای رئیس جمهور عاملین فروش مواد مخدر را مسلمانان متعهدی دانند. این دروغ پردازیهای هیئت حاکمه هرچه بیشتر چهره فریبکارانه آنها را در سراسر توده‌ها روشن‌تر خواهد کرد. مخصوصاً که این روزها مسافرین نوروزی در شهر سنندج با جنم خود واقعیت‌ها را می‌بینند.

برنامه‌ها بنام نوروز موسس محلات شروع شد و به پیام جمعی از معتادین که تازه ترک اعتیاد کرده بودند خوانده شد. در این پیام از مردم تقاضا شده بود که در راه کمکهای مادی و معنوی به تنگه‌ها و نوراها از هیچ کمکی دریغ نکنند. در ضمن در پیام آمده بود که اعتیاد نمیتواند در چنین جامعه‌ای کاملا ریشه‌کن شود. بعد چند نفر از معتادین که تازه ترک اعتیاد کرده بودند بطور منفرد صحبت کردند. آنگاه دادگاه شروع بکار کرد. تحت جمال وارستگان در حضور مردم به محاکمه گذاشته شد. این فرد متهم به تجاوز به سرنوجه‌ای بود که مقصدش را تا طرحاگذاری هروئین بزرگ کرده بودند و در اثر این کار سرنوجه دیوانه شده بود. مردم در رابطه با این شخص حکم را در دست داشتند و در ضمن بدرسرنوجه شخص کردوخواستار اجرای حکم کردند. شخص متهم فروش تودای شخص را شده با سنگ بوده که با مخفی کردن هروئین زیرپا را خرد کرد. از همدان به سنندج وارد میکرد. با سنگسار یکی از زارنده‌ها بیشتر زارنده‌ها و کمک زارنده‌ها را این فرد به اعتیاد کشانده است. این مسلمان به ظاهر متعهد تا به کفه‌بس صدر عضو کمیته مفتی زاده بوده است و سردار قیا به کمک تفنگ کمیته از دیوار مردم‌ها لا میرفته و دزدی میکرده است. وی همین چندی پیش زنهای بدکاره شهر را به تهران میبرده و خانه آنها را غارت میکرده. در ضمن او کلیددار قاچاق خانه بوده است. در جریان یورش رژیم به کردستان پاسداران را به خانه‌های مبارزین راهنمائی میکرده (شهادت یک گارد رهمین رابطه بوده است).

نفرات سوم و چهارم رشوف حمشیدی و محی‌الدین غزل‌خرده‌فروش تشخیص داده شدند و قرار شد در این مورد تحقیق بیشتری شود. در پایان از طرف یکی از کارگران مبارز کارخانه‌های تهران و مسافرین بوشهر و چند شهر دیگر پیام اعلام همبستگی خوانده شد در ضمن عوامل اصلی اینطور تشخیص داده شدند.

۱ – امپریالیسم آمریکا ۲ – دربار پهلوی، ۳ – اشرف پهلوی، ۴ – غلامرضا پهلوی، ۵ – محمد قمری، ۶ – محمد ملکی، ۷ – مرتضی سنگ تراش. (عوامل ۵ و ۶ و ۷ سنندجی هستند)

توضیح: مرتضی سنگ تراش، سنگ تراش بوده در اثر این شغل کارخانه سنگ بری خریده که در جریان یورش هیئت حاکمه به کردستان کارخانه سنگ بری را به مبلغ ۳ میلیون به جهاد بنا زندگی فروخته است

محمد قمری: قبلا شاگرد قهوه‌چی بوده و اکنون چند تریلی و دکان دارد.

محمد ملکی: قبلا شاگرد آهنگر بوده و اکنون صاحب کارخانه آهن بری و غیره ... است. ■

اعلامیه جامعه زنان مبارز ستز بمناسبت سالگرد نوروز خونین سنندج

● یاد شهدای "نوروز" سنندج را گرامی بداریم

در این اعلامیه تحت به جنگ خونین سال گذشته سنندج که توسط رژیم جمهوری اسلامی براه انداخته شد، و به قهرمانهائی که خلق دلاور کرد در یکسال گذشته از خودشان داد، اشاره شده و سپس آمده است که:

امروز یکسال از جنگ تحمیلی و خونین سنندج میگذرد و باز دیگر مردم مبارز سنندج شاهد تدارک جنگ تحمیلی و جنایت‌های دیگری از طرف رژیم حاکم، ارتش و پاسداران جمهوری اسلامی، و اوباش دسته‌های معلوم‌الحال میباشند. دستگاههای ارتباط جمعی و روزنامه‌های ضدمردمی تحت ارزحمی و کشته شدن‌های تعدادی از مردم سنندج و حمله به مساجد می‌کنند و باز دیگر سایه شوم ارتش ولشکر ۲۸ سنندج مردم شهر را سیه‌روز می‌کند.

هیهات خیال باطل که خلق مبارز، متحد و متشکل گردد و شانه‌ها بر خلقهای قهرمان ایران در مقابل این خیانتها و توطئه‌ها سهمگین‌تر خواهد ایستاد و با رضیکر ضربه مهلکتری به ارتجاع و ادارودسته‌های محلی آن خواهد زد و مبارزه خود را برای رفع ستم ملی و طبقاتی ادامه خواهد داد و تا برقراری خودمختاری کردستان در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک یک آن از پای نخواهد افتاد.

گرامی باد خاطره شهدای مردم مبارز سنندج! برقرار باد خودمختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک!

کوری شاقر، ثانی تیکوشه‌ری سه قز
(جامعه زنان مبارز سقز)
۵۸/۱۲/۲۸

جنایت فجیع جاشها و تظاهرات ۷۰ هزار نفری در سنندج

تا بوربشری یکی از مبارزان خلق کردهنگامیکه از کاماران عازم کرمانشاه بود، بوسیله جاشها که کمیته محلی از وی بدل داشتند دستگیر و سپس در وحشیانه‌ای شهید میشود جاشها او را بجرم داشتن حمدسرک اعلامیه و خبرنامه کومه‌له دستگیر و سپس بسته او را می‌سوزانند و سرش را از تن جدا میکنند. چنین وحشیگری جنایتکارانه‌ای حتی از مزدوران شاه واک نمیساخته نبود.

روز ۵۸/۱۲/۲۴ مردم مبارز سنندج طی یک تظاهرات عظیم ۷۰ هزار نفری جنازه شهید تقرنی و همچنین دارپوش رضائی از پیشمرگان کومه‌له را که در جنگ کاماران بشهادت رسیده بود، با شکوه تمام تشییع می‌کنند ■

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org

درباره "رفرم ارضی" هئیت حاکمه -۲-

با گسترش جنبش دمکراتیک دهقانی، تشدید مبارزات کارگران، زحمتکشان و خرده‌بورژوازی دمکرات در شهر و روستا که نشانگر در بالا و در هیئت حاکمه را بدنبال داشت، در زمینه سیاست ارضی نیز راه‌های از عناصر خرده‌بورژوازی هیئت حاکمه (رضا اصفهانی و ...) فرصت یافتند سیاست ارضی خود را در برابر سیاست لیبرالها تا حدی طرح و پیش ببرند. گرچه هنوز هدف قطعی که حاکی از سرانجام مبارزه جناحهای مختلف هیئت حاکمه بر سر این مسئله باشد در دست نیست (۱) ولی بویژه پس از رخدادت اخیر ترکمن صحرا بنا به دلایلی که شرح خواهیم داد، بنظر میرسد این سیاست جدید ارضی بیشتر از پیش در دستور کار دولت قرار میگیرد. اینکه دولت بتواند سیاست خود را در زمینه ارضی به پیش برد و تثبیت نماید یک فرض ممکن است. ما با فرض اینکه هیئت حاکمه سیاست ارضی جدید را در تمام مناطق کشور پیاده نماید (یعنی حداکثر ظرفیت بورژوازی لیبرال) سعی می کنیم ماهیت آنرا توضیح دهیم.

بموجب این لایحه زمینهائی که قبلا مصادره شده در اختیار دولت قرار میگیرد. زمینهای مصادره شده زمین داران بزرگ، در صورت بایر بودن در اختیار دولت قرار می گیرد و اراضی دایر آنها درصورتی که کشت توسط خود آنها انجام شود با توجه به شرایط اقلیمی و اجتماعی به اندازه خرده مالکان محل به آنها زمین داده میشود و درصورتی که کشت کننده فرد دیگری باشد، درصورت واجد شرایط بودن زمین به آن شخص واگذار میشود و مالک زمین با توافق می تواند اراضی محل دیگری را در مقابل زمین متصرفی خود دریافت کرده و یا اجرت المثل بگیرد و سپس بقیه زمینها در اختیار دولت قرار میگیرد. دولت زمینهائی را که در اختیار خود دارد بطور مشروط به افراد واگذار میکند. واگذاری زمین به روستائیان بدون زمین و کم زمین و فارغ التحصیلان کشاورزی و علاقمند بکار کشاورزی انجام میشود. زارعین حق تصرف زمین های دیگر غیر از آنچه که "دولت اسلامی" به آنها داده است ندارند. واگذاری برای مدتی معین (چندساله) و با توجه به شرایط خاص منطقه بوده و درصورت عملکرد مطلوب واگذاری زمین تمدید میشود. زمین های واگذاری به صورت شرکت تعاونی و مشاع میباشد (جز در موارد استثنائی با تصمیم هیئت ۷ نفری) انتقال زمین باید از طرف دولت صورت گیرد زمین های واگذاری قابل فروش نمی باشد ترکیب هیئت ۷ نفری عبارت است از ۲ نفر از وزارت کشاورزی، یکنفر نماینده وزارت کشور با استانداری محل، یکنفر از جهاد سازندگی، یکنفر نماینده دادگستری یا دادگاه انقلاب و ۲ نفر نماینده شورای ده.

وظایف هیئت عبارتست از حل وفصل قضایای مورد نزاع، واگذاری زمین، تشخیص صلاحیت استفاده از زوایا و امکانات دیگر کشاورزی.

در یکی از تبصره‌ها گفته میشود که در صورتیکه در محل، زمینهای دولتی و مصادره شده قابل کشت هست، اول آن زمینها واگذار میشود و از این راه زمین های بیشتری زیر کشت میرود (به زمینهای مصادره شده زمین‌داران بزرگ). در لایحه، در موارد متعددی به شکل مبهم و چندپهلو عباراتی چون "درصورت تشخیص دولت اسلامی"، "چنانچه مصلحت جامعه اقتضا کند" و ... از مرکز فرض زمینهای آباد و مزروعی این افراد، امر واگذاری زمینهای قابل احیا به آنها را مشروط کرده است. مقدار اراضی واگذاری با توجه به سیاستها و مصلحت جامعه توسط دولت تعیین میشود. کسانیکه زمینهای مصادره شده و یا دولتی را دریافت می کنند موضوع مشخص شده اندوز عبارات کلی و روشن چون مثل "با توجه به مصلحت جامعه" مورد استفاده قرار گرفته بطوریکه ملاحظه میشود در میان داران بزرگ میتوانند برای زمینهای مصادره شده خود "اجرت المثل" یا غرامت بگیرند و یا زمینهای دیگری را تحت تصرف درآورند. امر واگذاری زمین های آباد به بعد موکول شده و ابتدا زمین های دولتی و مصادره شده قابل کشت واگذار میشود. از دهقان دچار فقر و مسکنت میتوان انتظار داشت که این اراضی را سزبر کشت برد؟

کسر بر سلطه دولت، سرکوب شوراهای دهقانی و سیروهای انقلابی و تحکیم بوروکراسی و دخالت گسترده دولت در حیات سیاسی و اقتصادی روستا و ایجاد مانع در امر تشکل مبارزه طبقاتی و بهره‌کشی از آزادی سیاسی برای تشکل پرولتاریای روستا و جلب دهقانان بهشدت اتحاد با پرولتاریاست.

به اعتقاد ما این سیاست جدید ارضی در برنامه هیئت حاکمه بعنوان یک آلترناتیو (سق دیگر) بوروکراتیک در مقابله با ابتکار انقلابی توده‌های دهقانی، در مقابله با تشکل و گسترش شوراهای دهقانی بمثابه ارگانهای قدرت توده‌ای و مصادره اراضی زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران بزرگ ارضی بدست این شوراها مطرح گشته است. بی جهت نیست که اعلام این سیاست جدید

● به اعتقاد ما سیاست جدید ارضی در برنامه هیئت حاکمه بعنوان یک آلترناتیو (سق دیگر) در مقابله با ابتکار انقلابی توده های دهقانی منظور گشته است و بی جهت نیست که اعلام این سیاست جدید دقیقا با سرکوب شوراهای دهقانی ترکمن صحرا منظور گشته است.

● کمونیستها همواره از محتوای دمکراتیک جنبش دهقانی حمایت می کنند. کمونیستها همواره از خواست مصادره اراضی زمینداران بزرگ که یکی از پایه های حکومتهای وابسته به امپریالیسم می باشند حمایت می کنند. ما خواهان مصادره اراضی زمینداران بزرگ و سپردن آن به شوراهای دهقانی به مثابه ارگانهای قدرت توده‌ای هستیم.

امر مصادره، واگذاری و ... به عبارات مبهم و قابل تفسیری مثل مصلحت جامعه و موابد به هیئت ۷ نفری موکول گشته است.

زمینهای مصادره شده (با اضافه اراضی منابع طبیعی) دولتی میشود و حق انتقال خرید و فروش و ... در اختیار دولت است. توانائی افراد (میزان سرمایه و ...) در اندازه واگذاری زمین تاثیر دارد.

میتوان محورهای موجود در این لایحه را بدین ترتیب خلاصه کرد:

۱ - بردن اراضی بیشتر بزرگ از طریق واگذاری زمینهای بایر و موات تحت عنوان احیا اراضی، به سرمایه‌داران.

۲ - بورژوائی کردن کامل نظام ارضی از طریق واگذاری اراضی زمینداران غیربهره‌بردار به بهره‌بردار مستقیم.

۳ - اعطای امتیازات فراوان به زمینداران از قبیل واگذاری زمینهای دیگر در ازای اراضی تقسیم شده آنها و یا پرداخت اجرت المثل (غرامت) - همچنین با زگذاردن راه فرارهای فراوان تحت عنوان مصلحت جامعه، موابد به هیئت ۷ نفری، کلکهای فراوان زمینداران از قبیل اعلام زمینها بصورت مکانیزه، اراضی را بنام فرزندان خود کردن و ...

۴ - انجام اصلاحات از طریق بوروکراسی که اعمال هرنوع نفوذ و زدوبندی را بوسیله زمینداران بزرگ برای حفظ امتیازات خود باز میگذارد.

۵ - گسترش و تحکیم دستگاه بوروکراتیک و مباشر سرمایه‌داری دولتی.

- جمع بندی سیاست این سیاست بعضی کمونیستها در شرایط کنونی جامعه ما و قبل از ایجاد جمهوری دمکراتیک خلق و در شرایط وجود یک دولت ضدانقلابی شعار ملی کردن زمین را مطرح نمیکنند. ملی کردن زمین در چنین شرایطی به تحکیم قدرت بوروکراتیک دولت منجر کننده و توده‌های دهقان را در تاریک و بوروکراسی گرفتار خواهد کرد (۲) تنها شعار صحیح در چنین شرایطی مصادره اراضی زمینداران بزرگ، مصادره کشت و صنعت ها و شرکتهای سهامی زراعی و سپردن این اراضی و تاسیسات به شوراهای دهقانی و شوراهای کارگران میباشد.

بورژوازی ممکن است سیاست بورژوائی کردن کامل نظام ارضی را پیش برد. ولی این سیاست حداکثر و با فرض تثبیت آن میتواند به حل مسئله ارضی برپایه سرکوب و قلع و قمع توده‌های دهقان و کارگران روستا و تثبیت بردگی دهقانان تهیدست و کارگران روستا در برابر سرمایه منتهی گردد، حتی درصورت توفیق بورژوازی در تثبیت ریاست ارضی خویش و حل مسئله ارضی بشیوه خاص خود این امر در تنها بت به گسترش مناسبات سرمایه‌داری در روستا و شتاب گرفتن روند پرولتریزه شدن دهقانان تهیدست و میانه حال منجر خواهد گشت. کمونیستها همواره قبل از هر چیز نماینگر منافع پرولتاریا هستند چه در شهر و چه در روستا وظیفه کمونیستها قبل از هر چیز سازماندهی کارگران روستا است.

در انقلاب دمکراتیک ضد امپریالیستی، کمونیستها کارگران روستا را به حمایت از خواستهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی دهقانان فرا میخوانند ولی هیچگاه از توضیح این امر غافل نمی مانند که منافع کارگران در از میان بردن مالکیت بورژوائی بطور کلی است. اگر بورژوازی مسئله ارضی را به شیوه خود یعنی سرکوب توده‌های دهقان، سلطه سرمایه و بوروکراسی حل نماید، برنامه کمونیستها فقط دعوت دهقانان تهیدست به اتحاد با پرولتاریا در مقابل امپریالیسم و ارتجاع خواهد بود، ولی اینکه آیا سیاست مداران بورژوا رفرمیست میتوانند مسئله ارضی را با سرکوب توده‌های دهقان حل نمایند، یا حل نهائی مسئله ارضی بشکل دمکراتیک و توسط دولت مبعوث شوراهای انقلابی کارگران و دهقانان انجام گیرد، مسئله ایست که آینده نشان خواهد داد.

فقط میتوان گفت که سیاست جدید ارضی دولت نه تنها تا تثبیت شدن فاصله‌ای بسیار دارد بلکه با ابعاد زمجرای ماشین بوروکراتیک که بسهولت زیر نفوذ زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران وابسته ارضی قرار میگیرد، اعمال گردد. هم اکنون مخالفتهای قابل توجهی از جانب محافل نیرومند داخل و برون هیئت حاکمه صورت میگیرد که سرنوشت نهائی آنرا زیر علامت سئوال قرار میدهد. ■

(۱) - بعنوان مثال آیت الله روحانی و قمی مخالفت شدید خود را با این طرح اعلام کرده و توصیه متوقف شدن آنرا کرده‌اند. بهر حال آنچه که مسلم است این است که طرح جدید سیاست نوژوا - رفرمیستی نمی صدر را با خود دارد.

(۲) - این (دولتی کردن اراضی کشاورزی) دقیقا همان چیزی است که علیرغم شعارهای خود خواهانه عناصری چون رضا اصفهانی و بشیمائی برخی از سیروهای کمونیستی از آن در شرایط حاکمیت ضدانقلابی بورژوازی انقلابی می افتد. اتفاقا در طرح اصفهانی نیز دولتی کردن اراضی کشاورزی بوضوح ذکر شده است که دقیقا نماینگر منافع خرده بورژوازی است که میخواهند خواستهای توده‌های دهقانی را برای مصادره املاک بزرگ با منافع بورژوازی بسوی برند.

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

ترور انقلابیون همچنان ادامه دارد

● حمیدرضا مینه‌ئی سی و یک ساله بود که در شرکت نفت سخن از اعتراض سیاسی زده شده است.

سه سال حمید سرپرست انقلابیون در کرمانشاه، ابراهیم پور... توسط ساواک شاه ایران، انقلابی دیگری سام حمید رضوان، فرمانده سمی و کارمند سابق شرکت نفت نظر مرموزی سروده است. در همین رابطه خانواده شهید با ادعای خطا به رئیس جمهور بوسه و ضمن افشای این جنایت هولناک از او خواسته‌اند هرچه زودتر مجلس اسلامی جنایت را معرفی و مجازات کند.

برادر شهید حمید رضوان در مراسم ختم او که در مسجد شیخ علی نوشته سرگرد زندخانه اسرا دکرد. برادر شهید ضمن توضیح خلاصه‌ای از زندگی شهید، به خصوصیات انقلابی او اشاره کرد و گفت که حکومت همواره قلب پرمهرش برای رحمتکشان مستمند. وی در ادامه سخنان خود گفت:

"پس از ۱۷ روز سی‌ری بیشتر روزی از آخرین باری که برای تحویل حمید در احضار شده‌ایم. آنجا از ما خواستند که حمید همراه شخص دیگری در اثناء تعرض به دلایل نامعلوم در مراغه توسط سپاه پاسداران دستگیر میشود، خبر مندرج در روزنامه‌کیهان بتاریخ ۵۸/۱۲/۵ و کفته‌های سپاه پاسداران همه دال بر وقوع دستگیری حمید دارد، اما هیچیک گوشه‌ای حکومتی و علل دستگیری نیستند، حتی در خبر روزنامه ذکری هم از نام زندانیها نیست، حمید طبق گفته زندانی همراه او که بشدت مضروب و تحت محافظت بود مدت ۱۰- ۱۵ روز در زندان انفرادی مراغه بسر برده است و سپس بوسیله جیپ استیشن آهو تحت الحفظ سپاه پاسداران جهت انتقال به زندان تهران حرکت میکند، که در بین راه با زنگفته پاسداران و خبر مندرج در کیهان دچار سانحه تصادف گشته که منجر به مرگ حمید و یک پاسدار و زخمی شدن بقیه سرنشینان می گردد. در این حال است که مسئولین بفکر فرو افتند که با خانواده مقتول تماس بگیرند، تا جسد را تحویل دهند. اما در تمام مدتی که دوستان حمید در تهران نگران حال او بوده‌اند و همه مدتی که در زندان بوده سعی در کرفتن هیچگونه تماسی جهت مطلع کردن بستگان زندانی نکرده‌اند. آنجا از ما هادا تماس در قزوین و در سمنان اما صادق قزوین داریم همه حکایت از اینجا دیگر فعا و هو ما ساعد و ساعد سراکی می شود. پس از ورود دمان به تروس در سطح شهر ساخ شده بود که یک مهندس سمی را کشیده بود حمید در برد حاضر است. در این جا غیر از این نیست که صرفا با استفاده از یک ساعد اعلام شما نیم که همه گفته‌ها در شاره تحادف و غیره کذب است. زیرا ما در تمام مراحل تحویل جسد و غیره با برداری و اعتماد به گفته‌های سرنگ فاسوسی و مسئولین حسن نیت خویش را به ثبوت رسانیدیم. اگر هم مطلبی بود همان بود که خواه‌ان حکومتی و علت بار داشت بودیم. اما پس از انتقال جسد به تهران و شهادت هنگام نشستن جسد با موارد مشکوک و علائم و زخمهای متعدد به شرح زیر مواجه کردیدیم:

۱ - آثار کبودی ناشی از ضربه در سمت راست صورت.

۲ - لکه کبودی شکل هلال برروی صورت که در اثر ضربه شیئی غیر سرنده ایجاد شده.

۳ - سوراخ در سمت چپ صورت.

۴ - شکافتگی سر که قبلا بخیه شده بود.

۵ - بریدگی پشت گردن.

۶ - جای کبودی زیاد در پشت پا.

۷ - آثار خراشیدگی روی مچ پا.

و این مشاهدات ما را بر آن داشت اندکی عمیق‌تر به مسئله بیندیشیم، سوالات متعددی در اینجا برای ما مطرح است ما مراسله طی نامه‌ای که به دادستان انقلاب شوسر و دادستان کل کشور نوشته‌ایم خواستار رسیدگی این موضوع و با سخنگوئی به سوالات خویش شده‌ایم. و از همه برادران و دوستان و آشنایان و از همه نیروهای انقلابی خواهان یاری رساندن در جهت روشن شدن این مسئله میباشیم.

و اما سوالات:

۱ - حمید چرا و چگونه و به چه دلیل دستگیر شده است.

۲ - در شرایطی که در همه جاها فریاد اعتراض به دستگیریهای بدون مجوز و دلیل است، آیا دستگیری حمید به امر دادستانی بوده است؟

۳ - آیا در تمام مدتی که حمید در زندان بوده سعی شده که بطریقی با خانواده‌ها تماس بگیرند؟

۴ - توضیح داده شود که حمید در زندان تحت چه شرایطی بوده و توضیح دهند که آیا همه آثار و علائم و جراحات کهنه و جدید بر پیکر حمید ناشی از تصادف بوده است؟

راهپیمایی در اعتراض به لغو انتخابات در شهرهای کردستان و ترور انقلابیون

روز یکشنبه ۵۸/۱۲/۲۶ یک راهپیمائی توسط دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان و دانشجویان مبارز بمنظور اعتراض به لغو انتخابات در برخی از شهرهای کردستان و همچنین سیاست ترور انقلابیون که جدی است از طرف هیئت حاکمه صورت میگیرد، برگزار شد. این راهپیمائی که از دانشگاه تهران آغاز شده بود در مسیر خود در خیابانهای ابوریحان و جمهوری ادامه پیدا کرد و با استقبال مردم مواجه شد. جمعیت که در خیابان جمهوری بالغ بر هزاران نفر بود با شعارهای "تهدید ترور، قتل عام، این شیوه ارتجاع افشا باید کردد" و "الغاء انتخابات در سقز و سنندج، توطئه ارتجاع علیه زحمتکشان" و ... به افشای هیئت حاکمه پرداختند. در این تظاهرات، طبق معمول عده‌ای معلوم الحال سعی در سهم زدن صفوف راهپیمایان داشتند که در مقابل صف یکپارچه تظاهرکنندگان نتوانستند کاری از پیش ببرند. در مسیر راهپیمائی سخنرانی‌های افشاگرانه‌ای از طریق بلندگو انجام شد که با استقبال مردم مواجه گردید ■

کارکنان شرکت مخابرات خواهان برکناری وزیر خود شدند

شورای مرکزی شرکت مخابرات ایران، که مورد اعتماد و پشتیبانی اکثریت قریب به اتفاق کارکنان شرکت است، اخیرا از طرف مقامات شرکت و بخصوص وزیر پست و تلگراف تحت فشار قرار گرفته است. آقای وزیر تا کنون بهره‌برداری زده تا این شورا را از بین برده و جای آن را بیک شورای فرمایشی و گوش بفرمان و مطیع بسیارد. دستگیری، اخراج و تهدید اعضای نمایندگان شورا نتوانسته تزلزلی در اراده کارکنان مبارز شرکت و خواستهایشان مبنی بر برکناری وزیر وبازگرداندن کارکنان اخراجی وارد کند.

آقای وزیر با جرئت جدید هیئت حاکمه سعی "با کباری" میخواهد از شرکت کارکنان مبارز خلاص شود. کباری که در همین شرکت و در امور در مقابل اعتراض متحدانه کارکنان شرکت عملا با شکست مواجه شده است. برکار کنان مبارز شرکت است که ضمن فشرده‌تر کردن صفوف خود، با سخن اعلامیه و ... صدای حق طلبانه خود را بگوش دیگر هموطنان رسانده و ماهیت واقعی خاشعین بخلق را هرچه بیشتر افشاء کنند ■

بقیه صفحه

ترور ... بقیه ...

است. آیت الله خمینی از فتوای مرتجعانه در این راه استفاده کرده و توده‌های ناآگاه را به اطاعت کور و مطلق از این ارگان‌های سرکوب و فرمانبرداری از مأموران دیوب سوده و از عواقب بی‌فرمانی در این دنیا و آن دنیا ترسانده است.

صبح و حمله و حمایت به دکرسان، حمله به نظامیان و راهنمایان نیروهای مترقی دامن زدن به کشمکش‌ها و ترورهای انقلابی و کمونیستها و به رواج انداختن و اعدام و ترور آنان و مدعا اقدام ضد انقلابی دیگر همگی با همین وسیله و همین هدف انجام گرفته است. همه میدانیم که اطاعت از دولت خائن بازرگان "اطاعت از خدا و رسول" نمرده شد و فرمانبرداری از ناکرها و علوی‌ها و جمرانیها "واجب شرعی" تلقی کردند.

سرمایه‌داران لیبرال بیشترین استفاده را از این فتواها کردند. بازرگان، مدنی و بالاخره منتظری صدروقتی از امنیت حرف میزدند قبل از هرچیز عفو و اکیها و دیگر خائنین به خلق را خواستار بودند. لیبرالها از دادگاه انقلاب که در ابتدای امر با طرد وجود برخی عناصر مدکرات در درون آن به برخی اقدامات انقلابی دست میزد همیشه کله و شکایت داشتند و سرانجام بهشتی‌ها موجب طرد آن عناصر از دادگاه‌ها شدند.

از همان فردای قیام بهل کبری نسبت به اکیها و شکنجه‌گران و "بازگردن در رحمت و عفو" بسوی آنان و در عوض حمله به نیروهای انقلابی و روانه کردن سیل تهمتها بسوی آنان آغاز شد. هم اکنون طبق اطلاعات موثق صدها تن از کارگران مبارز، کمونیستها و نیروهای انقلابی در زندان‌های رژیم جمهوری اسلامی بسر میبرند. اما ساواکیها و عمال آدمکش رژیم گذشته دسته دسته از زندانها آزاد میشوند، بسرکار برمیگردند و این در حالی است که به بسیاری از مبارزین و انقلابیون جان برکف دوره شاه کار داده نمی‌شود و یا آنها را اخراج یا تهدید به اخراج میکنند و یا به زور آنان را بازنشسته مینمایند.

تصفیه ارتش از عمال آمریکا و شاه جای خود را به تصفیه نیروهای انقلابی و مبارز ارتش نظیر هما فران و بیرسل و درجه‌داران ارتش داده است. جمران و باندا و به چنین پاکسازی در ارتش مشغولند و اعظم طالقانی با آختیاراتی که در وزارت آموزش و پرورش بدست آورده جاسوسان خود را سنا مکتبدار به مدارس میفرستند تا با ایجاد یک محیط تفتیش عقاید فرون وسطائی آموزگاران و دبیران مترقی و دانش‌آموزان آگاه و مبارز را اخراج کنند. آنها حتی برخی از مدارس را منحل نموده‌اند تا در نتیجه نام محدد دانش‌آموزان آگاه و مبارز را ببرند.

آیت الله خمینی با فرمان عفو شب عید برای عملکردها صحه گذارد. تذکر این نکته لازم است که ما نمی‌گوئیم هرکسی که بنوعی در ساواک و نظامیان کاری داشته یا خانواده‌اش با بدبه دریا ریخته شود. شیوه انقلابی در برخورد با تقاله‌های رژیم گذشته این است که هرکدام برحسب مسئولیتهای کوچک یا بزرگی که داشته‌اند تنبیه شوند (در مورد برخی از آنها این تنبیه به سرحد اعدام یا زندان‌های طویل‌المدت بالا میرود). اما نباید آنان را گرفته شود، به کارهای دیوار بلندی گمارده شوند و برای آنان زمینه کار برسبت محدود فراهم آید.

اما در رژیم جمهوری اسلامی به آنان عفو عمومی خود بطور یک اندر سرمداده‌اند که در جلوی نخست وزیری نظامیان را سرا می‌اندازند. به این خبر از کیهان ۲۸ اسفند توجه کنید:

کارکنان ساواک منحله در مقابل نخست‌وزیری اجتماع کرده و خواستار عیدی و پاداش شدند

روز گذشته کارکنان ساواک منحله و تعدادی از خانواده‌های معدومین این سازمان در مقابل نخست وزیری اجتماع کرده و خواستار گرفتن عیدی و حقوق بودند.

در اجتماع دیروز خانواده کارکنان معدوم و کارمندان ساواک منحله فریاد میزدند «ما شاه، هنگامی با ساواکاعدام شده، فریاد می‌کشید و تامرا مینگفت.

آقائی پایین خانم معترض گفت:

خواهر بهترست بروی نوبت را به خانواده شهداء معرفی کنی!

مقامات نخست‌وزیری رسیدگی به کرایه گروه را به فروردین موکول کردند.

و حیات باز هم وجدان بر خواهیم آگرچه سواک در توضیح گفت: اینها جمعه‌بندی است که در هفته به ساخته شده همین ما و بزیم که است رادر کشور حفظ کردیم.

خانم دیگری که عضو بود شوهرش بیست دادگاه انقلاب به اتهام همکاری با ساواک اعدام شده، فریاد می‌کشید و تامرا می‌گفت.

آقائی پایین خانم معترض گفت:

خواهر بهترست بروی نوبت را به خانواده شهداء معرفی کنی!

می بینید که ساواکیها "حق"شان را می‌خواهند، عیدی و پاداش می طلبند و مغرورانه اظهار میدارند که امنیت را آنها در کشور حفظ کردند!

بنظر شما اگر جنایتکاران ساواک، ساست "ترحم بر پلنگ تیزدندان" را از رژیم جمهوری اسلامی ندیده بودند، اگر سیاست "سگ را بستن و سگ رها کردن" را از این رژیم ندیده بودند، اگر همچنان مشتهای گره کرده زحمتکشان و سلاحهای آماده شلیک توده‌های قهرمان روزهای قیام بهمن ما را بر سر و سینه خود می دیدند هرگز چنین جرأتی میکردند؟

بنظر شما اگر آنها نمی دیدند که بسیاری از اقدامات سرکوبگرانه شان امروز دارد علیه خلق‌های کرد و بلوچ و عرب و ... و نیز علیه کارگران و دهقانان و نیروهای انقلابی و کمونیست پیاده میشود، چنین جرأتی بخود میدادند که طلبکارانه پاداش بخواهند؟

زنگهای خطر علیه نیروهای انقلابی و کمونیست، علیه کارگران و زحمتکشان، علیه توده‌های مبارزی که سالیان در زیر ضد رژیم شاه مبارزه کردند و سختی و گرسنگی کشیدند بصدا درآمده است. آمریکا در دلش قند آب میشود و مرتجعین منطقه به عملکردها و چشم اندازهای این رژیم امید دارند. به خبر زیر از روزنامه السیاسه چاپ کویت مورخه ۱۹۸۰/۱/۳۱ توجه کنید:

"احمد زکی یمانی وزیر نفت عربستان سعودی (که در سرسپردگی به آمریکا معروف همگان است) نسبت به سیاست آمریکا در ایران چنین گفت:

"اگر آمریکا شیها از حفظ رژیم جمهوری اسلامی ایران قفلت کنند، جبهه ایران چنان درسی به آنان خواهد داد که آنرا هرگز فراموش نخواهند کرد. به رژیم ایران مهلت دهید که جنگ آینده‌اش با جبهه ایران است و امید میرود که بدون کمک ما رجی بتواند جبهه را سرکوب کند."

راستی زکی یمانی، این جاسوس آمریکا و دشمن خلقهای منطقه، جه منافع مشترکی با رژیم ایران دارد؟ و چرا هر دو انقلاب را جسب میترسند؟! با ادعای مبارزه با آمریکا را میتوان از سردمداران رژیم باور کرد؟ و آیا اینهمه حمله به نیروهای انقلابی و کمونیستها در جریان انتخابات و در آغاز سال نو در بیانهای آیت الله خمینی و دیگران را به چه چیز جز یک توطئه ضد انقلابی، جز خدمت به امپریالیسم جهانی و سرمایه‌داران وابسته که چپ دشمن درجه اول و آشتی ناپذیر آنهاست میتوان تعبیر کرد؟!

آری تنها یک راه باقی است: هشیاری هر چه بیشتر، آگاه کردن هرچه بیشتر توده‌ها و شکستن توهمات آنان، سازماندهی مبارزات کارگران و زحمتکشان، ادامه مبارزه و عدم سازش تا آخرین نفس! و مسلم است که پیروزی از آن کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی و کمونیست خواهد بود ■

مسائل انقلاب را تنها انقلابیون می‌توانند حل کنند، نه عافیت جویان

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

کارل مارکس پایه‌گذار سوسیالیسم علمی (۱)

"فلسفه‌ها تا کنون به اشکال گوناگون جهان را تفسیر کرده‌اند، اما مسئله بر سر تغییر آن است. این آموزش که مسئله و هدف تفکر انسان‌ها را تنها تفسیر جهان موجود می‌داند، از دیدگاه ما بی‌معنی است. ما می‌خواهیم جهان را تغییر دهیم. ما می‌خواهیم به تغییر انقلابی جهان موجود یاری رسانیم. ما می‌خواهیم به جنبش طبقه کارگر که برای آزادی خود مبارزه می‌کند، یاری رسانیم."

کارل مارکس پایه‌گذار سوسیالیسم علمی و سازمان‌دهنده انترناسیونال اول کارگران جهان در سحرگاه ۵ مه ۱۸۱۸ در یکی از شهرهای آلمان به نام "تریر" متولد شد. او در دانشگاه سن جروحاج جت شاگردان هگل شد و در زمانی که هنوز طرفدار هگل فیلسوف ایده‌آلیست آلمانی بود، تز دکترای خود را تحت عنوان "اختلاف بین فلسفه طبیعی دموکریت و فلسفه طبیعی اپیکور" نوشت.

در سال ۱۸۴۲ در حالیکه مارکس فعالیت انقلابی خود را به پیش می‌برد، مدیریت "روزنامه رن" کارگری رادیکال بود، به عهده او گذاشته شد. این نشریه تحت هدایت او سهم بسزایی در انتشار افکار انقلابی و مبارزه علیه طبقه ارتجاعی حاکم ایفا کرد تا اینکه بالاخره در سال ۱۸۴۳ توسط دولت آلمان توقیف گردید.

این دوران، دوران تحول مارکس بود. شرکت در مبارزه انقلابی علیه طبقه حاکم و در مباحث و مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک اجازه داد تا عقاید و بینش مارکس از ایده‌آلیسم هگلی به ماتریالیسم دیالکتیک، جهش یابد. در افکار مارکس پس از این زمان بود که او از یک دمکرات انقلابی به یک کمونیست تغییر پیدا کرد و در مسیر بارآوری فکری جدیدی قرار گرفت.

مارکس پس از توقیف "روزنامه رن" با همسر و همرزمش "ژنی" به پاریس رفت و در آنجا به انتشار "سالنامه آلمان - فرانسه" پرداخت. در این شهر بود که در ۲۸ اوت ۱۸۴۴ با فردریک انگلس آشنا شد و از آن پس مبارزه و فعالیت مشترک آنان شروع گردید. مارکس و انگلس به طور فعال در عملیات مخالف انقلابی پاریس شرکت می‌کردند و در آنجا با افکار "سوسیالیسم خرده‌بورژوائی" پرودون که جنبش کارگری را مورد یورش خود قرار داده بود، برخاستند و مبارزه می‌نمودند.

پیدایش مارکسیسم

در ۱۸۴۵ مارکس با همکاری انگلس کتاب "خانواده مقدس" را بر علیه "باشوئرها" که طرفداران هگل بودند نوشت. این کتاب که در واقع ادامه تکمیلی نوشته "درسازه مسائل یهود" است، اساس ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی را مشخص میکند و با رد نظرات ایده‌آلیستی طرفداران هگل، مطرح می‌نماید که شیوه تولید مادی زندگی اساس فرهنگ و تاریخ است. این رساله در این فکر تکیه دارد که اصل مالکیت خصوصی تاکید بر است و پرولتاریا برای اینکه خود خویش را به مثابه پرولتاریا ملغی سازد باید مقدمتاً جامعه مبتنی بر مالکیت خصوصی را نفی کند.

در ۱۸۴۶ - ۱۸۴۵ مارکس با همکاری انگلس اثر تاریخی "ایدئولوژی آلمانی" را به رشته تحریر درآوردند. با این اثر بنیان تئوری مارکسیسم ریخته شد. در این نقطه بود که نظریات ماتریالیستی مارکس و انگلس انسجام یافته و به یک نظام فکری مستقل تبدیل گردیدند. مارکس و انگلس در این نوشته "سوسیالیسم حقیقی" تاکردان چاچ جت هگلی که مبارزه طبقاتی را نفی میکردند به سختی مورد حمله قرار داده و نواقص ماتریالیسم فوئرباخ را انتقاد کنند. فوئرباخ ایده‌آلیسم مذهبی و بطور مشخص مسیحیت را مورد نقد خود قرار داده بود، ولی مارکس ماتریالیسم را به ماتریالیسم دیالکتیک ارتقاء داد و آنرا به عرصه مبارزه طبقاتی کشاند. او در مقابل فلسفه مستقل فوئرباخ مطرح ساخت که فلسفه ماتریالیستی نباید تنها به توضیح جهان بسنده کند، بلکه این فلسفه همچون سلاحی است که باید در خدمت تغییر انقلابی جهان قرار گیرد. او نتیجه گرفت که نیروی اجتماعی این تغییر طبقه کارگر است.

در سال ۱۸۴۵ مارکس به دعوت دولت آلمان و با دستور فردریک گیوم چهارم، مارکس به عنوان یک انقلابی خطرناک از پاریس تبعید و سپس به بروکسل در بلژیک رفت. در این شهر مارکس به رد و نقد کتاب "فلسفه فقر" پرودون پرداخت. پرودون با تکیه به "سوسیالیسم خرده‌بورژوائی" اش فقط شکل سرمایه‌داری بزرگ را انتقاد کرده و تولید کوچک را ایده‌آل تلقی می‌نمود. او بر این عقیده بود که میتوان با ضعیف کاران را از ورشکستگی نجات داده و کارگران را به تولیدکنندگان مستقل تبدیل نمود. او مخالف کمونیسم بود. مارکس با پاسخ نقدات او پس از پرودون در کتاب "فلسفه فقر" در پی آن برآمد تا با انتکا به عقاید انگلس، تضادهای اقتصادی جامعه سرمایه‌داری را بررسی نماید و نشانه فقر را توضیح دهد.

در مقابل این انحرافات آنکار و در نظرات پرودون، مارکس کتاب "فقر فلسفه" را نوشت و در آن نشان میدهد که با تشریح سرمایه‌داری پیدایش و رشد پرولتاریا را تا گریز بورژوازی و قوانین حاکم بر این نظام کرده‌اند و ماهیت طبقه کارگر را بهمراه دارد. ولی در عین حال کورکن تاریخی خود را نیز نوشته می‌آورد. مارکس در رد نظرات پرودون مطرح ساخت که سرمایه‌داری و پدیده‌هائی چون کالا، ارزش، پول و سرمایه متعلق به یک دوره معین از تاریخ بشری میباشد. در حالیکه پرودون در کتاب خود تنها بر سرمایه‌داری را غیرممکن جلوه میداد، و فرم و اصلاحات را در تغییرات اجتماعی قلمداد می‌نمود، مارکس در رساله خود اثبات نمود که سرمایه‌داری بمثابه یک شیوه تولیدی محکوم به نابودی است و شعار سوسیالیسم علمی در مبارزه علیه سرمایه به جز جنگ قوانین چیز دیگری نمی‌تواند باشد.

مارکس در انتقاد از جهان بینی ایده‌آلیستی پرودون، تئوری علمی خود را منسجم‌تر ساخته و به تشریح قوانین عینی تکامل تولید مادی و در این رابطه ارتباط دیالکتیک بین نیروهای مولده و مناسبات تولیدی می‌پردازد. او در ارزیابی از نقش نیروهای مولد مطرح میکند که پرولتاریا بخشی از نیروهای مولد نشانه آمده و با دقیقتر "بزرگترین نیروهای مولده، خود طبقه انقلابی است."

در این کتاب بر ارزش مارکس بر وحدت مبارزه اقتصادی - سیاسی را ارائه داده و چنین نتیجه‌گیری میکند که مبارزه سیاسی طبقه کارگر جهت سرنگونی حاکمیت سیاسی بورژوازی و امرهائی پرولتاریا اهمیت تعیین کننده دارد.

«مانیفست» صدای رسای کارگران جهان

در بروکسل مارکس به جامعه کمونیستی (۱۸۴۷ - ۱۸۵۲) انگلس [illegible] فعالیت میکرد [illegible] تشکیلات او و انگلس موظف به تدوین برنامه حرکت کمونیستی "مانیفست حزب کمونیست" کردند [illegible] پرولتاریای جهان [illegible]

همانطور که لنین میگوید:

"این کتاب کوچک با اندازه حجمش کتاب ارزش دارد؛ مجموعه تا امروز سراسر پرولتاریای متمدن را جان می‌بخشد و به حرکت در می‌آورد."

وظیفه تاریخی "مانیفست" چه بود؟ مارکس و انگلس خود میگویند:

"وظیفه مانیفست کمونیستی عبارت بود از اعلام نابودی آشتی و احتراز ناپذیر مالکیت کمونیستی بورژوازی"

(مقدمه مانیفست)

آموزش اساسی "مانیفست" مبتنی بر آن بود که در طول تاریخ، نظامهای اقتصادی - اجتماعی و رویهای سیاسی - حقوقی مطابق آنها یکی پس از دیگری تغییر یافته و دگرگون میشوند و مبارزه طبقاتی موتور محرکه تمام جوامع طبقاتی است. "مانیفست" می‌آموزد که تاریخ کلیه جوامع طبقاتی عبارت از تاریخ مبارزه استثمارشوندگان و ستمدیدگان با استثمارگران و ستمگران بوده است و در حال حاضر این مبارزه طبقاتی به نقطه‌ای رسیده که طبقه استثمارشونده یعنی پرولتاریا قادر نیست بدون رهائی کامل خویش از قید طبقه استثمارگر یعنی بورژوازی را بدست آورد، مگر از این طریق که برای همیشه تمام جامعه را از قید هرگونه استثمار و ستم طبقاتی، تضاد طبقاتی و مبارزه طبقاتی نجات بخشد. در این بیانیه مارکس چنین نتیجه می‌گیرد که طبقه کارگر باید به جنگ خود علیه بورژوازی ادامه داده، حزب مستقل خود را تشکل داده و سرانجام قدرت سیاسی را بدست گرفته و خود را بصورت طبقه حاکم درآورد.

"مانیفست" اعلام جنگ تاریخی پرولتاریا علیه بورژوازی است. "مانیفست" صدای رسای طبقه پیشگیری است که در راه استقرار جامعه نوین اعلام میکند:

"کمونیستها از پنهان کردن مقاصد و نظریات خویش عار دارند. آنها آشکارا اعلام می‌دارند که آنها تنها با رژیم واژگونی قهرآمیز همه نظامات اجتماعی گذشته، دستیابی به هدفهای شان میسر است. بگذار طبقات حاکم از اندیشه انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند. کارگران در این میان چیزی جز زنجیرهای خود را از دست نمی‌دهند. ولی جهانی را بدست خواهند آورد. کارگران سراسر جهان، متحد شوید!"

(مارکس و انگلس - مانیفست)

در بلژیک مارکس فعالیت سیاسی پرشوری را علیه میبرد و در هدایت جنبش و مطرح کردن کارگران بطور خستگی ناپذیر میکوشید. دولت بورژوازی بلژیک، تحت فشارهای دولت آلمان و پس از آغاز انقلاب ۱۸۴۸ فرانسه، ارتش با گیری جنبش مارکس را دستگیر و اخراج کرد. او به پاریس رفت و به مبارزه خود علیه بورژوازی ادامه داد. پس از انقلاب ۱۸۴۸ آلمان، دوباره به آلمان کوچ رفته و روزنامه جدیدش را منتشر میکند. بعد از آنکه انقلاب شکست محتوم در فوریه ۱۸۴۹ مارکس توسط پلیس آلمان دستگیر و محاکمه گشته و سپس از آنجا اخراج گردید. مارکس به پاریس رفت و بالاخره پس از چند روز ۱۸۴۹ مارس هم اخراج گردید و از پس از انقلاب خستگی ناپذیر مارکس در این اثر، درسی است تا ماهیت استثمارگرانه نظام اقتصادی سرمایه‌داری و بورژوازی را بر ملا ساخته و نشان دهد که بنده‌هائی تا نابودی سرمایه ادامه دارد، بلکه متعلق به شیوه تولیدی معینی است که گذرا و مشکل‌زا تا نابودی است.

(ادامه دارد)

تا بدین‌رو از هائی پرولتاریا برای همیشه به انگلستان برگشته شود.

مارکس در ۱۸۵۱ کتاب با ارزش خود "هجدهم برومر لوئی بناپارت" را نوشت. او در این کتاب سلسله انقلابات ۱۸۴۸ - ۱۸۵۱ اروپا را بررسی گزنده‌ای داد که چگونه احزاب و جناحهای مختلف بورژوازی یکی پس از دیگری به پرولتاریا و اعتبار کرده و چگونه کارگران را جلوی سرنیزه‌های زرهپوش خلاء میفرستند. مارکس نظر خاص که:

"دفعتاً انسان متحد طبیعی و بنوای خود را در پرولتاریای شهری می‌یابد که رشد انقلابی را تشکیل میدهد، نظام بورژوائی را تعهد دارد."

مارکس فن جمعبندی از تجربیات انقلابات اروپا، نظریات تئوریک خود را در باره دولت و دیکتاتوری پرولتاریا دقیقتر نموده و چنین نتیجه گرفت که طبقه کارگر نباید به تصرف ماشین دولتی، بورژوائی با دستگاه اداری - نظامی حاکم بسنده کند، بلکه باید این ابزار تسلط‌گری و سیادت را درهم شکند و نابود سازد.

«سرمایه» اثر دوران ساز

وقت آن رسیده بود تا مارکس به دنبال مطالعات و تحقیقات علمی و گسترده خود را وقف نگارش اثر بزرگ "سرمایه" (کاپیتال) نماید. مارکس در ابتدای امر نظریات اقتصادی خود را پایه‌ریزی نموده و تحت عنوان "نقد اقتصاد سیاسی" در سال ۱۸۵۹ منتشر نمود. از آن پس از هشت سال کار مداوم و پرحوصله، اولین جلد "سرمایه" را در سال ۱۸۶۷ انتشار دادند.

"سرمایه" در چه نقطه کاریکی نوشته‌اند؟

"سرمایه" تحول فکری مارکس انسانی و بنیاد و [illegible] بود. [illegible] تحول زمانی سرمایه‌داری بود، سرمایه تحول زمانی بود که دیدگاه‌ها و دورانی گوناگون خود را پشت سر گذاشته بود و زمانی که سرمایه‌داری بطور آشکار و [illegible] بحران‌های گوناگون [illegible] که دیدگاه طبقه کارگر و طبقه بورژوازی را [illegible] بود.

زمانی که "اقتصاد بورژوائی" به این فکر افتاده بود که دیدگاه نظریه برای سرمایه [illegible] و دیدگاه نظریه بورژوازی [illegible] باشد. در زنگ کلام "سرمایه" زمانی نوشته شده بود. مارکس:

"مبارزه طبقاتی [illegible] بطور آشکار [illegible] گرفت و با قوانین [illegible] اقتصاد طبقه بورژوائی [illegible]" (مقدمه "سرمایه")

نگارش "سرمایه" چه هدفی را تعقیب می‌نمود؟

مارکس بنیانگذار علم اقتصاد سیاسی بود، علمی که تولید مادی و مناسبات تولیدی حاکم بر جامعه و قوانین عینی ویژه هر شیوه تولیدی را در هر مقطع تاریخی مورد بررسی قرار میدهد. از چنین دیدگاهی بود که مارکس به تحلیل جامعه نوین از نظام سرمایه‌داری پرداخت. در این رابطه او در مقدمه "سرمایه" می‌نویسد:

"آنچه را که من قصد دارم در این اثر تحقیق کنم شیوه تولید سرمایه‌داری و مناسبات تولیدی و مبادله‌های مطابق با آنست."

مارکس اولین کسی است که برای اولین بار نظام تولید سرمایه‌داری را بطور همه جانبه مورد بررسی علمی قرار میدهد و فرمولبندی خود را ارائه میدهد و توضیح "ارزش اضافی" و [illegible] می‌نماید. مارکس در این اثر، درسی است تا ماهیت استثمارگرانه نظام اقتصادی سرمایه‌داری و بورژوازی را بر ملا ساخته و نشان دهد که بنده‌هائی تا نابودی سرمایه ادامه دارد، بلکه متعلق به شیوه تولیدی معینی است که گذرا و مشکل‌زا تا نابودی است.

(ادامه دارد)

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

اخبار مبارزات پرسنل انقلابی (شیراز)

● اعتراض دانشجویان وظیفه مرکززرهی شیراز به دستگیری ورندان گروهبان مبارزطلبی کولیوند

درارابطه با دستگیری ورندانی کردن گروهبان مبارزطلبی کولیوند از مرکززرهی اعلامیه‌ای از طرف "پرسنل مبارز مرکززرهی شیراز" درمرکزبیاده پخش شد و روز شنبه ۱۲/۱۸/ دانشجویان وظیفه هنگام صبحگاه با دادن شعارهائی این گونه اعمال را که با دادو ر عملکردهای ارتش شاهنشاهی است وبیشتر از جانب سپاه های ضدخلقی مانند "ضداطلاعات" و "ستاد تبلیغات اسلامی" هدایت میشود، محکوم کردند وحرکات و اعمال ضدانقلابی فرمانده مرکززرهی ومزدورانش را افشا نمودند. شعارهای آنها چنین بود:

گروهبان مبارززرهی، علی کولیوند، آزاد باید گردد! - زندان عادل آباد جای کولیوند نیست! - اخراج پرسنل مبارز محکوم است! فرمانده زرهی، همتی وابسته، اخراج باید گردد!

درضمن عده‌ای از دانشجویان وظیفه که با آگاه و با فالانژوالت دست هستند، کور - دلی ودنباله روی خودرا ازجریانات ارتجاعی با دادن شعار "هرضد انقلابی از ارتش اسلامی اخراج باید گردد" نشان دادند.

ما درزیرقسمتهائی از اعلامیه‌ای را که پرسنل مبارز مرکززرهی درارابطه با دستگیری علی کولیوند پخش نموده اند می آوریم:

"اکنون بیش از ۵ هفته از دستگیری و اسارت یکی از درجه داران مبارز تیپ زرهی گروهبان یکم علی کولیوند در زندان عادل - آباد میگذرد، کسانیکه از دستگیری وی اطلاع دارند میدانند وکه قبلا بوسیله باصطلاح نماینده‌شان گروهبان اصغرها شمزاده مزدور جاسوس فرماندهان (نماینده تحمیلی گروهبان سوارزرهی) شناسایی شده بود بهنگام پخش اعلامیه ما در ۵ ظرف عده‌ای از پرسنل مبارز پادگانهای شیراز اعم از زاغه زیدوشاغل جهت پشتیبانی از درجه داران انقلابی متحصن درمسجد دانشگاه تهران، بدستور سرهنگ آمریکائی همتی، مزدور (معاون اسبق فرمانده سابق دانشکده زرهی ومجری طرحهای آموزشی امپریالیستی آمریکا یکمک مستشاران در دانشکده زرهی) فرمانده پادگان وهمکار شیادش جوجه فرمانده تازه بقدرت رسیده

ستوان کامران دستجردی همه کاره پادگان و خصوصا "کمیته تبلیغات اسلامی" (بخوان ضد اطلاعات سابق)، دستگیر وتحویل پاسداران می - گردد وآنها نیز او را به زندان عادل آباد منتقل می نمایند. علت دستگیری این درجه دار آگاه برهمگان روشن ومعلوم است.

.....

پرسنل مبارز، رزمندگان انقلابی!

آنها میگویند تا اکنون که آمادگی پیدا نموده اند حمله سبعانه دیگری را بر علیه خلق - ها بیان آغاز نمایند. آنها میگویند تا با وسعت بخشند. هرچه بیشتر به تصفیه عناصر آگاه و به بند کشیدن آنها زمینه را در ارتش به اندازه کافی برای این حمله و سرکوب آماده نمایند و اینک ما یک مورد دیگر از آن را در پیش روی خودمی بینیم. تاکید میکنیم عدم وجود شوراهای واقعی که میتوانند مانعی قوی در سراه خودسری فرماندهان و نوکران حلقه بگوش امپریالیسم آمریکا ایجاد نمایند دست آنها را باز نموده و دامنه عملشان را وسعت می بخشد، بنابراین بکوشیم تا با تلاش برای برپایی شوراهای واقعی خود و افشا وطرد عناصر جاسوس ومزدور بر آزادی همرزمان مبارز خود و از جمله علی کولیوند نیز پای بفشاریم زیرا مبارزه در راه آزادی کولیوندها که درجهت منافع امپریالیسم بوسیله نوکران داخلیش بند کشیده شده اند جدا از مبارزه با امپریالیسم نخواهد بود. پس بهر طریقی که میتوانیم (کم کاری، اعتصاب غذا، تحصن و راهپیمائی) وبا طرح شعارهای "گروهبان مبارز علی کولیوند آزاد باید بگردد" و "شوراهای واقعی دربگانهای ارتش ایجاد باید گردد" در راه آزادی او و ایجاد شوراهای واقعی قدم برداشته ومشت محکمی بر دهان امپریالیسم وارتجاع حامی آن بکوبیم.

درود بر پرسنل مبارز وآگاه

مرگ بر فرماندهان مزدور ارتش

مرگ بر امپریالیسم وحامیان داخلیش

"عده‌ای از پرسنل مبارز مرکززرهی شیراز"

۵۸/۱۲/۱۵

****

● مبارزه دانشجویان وظیفه برای تعطیل پنجشنبه ها

اوایل اسفندماه دانشجویان وظیفه مرکززرهی با انتخاب چندنماینده وفرستادن آنها پیش فرمانده پادگان خواستار تعطیل شدن پنجشنبه ها شدند. جناب همتی درمقابل خواست بحق دانشجویان مقاومت کرده و اظهار داشت که:

"اگرمیخواهید حرف غیرقانونی بزنید جایتان اینجا نیست یا شما اینجا باشید و دستور بدهید یا من" که با اعتراض نمایندگان دانشجویان روبرو شد ولی همتی باز تکرارکرد که با تعطیلی پنجشنبه ها بهیچ عنوان موافق نیست. توضیح اینکه روزهای پنجشنبه فقط ۱/۵ ساعت کلاس وبقیه اوقات بیکار هستند لذا خواسته دانشجویان این بود که آنهائی که شهرشان نزدیک است وبازن وفرزند دارند بتوانند با استفاده از تعطیلی پنجشنبه ها به کارهایشان برسند.

روز ۵۸/۱۲/۲ پنجشنبه دانشجویان در سرصبحگاه وکلاس حاضرنشدند ولی موقع بیرون رفتن از پادگان انتظامات جلوشان را گرفته واظهار داشتند که هرکس میخواهد بیرون برود باید امضاش را بدهد کنیم ولی با اعتراض یکپارچه دسته جمعی دانشجویان مواجه شده وناچار شدند که عقب نشینی کنند.

هفته بعد یک نامه "خیلی محرمانه" از ستاد معاونت آموزشی رسید که هر دانشجوئی پنجشنبه ۵۸/۱۲/۹ درصبحگاه وکلاس حاضرنشود سرباز عادی محسوب میشود. با نصب این نامه خیلی محرمانه بدیوارها حرکتهای اعتراضی دانشجویان شدت گرفت.

روز چهارشنبه ۵۸/۱۲/۸ دانشجویان وظیفه با شعار پنجشنبه ها تعطیل است درصبحگاه حاضرشدند وهمانروز طی اعلامیه‌ای اظهار داشتند که از این به بعد پنجشنبه ها سرخدمت حاضرنخواهند شد و از کلیه پرسنل جهت برآوردن این منظور خواستار همکاری شدند. درگوشه‌ای از اعلامیه آمده بود: "فرماندهان ارتش برای جلوگیری از پیوند درجه داران و سربازان و افسران جزء با توده‌های مردم سعی درنگاه داشتن آنها در چهار دیواری پادگانها دارند آنها میگویند از بالا رفتن آگاهی پرسنل ارتش جلوگیری کنند زیرا آگاهی پرسنل مساوی مرگ فرماندهان مزدور وابسته است" (نقل بمعنی)

روز پنجشنبه ۵۸/۱۲/۹ اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان سرکلاس وصبحگاه حاضر نشده وپنجشنبه را تعطیل نمودند وتنها عده معدودی قریب خورده وناآگاه سرصبحگاه و کلاس حاضرشدند.

(بنقل از ضمیمه محلی بیکار شماره ۱۲ - کمیته خورسنان)

● دانشجویان وظیفه مراسم سان امرای ارتش شاهنشاهی قدیم و جمهوری اسلامی جدید را به تظاهرات باشکوه تبدیل نمودند.

روز شنبه ۵۸/۱۲/۱۱ طبق اطلاع قبلی که حاکی از آمدن هشتی از امرای ارتش از نیروهای زمینی وهوائی بود (البته این هیئت دربیشتر شهرستانها درمصیبه پرسنل انقلابی ومبارز ارتش نقش فعال داشته است) مراسم خاصی درمرکز بیاده شیراز ترتیب یافت وفرماندهان مزدور ارتش شاهنشاهی که بعد از قیام پرشکوه خلقهای قهرمان ایران در جهت سیستم ضدخلقی ارتش کوشیده اند، جهت بررسی اوضاع این مرکز در آنجا حاضر شدند.

دربرنامه ویژه‌ای که درصبحگاه ترتیب یافته بود وکلیه پرسنل پادگان در آن شرکت داشتند، نخست سرتیپ امین داری معاون فلاحی (فرمانده سابق گردان مهندسی اهواز درزمیم شاهنشاهی) که اخیرا مسلمان دو آتشه نیز شده است طی صحبت کوتاهی مبنی اخواهان برقراری نظم وانضباط در ارتش شد، البته نظم وانضباطی که مورد نظر این مزدوران و جلادان خلق ما میباشد چیزی جز نظم شاهنشاهی سابق نیست که در سایه آن کشتارهای ۱۷ شهریور و ۸ بهمن ماه ها وغیره را تکرار کنند.

بعد از اتمام مراسم ویژه وسخنرانی سرتیپ امین داری نوبت به رژه رفتن از جلوی عاملین کشتار خلقها بیان واداء احترام پرسنل تحت ستم پادگان به این مزدوران آمریکائی بپاس خوش خدمتیهای چندین ساله آنان برای شاه خائن وامپریالیسم آمریکا رسید!

دانشجویان وظیفه مبارز وانقلابی که سالیان سال علیه همین نظام وهمین فرماندهان مبارزه کرده ودوشادوش توده ها در کوچه وخیابان خونهای سرخشان را نثار انقلاب نموده بودند وقتی درمقابل این صحنه قرار گرفته ومیدیدند که چگونه آنان را به اداء احترام به دشمنان خلق خود وامی دارند، با خشم ونفرت از این مزدوران سیاه آمریکا مراسم "سان" را به تظاهرات پرشکوهی تبدیل نمودند. آنان درحالیکه بطور کاملا عادی از طرف فرماندهان رد میشدند شعار می دادند:

فرماندهان مزدور، عوامل جنگ افروز

درکردستان وگنبد، افشا باید گردند.

عاملین این کشتار، اعدام باید گردند.

شوراهای واقعی درنیروی زمینی ایجاد باید گردد.

فرماندهان مزدور از نیروی زمینی اخراج باید گردد.

آری، درحالیکه فرماندهان از وحشت انتقام شوده‌ها چشمهایشان از حدقه درآمده بود درمقابل این همه شور انقلابی فروردین خلقهایمان قادر به کوچکترین عکس العملی نبودند، آنان خیره به دانشجویان می - نگریستند وبوضوح درمقابل جشمهای وحشتزده خودجوبه‌های داری که خلقهای قهرمان میهن مان درآینده‌ای نه چندان دور برایشان برپا خواهند نمود تصویر میکردند. در این میدان بزرگ که نمایشی از دادگاه خلق بود سربازان درجه داران، وافسران جزء انقلابی درحالیکه درنگاهشان رضایتمندی خاصی پیدا بود شانه بشانه دادند وچندتائی نیز با مشتهای گره کرده اتحاد وهمبستگی خود را با دانشجویان اعلام میداشتند. دانشجویان در ادامه تظاهرات خودشعار میدادند:

درود بر پرسنل مبارز

فرماندهان بدون آگاهی سیاسی، نیروی بی اراده برای سرکوب خلق.

فلاحی، فلاحی، قاتل خلق ما ئی.

مرگ برفلاحی، مزدور آمریکائی.

مرگ برفلاحی، مرگ برجمران

جمران آمریکائی، جلادتل زعتر، جلادخلق ما ئید

علوی، علوی فرمانده دریائی جاسوس آمریکائی

علوی، مدنی، جاسوس آمریکائی.

تمام بندهٔ پرسنل مبارز آزاد باید گردد.

دانشجویان پس از دورزدن میدان صبحگاه به طرف میدان ورزش رفته ودر آنجا به تظاهرات خودپایان دادند ودر این میان گروهی از دانشجویان قشری وناآگاه وبعضا آلت دست که بعد از انقلاب مشخصا درجهت منافع ضدخلق گام برمیدارند، باشعارهائی چون: هرضد انقلابی، از ارتش اسلامی اخراج باید گردد چپ های آمریکائی اعدام باید گردد، سعی در ایجاد دودستگی وبرخورد داشتند که با متانت انقلابی بقیه دانشجویان خنثی شد.

بعد از پایان تظاهرات فرماندهان در حالی که دیوانه وار به اطراف گرفته بود از میدان صبحگاه که سکوت آنرا فرا گرفته بود بطرف ستاد فرماندهی رهسپار شدند به امید اینکه بتوانند توطئه‌های جدیدی را علیه پرسنل انقلابی ارتش تدارک ببینند ولی غافل از آنند که جنبش روبه اعتلای خلقهای ما بیش از این امانشان نخواهد داد وآنها را به زباله دانی تاریخ خواهد سپرد.

روز بعد که این هیئت به مرکززرهی میرود فرماندهان مرکززرهی با داشتن زمینه قبلی از حرکت انقلابی دانشجویان وظیفه در مرکز پیاده از وحشت تکرار آن حرکت انقلابی به وسیله دانشجویان مرکززرهی، در مراسمان و رژه آنان را به بهانه بررسی برخی مسائل مبتلابه دانشجویان به آمفی تئاتر میبرند و پس از اجرای مراسم بدون بررسی هیچ مسئله ای برمی گردند. دانشجویان که قبلا از این عمل فریبکارانه اطلاعی نداشتند پس از آگاهی یافتن از آن، ماهیت آنرا برای برخی سربازان وپرسنل کارافشا می نمایند و چهره کریه فرماندهان مزدور را برای آنان آشکار میسازند ■

بقیه از صفحه ۳

کارگران ...

به چاپخانه می آید ومی خواهد برای کارگران صحبت کند. ساعت ۲/۵ سرو کله کرمارودی با عده‌ای پاسدار، که از او پاسداری میکردند، پیدا می شود. اجنب وحوش عجیبی چاپخانه را فرا می گیرد. حضور پاسدارها، کارگران را بشدت خشمگین می کند وکارگران خود را آماده درگیری می کنند. همه بفکر تهیه چوب واشیائی که بتوانند از خود دفاع کنند می - افتند ودر این میان چند کارگر مسلمان رزمنده بقول خودشان غسل شهادت می کنند. کارگران نظرات حالبی می دهند. از حمله اینکه تا موقعی که پاسدارها از کارخانه بیرون نروند ما حاضر نیستیم که به حرفهای کرمارودی گوش دهیم. تا ساعت ۴ خبری نمی شود ولی وقتی که ساعت کار تمام میشود وهمه میخواهند بروند، مدیرعامل پیغام می فرستد که همه در سالن تنها رخوری جمع شوند. کارگران از این کار امتناع می ورزند ویکی از نمایندگانشان را نزد کرمارودی فرستاده وخواستشان را که خروج پاسدارها است اعلام می کنند. کرمارودی درمقابل اتحاد ویکپارچگی کارگران چاره‌ای نمی بیند ومجبور می شود خواست آنها را قبول کند. جلسه حدود ۳/۵ ساعت طول می کشد. وکارگران موفق می شوند در حضور هیئت مدیرعامل یعنی مشاور رئیس جمهور وعامل رژیم سرمایه داری را رسماً محکوم نمایند وبه غیر از دو نماینده خود، ۵ کارگر اخراجی چاپخانه مرکزی را نیز بسر کار برگردانند.

● ● ●

خلع سلاح خلق و نیروهای انقلابی خواست امپریالیسم و حامیان داخلی اوست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۲

سام ...

کم رمس ،رحمکشان شهر ،دهقانان ،کارمندان ،پرسنل انقلابی ارتش و ... این بارها بتی را در مبارزاتی که در این یکساله داشته اند نشان داده اند .این مبارزات توده ای که بسیاری اوقات بوسیله رژیم سرکوب هم میشده است ،یکی از عوامل اصلی جلوگیری از تثبیت نیروهای ارتجاعی ،سیاسی ،نظامی و ... رژیم بوده است و پایه های حکومت را بموسیله در حالتی لرزان و بی ثبات نگاه داشته است .این یک جانب قضیه است .

رشد نیروهای انقلابی در سال گذشته

جانب دیگر قضیه رشد کمونیستها و نیروهای انقلابی است .در این یکساله حرکات و اعمال ضد انقلابی هیئت حاکمه حقانیت گفتار و کردار کمونیستها و نیروهای انقلابی ضد امپریالیست را بمیزان زیادی در نزد توده های آگاه مردم باثبات رسانده است . بهمین لحاظ ،هرچه توده های آگاه کارگران و زحمتکشان و اقشار متوسط جامعه اعتمادشان از رژیم جمهوری اسلامی سلب شده است ،نسبت به کمونیستها و نیروهای انقلابی اعتماد بیشتری پیدا کرده اند .در اینجا اگر به این موضوع توجه کنیم که هیئت حاکمه چقدر از طریق رادیو و تلویزیون ،مطبوعات و سخنرانیهای مساجد ،راهپیمائی ها ،نماز جمعه ها و ... بر علیه انقلابیون (و بخصوص کمونیست ها) سمپاشی کرده است و سعی نموده که توده ها را از آنها جدا کند و با هزاران دروغ و نیرنگ و تهمت و افترا از اعتماد مردم نسبت به آنها جلوگیری نماید ،در چنین حالتی همین مقدار پایگاهی هم که این انقلابیون در میان مردم پیدا نموده اند معلوم میکند که چه مقدار زمینه رشد آگاهی در میان توده های خلق ما وجود دارد که در این یکساله علیرغم تمام تلاشهای رژیم ،جبهه انقلاب تقویت شده و برعکس جبهه ضد انقلاب روز بروز ضعیف و ضعیفتر شده است .

نیروهای انقلابی و کمونیست ،اکنون جریانهای سیاسی محدودی نیستند که در پوسته جدا از توده خود آرمیده باشند .این نیروها اکنون پیوندا ستواری با بخشهای وسیعی از توده های آگاه مردم ،برقرار کرده اند و به یک جریان توده ای تبدیل شده اند . مناطقی چون کردستان و گنبد و همچنین آراء انتخاباتی کاندیداهای نیروهای انقلابی شاهد چنین ادعائی است .سرعت رشد این نیروها نیز حیرت آور است .بطوریکه به یقین میتوان گفت موازنه قوا میان نیروهای انقلاب و ضد انقلاب ،روزانه ،تغییر می یابد .هر حادثه ای در عرصه سیاسی کشور ،بر افزایش شتاب حرکت رود خانه عظیم و سیال توده ای تاثیرات معینی دارد و به تقویت جبهه انقلاب و تضعیف جبهه ضد انقلاب یاری میرساند .

حرکت شتابان رشد نیروهای انقلابی و نوپای انقلابیون کمونیست و گسترش نفوذ و اعتبار آنها در میان توده های میلیونی ، متخصما مبارزه طبقاتی جاری در کشور را عمق و وسعت می بخشد ،و این دو تواما با ایجاد تلاطمات و تکانهای پی در پی در کشور ،جامعه را از حالت ثبات و انتظام ،به سود رژیم خارج میسازد و لاجرم وضعیت عدم ثبات و بی نظمی در حکومت را ،تداوم می بخشد .

رشد اختلافات درونی هیئت حاکمه

و اما مسئله سوم ، تضادها و اختلافاتی است که در میان جناحهای مختلف هیئت حاکمه سر برگیری کرده اند ،و به اندازه ،سرکوب انقلابیون و دستگاه بهره کشی جامعه ،سرکوب انقلابیون و کمونیستها و ... وجود دارد .اختلافاتی که به اعتبار گوناگونی ماهیت طبقاتی و سیاسی جناحهای گوناگون حکومت و حد اعتبار و میزان انقلابی گری شان در برابر توده های مردم ،نمی تواند از میان رود که بالعکس تحت تاثیر دو عامل قوی رو به کمتری و فزونی میرود .هرچه مبارزه مردم بیشتر شدت می گیرد ،هرچه کارگران و زحمتکشان بیشتر به منافع خودشان میرسند و در راه آن مبارزه میکنند ،تضادها و اختلاف در هیئت حاکمه را تشدید تر نموده و تکاپو بین آنها را عمیق تر میکند . و هرچه این تکاپوها و تضادها بیشتر شود ،امکان استقرار ثبات و نظم و سرفرازی امنیت مورد نظر رژیم از سوی آنها دشوار و تر و نا ممکن تر

آنها را بدنبال ،بسیاری از سرمایه داران تقویت نمودن خود ،که بسیاری از توده های روزی از رژیم سرمایه داری ایران بود . کاهش درجه استقرار این نظم و امنیت مطلوب حکومت به بیش برداشت .بیشتر دیده میشد که تضاد موجود الحال و آینده بورژوازیان و زمینداران و تجار بزرگی چون آیت الله قمی و آیت الله مرعشی با ارسال پیامهائی از این "فرمان" اظهار "قدردانی" کردند .پس صدور کنون در پناه برنامه بورژوازی سنتی شده از سوی آیت الله خمینی امکان می یابد ساست چماق و نان شیرینی خود را بدون دغدغه به پیش ببرد .

چه کسی بهتر از آیت الله خمینی و با

● ثم طبقاتی پیام دهندگان ، بخوبی آنان را براین نکته اساسی واقف کرده است که حفظ "امنیت کشور" و به زبان ما حفظ امنیت و موجودیت حکومت ، فقط و در درجه اول با تکیه بر قوای نظامی و انتظامی میسر است و درست بهمین دلیل است که در تمام پیامها و بخصوص پیام آیت الله خمینی ، موضوع ارتش و قوای انتظامی در محور مسائل قرار دارد .

● به یقین میتوان گفت موازنه قوا میان نیروهای انقلاب و ضد انقلاب روزانه تغییر میابد . هر حادثه ای در عرصه سیاسی کشور ،بر افزایش شتاب حرکت رود خانه عظیم و سیال توده ای تاثیرات معینی دارد و به تقویت جبهه انقلاب و تضعیف جبهه ضد انقلاب یاری میرساند .

● هیئت حاکمه در صحنه سیاسی کشور ،با سه مسئله مهم و اساسی که به یکدیگر مربوطند ، مواجه است . یکم رشد مبارزات توده ای و موج نارضایتی مردم . دوم رشد نیروهای انقلابی و کمونیست . سوم تضادها و اختلافات درونی هیئت حاکمه .

می گردد و همچنین امکان در پیش گرفتن یک خط مشی واحد و مشترک در مقابله جوئی با مسائل پیش روی حکومت را مشکلتر میسازد .

سه مشکل اساسی

بنابراین هیئت حاکمه در صحنه سیاسی با سه مسئله مهم و اساسی که با یکدیگر نیز مرتبطند ،مواجه است ،یکم رشد مبارزات توده ای و موج نارضایتی مردم ،دوم رشد نیروهای انقلابی و کمونیست ،سوم ،تضادها و اختلافات درونی هیئت حاکمه ،هریک از عوامل فوق به اندازه معینی در ایجاد بی ثباتی و ناامنی و هرج و مرج در کشور ،موثر است و پایه های حکومت را لرزان میسازد .

بهمین دلیل است که رژیم در سال جاری اصلی ترین وظیفه برنامه خود را استقرار ثبات و امنیت در کشور قرار می دهد .و می گوید تا با تکیه بر سیاست چماق و نان شیرینی امنیت و ثبات را برقرار سازد و پایه های رژیم جمهوری اسلامی را استحکام بخشد .

چه کسانی از پیام راضی اند

برنامه ای را که آیت الله خمینی در پیام نوروزی اش ارائه داد ، غایت مطلوب بورژوازی (سرمایه داران) است که تا در سایه آن نظم و ثبات سرمایه داری وابسته را در کشور برقرار سازند و دستگاه بهره کشی آن را بکار

مثلا آیت الله منتظری (که پیامش شباهت بسیاری به پیام آیت الله خمینی داشت) با پیامهایشان ، می توانستند جاده صاف کن اجرای سیاست جدیدی باشند که در سال نو ، هیئت حاکمه و در راس آن بنی صدر ، برای بازسازی نظام بهره کشی ، در پیش گرفته اند؟ چه کسانی بهتر از آیت الله خمینی و امثالهم می توانستند با بند و حرفهائی بزنند و طرح هائی بدهند ،که مهمترین بخشهای آن و روح نهفته در آن ،همان چیزهائی است که بنی صدر و شرکاء طلب می کنند ؟

اکنون تمام عناصر وابسته به رژیم سرمایه داری، برای پیام آیت الله خمینی هورا می کشند و کف می زنند و تکبیر حمایت می گویند .روزی نیست که بنی صدر با اشاره به پیام نوروزی آیت الله خمینی، "قاطعیت" خود را به رخ نکشد ،به طلبها و توده های آگاه و مبارز و نیروهای انقلابی و انقلابیون کمونیست هشدار ندهد و نداهای شوم تفرقه افکنانه خود را ساز نکشد .

بهرصورت ، سیاستهای تعیین شده از سوی سردمداران رژیم و پیام آیت الله خمینی در آغاز سال جاری، در یک کلام هدف استقرار حاکمیت دولت در سراسر کشور را دنبال میکند . که این خود نیازمند استقرار "امنیت" و "ثبات" در سراسر کشور است .

ادامه دارد ...

میتینگ با شکوه کارگران ۳۴ کارخانه

در تاریخ ۵۸/۱۲/۲۰ ورزشگاه تختی رشت میزبان دهها هزار کارگر مبارزی بود که از ۳۴ کارخانه گیلان گرد آمده بودند .در این اجتماع نمایندگان منتخب کارگران سخنرانی کردند و سرانجام با صدور قطعنامه ۹ ماده ای به کارخودیان دادند .مابلحاظ زیاد بودن اخبار کارگری این شماره و محدود بودن صفحات پیکار گزارش این میتینگ با شکوه را در ضمیمه پیکار ۴۸ درج نموده ایم .■

توضیح :

در ضمیمه (۱) پیکار شماره ۴۷ صفحه ۳ ستون اول سطر ۴۴ کلمه "جمهوری نیست" اشتباها "جمهوریست" چاپ شده که بدینوسیله تصحیح میشود

ضمنا صفحه ۳ سه سطر ۲۳ و ۲۲ و ۲۵ از ستون اول اضافی است .

★★★

هموطنان مبارز! رفقای گرامی

سازمان ما همواره با پشتیبانی و حمایت همه جانبه شما توانسته است اهداف انقلابی خود را پیش برد.

کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانید به دست ما برسانید

● ● ●

روستائیان میرمحله شاندرمن برای مصادره زمینهای زمینداران مبارزه میکنند

روستای میرمحله شاندرمن از توابع دومه سرا در استان گیلان روستائی است با ۷۰ خانوار جمعیت که اهالی آن در وضعیت بد اقتصادی بسر می برند .تعدادی از روستائیان این روستا که برای دوزمیندار بزرگ بنامهای میررفعت قوامی و حاج کاسمیر بصورت نعله کاری کار می کردند در تابستان ۵۸ بکمک تعدادی از روشنفکران مبارز و اهالی روستا تصمیم می گیرند که با یکدیگر متحد شده و محصول برداشت شده را به مالکین ندهند .در ادامه این مبارزه روستائیان خواستار تقسیم زمین بین روستائیان بی زمین که در روی زمین ها کار می کردند شدند و چندین بار با سپاه پاسداران و نماینده رضا اصفهانی تماس گرفتند ولی تنها وعده و وعید شنیدند تا اینکه در اثر فشار روستائیان سپاه پاسداران و خسروی نماینده رضا اصفهانی روز چهارشنبه ۵۸/۱۲/۸ به روستای میرمحله آمده یک شورای ۵ نفری (دو نفر از طرف مالکین) تشکیل داده و مقداری از زمینهای میررفعت را به روستائیان می دهند .میرفعت از برخورد دوستانه سپاه پاسداران و نماینده رضا اصفهانی استفاده کرده و می خواست با چوب و چماق و اسلحه همین حداقل زمینی که خسروی و سپاه پاسداران اجبارا در اختیار دهقانان قرار داده بود ،پس بگیرد .با این منظور روز پنجشنبه ۵۸/۱۲/۹ تعدادی عناصر مزدور او با اش را که مسلح به یک قبضه بوزی و ۴ قبضه کلت بودند به روستا آورده و روستائیان مبارز را مورد تهدید قرار می دهند .یکی از اهالی برای آوردن کمک به شاندرمن رفته و جوانان شاندرمن را برای کمک می آورد و بدین طریق مهاجمین را فراری می دهند .در این میان ماموریت پاسگاه ژاندارمری ماسال با مالکین منطقه همراهی کرده و جوانان مبارز را مورد ضرب و شتم قرار می دادند .روز یکشنبه ۵۸/۱۲/۱۲ جوانان مبارز شاندرمن یکی از ماموریت ژاندارمری را به گروگان می گیرند و لی بوساطت عده ای از معتمدین وی را آزاد می کنند .پس از این جریان جوانان شاندرمن که عده زیادی از اهالی شاندرمن خصوصا کشاورزان روستای میرمحله آنها را همراهی می کردند ، بمدت چند ساعت راه ماسال - شاندرمن را بند می آورند .آنان به توطئه اربابان منطقه و همدستی پاسگاه ژاندارمری با آنها اعتراض کرده و علیه زمینداران بزرگ و سرمایه داران شعار می دهند .

ضمنا جالب اینجاست که گرچه میررفعت قوامی را بجرم همکاری با ساواک و حمله به روستائیان دستگیر کردند ولی نمی خواستند عناصر سرکوبگر و مزدور گوشه زندان بمانند ، وی را به قید ضمانت آزاد کردند !■

محافظ صباغیان کیست؟

براساس اخبار موثق، محافظ سفیر سابق اسرائیل در ایران بنام علی رستکار ،پس از تعطیل شدن سفارت اسرائیل ، محافظ هاشم صباغیان شده است .علیرغم آنکه هشدارهائی در این رابطه به صباغیان داده شده او آگاهانه شخص مزبور را نزد خود نگاه داشته و از دستگیری او نیز ممانعت بعمل آورده است.■

آنها که زمان شاه مخالف مسلح شدن خلق بودند ،امروز خواستار خلع سلاح آنند!

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

هنر مقاومت هنر پرولتری

لنینیسم در هنر - ۲

ادبیات حزبی، ابزاری در جهت تغییر جهان

اگر که مارکسیسم بمثابه اسلحه پرولتاریا در ساخت علمی جهان جهت دگرگونی انقلابی است، این ادبیات و هنر هم به عنوان شکلی ویژه از ایدئولوژی باید در خدمت این تغییر انقلابی قرار گیرد. ادبیات حزبی، لنینیسم در هنر، بمعنی ارتقاء هنر بمراحل عالی مرکب در این سبک عظیم و شرافتمندانه است. لنینیسم در هنر، میخواهد هنر تحت هدایت ایدئولوژیک حزب پرولتاریا، حزب کمونیست این عالیترین اسلحه طبقه کارگر در دگرگونی انقلابی جهان، این گرمترین آغوش، برای پرورش ایدئولوژیک و این دژ مستحکم نبرد انقلابی طبقه کارگر در آید و ابزاری در خدمت پیشبرد امر مشترک پرولتاریا باشد. از اینجا است که مارکسیستهای درکفتاری که میخواهند هنر را از "مخاطره" حزبی شدن برهانند و ساحت "مقدس" آن را از آلودگی به مارکسیسم، با کیزه نگاه دارند، به یک تناقض منطقی و عملی گرفتار می آیند. باید از این هنرمندان "مارکسیست" پرسید آیا شما که خود را مارکسیست میدانید، در پی آن هستید که در تغییرات انقلابی نقشی سهمیه کنید؟! البته آنان پاسخ خواهند داد: آری، ما حاضریم به عنوان یک مارکسیست به سازماندهی پرولتاریا بپردازیم و در مبارزه طبقاتی شرکت جوئیم و از انضباط حزبی پیروی کنیم، لیکن بعنوان هنرمند، ما را واگذارید که تخمانه آفرینش هنری مشغول توئیم و هیچ دخالتی در این زمینه روا ندارید؟ آیا از سر تا پای این تنها پاسخ مخالفین ادبیات حزبی، ابتذال نمی چکد؟ مگر نه آنکه هنر در جامعه طبقاتی، بعنوان بخشی از ایدئولوژی (۱) این یا آن طبقه نمی تواند خود را از توفان مبارزه طبقاتی دور نگاه دارد؟ مگر نه آنکه عالیترین دستاورد مبارزه پرولتاریا عالیترین سلاح او حزب اوست؟ مگر نه آنکه حزب زبده ترین نمایندگان پرولتاریا را در خود متشکل می نماید؟ پس چگونه هنر مارکسیستی، میتواند از دستور هدایت خلاقانه حزب کمونیست دور بماند، حزبی که بدون آن هیچ تغییر انقلابی ممکن نیست، پس چگونه هنر مارکسیستی میتواند کنترل و نظارت حزب را، نه در جهت تکامل هنر، بلکه بصورت مانعی در راه خلاقیت هنری استنباط نماید.

ادبیات حزبی، لنینیسم در هنر، تنها راه تبدیل هنر از مفسر آزادی جهان، به وسیله ای در جهت تغییر انقلابی جهان است و از این رو هیچ مارکسیستی - خواه هنرمند باشد - نمیتواند از آن روی برتابد. ادبیات حزبی، هنر را از قید بردگی اوهام بورژوازی میرهاند و اجازه نمی دهد که عوامل گوناگونی که میتوانند یک روشنفکر، یک هنرمند مارکسیست، را مقهور ایده های بورژوازی سازد، به هر آسیب رساند و سبب رخنه و نفوذ در وجنه منفعل در درون توده ها و عرضه تصویری کج و مموج و تحریف آمیز از پوشیده ترین و پیچیده ترین حقایق درونی جامعه گردد. تنها هنرمندانی که از پراکندن چنین ایده هائی واهمه ندارند، و قابلیت خود را و ایده های خویش را، برتر از هر چیزی می دانند خواهان ادبیات غیرحزبی هستند.

آری تنها حزبی شدن ادبیات قادر است که بدون انحراف و تزلزل آن شوروا شتیاق عمیق انقلابی را در میلیونها نفر از توده زحمتکشان زنده نگاه دارد و به آنان کمک کند که خشم و کین خود را، احساسات ژرف و انقلابی و آشتی ناپذیر خود را نسبت به هر جنبه از جامعه طبقاتی و پنهان ترین پدیده های آن، شعله ور نگاه دارند. و در راه دگرگونی جامعه بکوشند. حزبی شدن ادبیات بدی در برابر تزلزلات روشنفکرانی است که همواره در خطر انفعال قرار دارند. این ادبیات همواره به آن راه میرود تا بطور کیفی و از درون بوسیدگی، رذالت و فرتوتی جبهه ضد انقلاب، از یکطرف و از طرف دیگر توان و نیروی درونی جبهه انقلاب را بشناسد و بشناسد و آئینه فعال حقایق باشد. لنین در مورد نقشی که ادبیات حزبی باید در امر انقلاب، در دگرگونی و تغییر جامعه ایفا کند، متذکر میشود:

"ادبیات باید بخشی از امر مشترک پرولتاریا، پیچ و مهره ای از مکانیسم عظیم سوسیال دمکراتیک باشد که بدست تمام پیشاهنگان و آگاهان سیاسی طبقه کارگر بحرکت در آید".

این بیان درخشانی درباره نقش ادبیات حزبی در گام نهادن برای انقلاب، برای تغییر کیفی و انقلابی جامعه است. این فشرده نظرات اصولی مارکس است که این بار در زمینه هنر و ادبیات فرمولبندی شده است. نظریه ای که هر نوع آگاهی مارکسیستی - و از جمله هنر - را برای تغییر جامعه بکار میگیرد و آن را بصورت ابزاری در راه رهائی پرولتاریا و تغییر انقلابی جامعه بورژوازی در میآورد.

ایده لنینی در مورد ادبیات در مراحل گوناگون مبارزه طبقاتی، پیگیرانه ادامه و تکامل یافت. اندیشه ادبیات حزبی، اولین بار بصورت همه جانبه پس از سال ۱۹۰۵، طی

بقیه از صفحه ۱۴ مبارزه ...

برای مدیران عامل خطری از جانب دولت یا سندکارگران از آنها پشتیبانی کنند و اگر مدیر عامل حاضر به پرداخت نگردید کارگران با شرکا رحاجات از کارگران آن کارخانه حمایت کنند.

کارگران نمی توانستند حواسی از حنائی مدیر عامل ماشین سازی بگیرند و روز دوشنبه ۵۸/۱۲/۲۷ شورا بکارگران اعلام میدارد که ما دیگر نمی توانیم با مذاکره به نتیجه برسیم باید شما تصمیم بگیرید که ملاحظه کارگران دست به اعتصاب زده و بطرف اطاق معاون مدیر عامل هجوم بردند و می گویند با مدیر عامل

ساز زده ... که
... برای ... شود و موجب ... شد
... ابداع شد. مبارزه ای که ما شاهد آن از
انقلاب اکتبر ادامه پیدا کرد.

لنین این را از انقلاب در روسیه با گفته "تیرولنگ کولت" به رنس گفته دلوپا حاربکی که ایده های تحریف آمیز از وظیفه هنر مارکسی را دنبال می شود. در رنس بوسی قطعاً به گفته بوست:

"تمام ایده ها ... آموزشی در جمهوری کارگران و دهقانان روسیه در زمینه آموزش سیاسی بطور کلی. و در خصوص این باید عملیات را روحیه مبارزه طبقاتی زحمتکشان باشد که در جهت رسیدن به سوسیالیسم و سرمایه داری بکار بوری خود کام برمی دارند. یعنی سرنگونی بورژوازی و نظام طبقاتی و ردهای خود ... استثمار ..." (تاکید از ماست)

این برداشت از ادبیات حزبی نشان میدهد که اندیشه لنینی در هر نظریه چه هدفی است: ادبیات در خدمت مبارزه طبقاتی، ادبیات در خدمت دیکتاتوری پرولتاریا، ادبیات در خدمت تغییر انقلابی جامعه!

بدینطریق روشن است که نظریه ادبیات حزبی، ریشه در ژرفترین اعماق مارکسیسم دارد و این ایده لنینی جزئی جزئی کامل مارکسیسم، جزئی کاربری خلاقانه آن در زمینه هنر نیست.

اکنون روشن است که مخالفین ادبیات حزبی، جزبورژوازی و طرفداران نگاه دار آن نمی توانند باشد.

اکنون روشن است که وظیفه هر شکل م.ل در زمینه هنر صرف نیروی لازم جهت برافراشتن پرچم لنینیسم در هنر است تا هر چه سریعتر هنرمندانی که به مارکسیسم - لنینیسم روی میآورند از قید توهمات لیبرالی رهائی یابند و با قبول ایده های لنینی در ادبیات، نیروی عظیم ذهنی خود را در راه مبارزه انقلابی و ایجاد دستگری مستحکم در جبهه انقلاب بکار گیرند.

اکنون روشن است که باید در راه مفید هر چه بیشتر ایده های لنینی کوشید تا زبده ترین هنرمندان انقلابی، همه خلاقیت و توان خود را در خدمت انقلاب در آورند. تا فریاد زنده باد لنینیسم در هنر از هر جا سر برکشد و این امر جز از مبارزه ایدئولوژیک، جز از راه مبارزه دی هر چه روشن ترین اندیشه های لنینی، در ادبیات و هنر و انواع ایده های بورژوائی و توهمات خرده بورژوائی ممکن نیست. ما می کوشیم جنبه های دیگر ادبیات حزبی را طی مقالات دیگری در آینده نگاه کنیم.

(۱) - مسئله نوع رابطه ادبیات و هنر با مقوله ایدئولوژی، همواره یکی از زمینه های مبحث در آرگوئی ایورتوسیتی بوده است. ما در آینده در این مورد بحث خواهیم کرد. اما همین جا بگوئیم که ما همه آنکه هر چون دیگر مقولات ایدئولوژیک (مسائل حقوق و سیاست و غیره) نقش آنکار ایفا میکند لیکن هیچگاه این حقیقت آنرا از حوزه ایدئولوژی طبقاتی در جامعه طبقاتی بیرون نبرده و نه یک پدیده مجزا از سایر مناسبات که گویا بدلیل ویژگی خود، مستقل برای طبقات تولید و بوده عملکرد و ویژه خود ... مبارزه طبقاتی بپردازد مدل معماری.

هفت سین سرود

سرفرازهای سرخ "هفت سین" سینه های ما
هفت سرود
با طمینی تا دمامه
سرمی افرازد.

★ ★ ★

آدای دهاتیهای گرسنه
ای کلوکاه رحمت و رنج
ای زمان سرخ انقلاب
با ما بخوان
هفت با رسرود "ستارگان سرخ شعله ور" را
که خونین
خونین
به راه تیره مان میسوزد و
خاکستر نمیشود
با ما بخوان
هفت با رسرود "سرفرازی انقلاب تا تمام" را
که در بهاران توده ای
شکوفه میدهد همچنان
با ما بخوان
هفت با رسرود "سازمان سرخ کار" را
که جوانه خواهد زد
از تابش آفتاب آگاهی
بر زمین بارآور نبرد کارگران
و ریشه در ریشه علفهای هرز سازش خواهد افکند
تا بخشکاند ریشه های خیانت را
تا استوار
به پیش تازد
در پیشاپیش رنجبران
با ما بخوان هفت بار سرود "سبزه زاران مشترک را"
که با رخواهد داد
بر سینه کشتکارهای دربند دهقانان
با ما بخوان هفت بار سرود فاتحانه "سوسیالیسم" را
که نطفه خواهد بست
در رحم جمهوری دمکراتیک خلقمان
با ما بخوان هفت بار سرود "تنهای پایان گرفته" را
که برگودهای آن
پرچم سرخ فاتحمان
خاطرات سالیان ستمگری را
خواهد رفت
و پتکها و داسهای در اهتزاز آن
بر سر امپریالیسم
مهر حاکمیت رنجبران را
خواهد کوفت
با ما بخوان
با ما بخوان هفت سرود رهایی را
اینک نوروزی آید
اینک که می آید نوروزگاوه های آهنگر
تا بار دیگر
ضحاک را
در بنداد انقلاب خلق بیاندازد.

ثمانی بگیر و بکوکه دیگر نمی تواند به کارخانه برگردد و خود را وا افتاده می کنند و اگر حالیکه رنگش پریده بود میگفت من هیچ کاره ام و ...
در اینجا شورا کارگران را به مجمع خوانده و جریان مذاکرات را با آنها در میان می گذارند و کارگران یک صدا میگویند تا حق خود را نگیریم تحصن خواهیم کرد. و بدین ترتیب تحصن آغاز شد و به اطلاع استانداری رسید.

در این تحصن که شب و فردا تا ساعت ۱۱/۵ شب ادامه داشت کارگران کارخانه های لیف - تراک و کمپید و رنسر بحمایت از کارگران قهرمان ماشین سازی دست به تحصن زدند.

در این تحصن کارگران آگاه و همچنین کارمندان مبارز دست به افشاگری هیئت حاکمه، ماهیت دولت و ... زده و محیط تحصن را با دادن آگاهی و شعار اتحاد و همبستگی کارگران شورا نگیز سرمیساختند. کارگران ماشین سازی بالاخره بعد از ماهها خفقان در زیر فشار ارتجاع و فلانژهای وابسته به دولت توانستند حرفهای خود را بزنند و دمکراسی توده ای را با عمل انقلابی خود به نمایش گذاشتند. آنها در برابر توطئه های دولت و عوامل ارتجاع بوسیله تکبیرهایشان مسلح به حمایت از محوطه کارخانه و اطراف به محافظت پرداختند حمایت سایر کارگران و زحمتکشان از آنها اتحاد و همبستگی کارگری را در عمل مستحکم تر ساخت و نوید می داد برای اتحاد هر چه بیشتر کارگران در شوراهای واقعی و اتحادیه ای از این شوراها.

شب ۲۷ اسفند برای کارگران قهرمان تبریز که علاوه بر این کارگران، کارگران کارخانه توکلی نیز در حال تحصن بودند، شب شورانگیز وحدت کارگری و آگاهی طبقاتی بود و آنها با لاغره دولت سرمایه داران را به زانو در آوردند. در ماشین سازی مدیر عامل که بهمراه چند پاسدار به اتاقش برگشته بود، مجبور گردید یکماه عیدی را قبول کرده و بطور مساوی ۲۵۰۰ تومان علی الحساب به کارگران پرداخت کردید. کارگران برای بقیه آن تصمیم گرفتند که بعد از عید به مبارزه خود ادامه دهند. در رابطه با مبارزات کارگران ماشین سازی تبریز، کمیته آذربایجان سازمان اعلامیه ای در پشتیبانی از تحصن انتشار داد.

کارگران شرکتهای مقاطعه کاری شاغل در کارخانه تراکتورسازی تبریز نیز برای گرفتن حقوق خود دست به تحصن در کارخانه زدند ولی متاسفانه بعلت کمی تعداد و نبود تشکل نتوانستند به پیروزی برسند. ■

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۵ مروری بر...

کارگران ، پیوزه ارتجاع را بخاک خواهد مالید.

اینک توجه خوانندگان عزیز پیکار را باسناد فوق که تا اندازه‌ای گذشته و ماهیت داود خارقانی مزدور را که اکنون بعنوان رئیس مجمع فولاد اهواز دست به اخراج کارگران مبارز میزند، نشان میدهد جلب می کنیم.

سند شماره ۱ نشان میدهد که خارقانی افسر امور معدنی دبیرخانه سازمان پیمان مرکزی بوده است. لازم به توضیح است که سازمان پیمان مرکزی با سیو سازمانی بود که امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی به ایران تحمیل کرده بودند. اعضای سیو غیر از ایران، انگلیس و آمریکا، سرکنده و پاکستان بودند. اسم سیمان نظامی حلقه واسط سیو و سیمان امپریالیستی دیگر یعنی سیتو که پاکستان عضو آن بود و پاکستانی که در این مرکز امپریالیستی نیز کارمند بود حسدکا ملاشیرود رژیم شاه و مزدور امپریالیسم بودند.

براساس سند شماره ۲ کارگری با دلایل واهی ولی در اصل بخاطر مبارزه برای احقاق حقوقش توسط خارقانی مزدور اخراج میشود ولی مطابق سند شماره ۳ مامور حفاظت و پاکساز سیو سپاه سمت ۶ ماه از خدمت منفصل میشود.

رئیس کارخانه، مقامات دولتی و عوامل مزدورشان را کتک وحشی میکردند. آنها از رفت و آمد افراد خود فروخته بمیان خودشان جلوگیری میکردند. رئیس کارخانه که در همان اوائل کار در برنرفته بود، با مقامات انتظامی به توطئه چینی نشست و چندتن از "پاسداران" را به سراغ کارگران فرستاد. تفنگداران اسلامی قصد داشتند که با تفرقه اندازی بین کارگران، نمایندگان آنها را بدون پشتیبان گذاشته و دستگیرشان کنند ولی کارگران که در عمل به صداقت و عدم سرمایه‌داری بودن نمایندگان خود پی برده بودند، با اتحاد و همبستگی خود جواب دندان شکنی به آنها داده و از کارخانه بیرونشان انداختند.

کارگران که معاونین رئیس و حامیان کارخانه را به گروگان گرفته بودند، با نظم کارگری خود کنترل و حفاظت کامل از کارخانه را بعهده داشتند. آنها بعد از سه روز مقاومت توانستند مقامات مسئول را بقبول برخی از خواستهای جزئی خود از قبیل:

۱ - دریافت سود ویژه به سرمبنای دستمزد سابق که شورای انقلاب مقرر داشته بود بلکه بر مبنای دستمزد جدید که خود کارگران مطرح کرده بودند.

۲ - پرداخت مابه التفاوت اضافه کاری های پرداخت شده.

۳ - پرداخت حق اولاد

۴ - پرداخت بمیزان یکماه حقوق بعنوان عیدی وادار نمایند. یکی از خواستهای اساسی کارگران جلوگیری از تعطیل شدن کارخانه و در غیر این صورت گرفتن حق بیکاری بود. که این موضوع مقامات را بوحشت انداخته و زیر فشار کارگران کتباً تعهد کرده‌اند که بزودی شکر تهیه نموده و همه کارگران با حفظ سابقه کار خود بکار مشغول شوند.

... هم اکنون کارخانه تعطیل شده است و بیش از ۵۰۰ نفر از کارگران زحمتکش به صف بیکاران پیوسته اند ولی امثال برخلاف سالهای دیگر بر این اعتقادند که برای رسیدن به خواستهای خود باید مبارزه کنند، چه شاغل چه بیکار! برای کسی که اعتصاب مدرسه انقلاب است!

مستحکم باد اتحاد و همبستگی کارگران!

تا بود بادا سیستم سرمایه‌داری وابسته!

اعتصاب، مدرسه انقلاب

هواداران سازمان ما در "مبارزات" در رابطه با اعتصاب کارگران مبارز کارخانه قند بنابر ربع ۵۹/۱/۴ اعلامیه‌ای منتشر کرده‌اند که در زیر قسمتهائی از آنرا ملاحظه میکنید:

کارخانه قند میاندوآب را بهتر است شکنجه خانه بنامیم نه "کارخانه". چون کارگران در این کارخانه نه استثمار، بلکه واقعا غارت و شکنجه میشوند. برای اثبات این موضوع از شرح مفصل خودداری میکنیم. تنها برای نمونه کافیست اشاره کنیم که در این کارخانه هستند کارگرانی که با ۲۰، ۲۵ سال سابقه کار هنوز کارگر موقت بحساب می آیند!! بطور خلاصه میتوان گفت که قوانین و روابط حاکم در این کارخانه خیلی عقب مانده تر و غیرانسانی تر از آن قوانینی بود که رژیم ضدکارگری شاه خائن بالاجبار به آن گردن نهاده بود. و اینک که یکسال و چند ماه از قیام خونین بهمن ماه میهنمان میگذرد، قیامی که به بهای ریختن خون بیش از هفتاد هزار شهید خلق مبارزمان تمام شد، مثل این است که آب از آب تکان نخورده است... اگر سرمایه‌داران قبل از قیام کراوات و پاپیون می زدند، بعد از قیام ریش می گذارند و صبح بدست می گیرند و با آیه و قرآن خود را پشتیبان مستضعفان جا میزنند و دولت پشتیبان سرمایه‌داران هم تا آنجا که توانسته بجای تان و آزادی، تکبیر و صلوات بخورد توده‌های زحمتکش داده و در جائی که سنبه را پر زور دیده گلوله هدیه نموده است. دولت سرمایه‌داران نه می خواهد و نه میتواند قدمی در جهت منافع کارگران و دیگر زحمتکشان بردارد.

حال ببینیم خود کارگران چه کردند؟

کارگران موقت کارخانه قند میاندوآب که تعدادشان به حدود ۵۰۰ نفر می رسد، با درس آموزی از جریانات قیام و نقش طبقه کارگر در آن و همچنین با استفاده از تجارب و رهنمودهای برخی از کارگران آگاه و مبارز به طرح یک سری از خواستهای خود دست زدند. کارگران در اوائل نسبت به دولت جمهوری اسلامی خوش خیال بودند و فکر می کردند که با یکبار مراجعه، به خواستهای آنها پاسخ مثبت خواهند داد!! و بخاطر همین توهم و خوش خیالی بود که مدت چند ماه از این اداره به آن اداره دویدند، از رئیس کارخانه به اداره کار، از اداره کار به فرمانداری، از فرمانداری به... گرچه آنها جواب مثبتی دریافت نکردند، ولی درس بزرگی آموختند و آن اینکه: همه ارگانهای دولتی در خدمت سرمایه‌داران قرار دارد. آنها دریافتند که تنها با اتحاد و یکپارچگی خود میتوانند حقوق خود را از حلقوم سرمایه‌داران بیرون بکشند و از صبح روز شنبه ۵۸/۱۲/۲۵ دست به اعتصاب و تحصن در کارخانه زدند. با پیوستن کارگران شیفت روز به شیفت شب صفوفشان فشرده‌تر گردید و با هشیاری کامل حقه‌ها و کلک های

«کانون کارگران بیکار» سقز اعلام موجودیت کرد

در آخرین روزهای سال گذشته (۵۸/۱۲/۲۲) "کانون کارگران سقز" اعلام موجودیت کرد و با معادرهٔ سیمای حافظ، در آنجا مستقر شد. چهار سال زندگی که به تازگی سروکله اش در سقز پیدا شده و هدف اصلی خود را اخلال در جنبش خلق کرد قرار داده است از استخدام کارگران از طریق کانون خودداری میکند.

یکی از سرمایه‌های کانون مبارزه با پیمانکاری است که به سدی در مقابل اشتغال کارگران بدل شده است. هم اکنون کانون ضمن تقویت صفوف خود، برای کسب حقوق بیکاران فعالیت میکند.

توطئه علیه کارکنان مبارز جوکا محکوم است

بدنبال مذورخبر مورخ ۵۸/۱۲/۲۶ از طرف مدیرعامل جوکا (صنایع چوب و کاغذ ایران) مبنی بر تعطیل یکماهه کارخانه به بهانه "عملیات برنامه‌ریزی و آماده‌سازی"، شورای کارخانه با این اقدام مخالفت کرده و بدرستی مفاد بیانیه مدیر کارخانه را برای کارکنان شرکت توضیح میدهد. توطئه تعطیل یکماهه کارخانه که بمنظور اخراج یکارکنان مبارز و تصفیه عناصر فعال تدارک دیده شده، موج مخالفت کارکنان جوکا را به دنبال داشته است. از طرف دیگر مراجعه اعضای شورا به مقامات مسئول از جمله استاندار گیلان و دفتر ریاست جمهوری، بی نتیجه مانده است. در عین حال در چند روز اخیر در ایورشت ضمن قرائت دو اطلاعیه از طرف سپاه پاسداران و استاندار که در آن مردم منطقه را آشکارا علیه کارکنان جوکا تحریک نموده، بنابر توطئه‌ای است که مقامات مسئول استان جهت پیش برد مقاصد شوم خود تدارک دیده اند.

کارکنان مبارز جوکا با آگاهی از توطئه، هیئت حاکمه را در اجتماع روز چهارشنبه ۵۸/۱۲/۲۸ خود قطعنامه‌ای صادر کردند که برخی از مفاد آن چنین است:

۱ - تعطیل کارخانه را توطئه‌ای جهت اخراج تعدادی از کارکنان دانسته و خواهان لغو بخشنامه شماره ۱۹۰ مورخ ۵۸/۱۲/۲۶ هستیم.

۲ - برای هرگونه تصمیم‌گیری در امر کسازی و برنامه‌ریزی، نمایندگان ما کارکنان باید شرکت داشته باشند.

۳ - وجود افراد مسلح را در کارخانه تحمل ننموده و خواهان لغو احکام آنها هستیم.

مبارزهٔ شورانگیز و متحدانه کارگران ماشین سازی تبریز برای دریافت سود ویژه و عیدی

همزمان با حرکت سراسری طبقه کارگر برای انحلال شوراها و سندیکاهای فلاسی و ایجاد شورا (سندیکا) های واقعی در کارخانجات کشور کارگران ماشین سازی تبریز یک رشته اقدامات انقلابی از جمله انحلال کمیته امام، برکناری هیئت اجرائی و دبیر همه کاره شورا که عامل استاندار و مدیرعامل بود دست زدند. مدیرعامل و عوامل ارتجاع در برابر این اقدامات قصد انحلال شورا را داشتند تا دوباره عوامل خود را سر کار آورند. اما کارگران و کارمندان مبارز با آگاهی و افشای شورای فرمایشی بحمایت از نمایندگان خود برخاسته و با انتخاب شورای جدید کار انقلابی درجهت تشکیل شورای واقعی برداشتند. این شورا خواستهای کارگران از جمله ۲۴ روز تعطیلات سالانه برابر با کارمندان و سود ویژه و عیدی را دنبال نمود و با نظرخواهی از کارگران مبلغ سود ویژه را ۱۳۰۰۰ تومان پیشنهاد کرد. کارگران با مبارزه و افشای ماده واحده شورای انقلاب مدیرعامل را مجبور به پرداخت ۸۵۰۰ تومان (علی الحساب) سود ویژه نمودند.

نمایندگان ۷ کارخانه وابسته به سازمان گسترش صنایع و معادن (ماشین سازی، تراکتور سازی، لیف تراک، موتوژن، پمپ ایران، کمپیدرو، هاکسیران دیزل) مشترکا تصمیم گرفته بودند که سود ویژه به مبلغ ۸۵۰۰ تومان و عیدی یکماهه بطور مساوی بین کل کارکنان تقسیم گردد. ولی مدیران عامل کارخانجات آنها را به استاندار حواله می دهند و استاندار می گوید نظر شما را به شورای انقلاب ارائه می دهم که روز ۵۸/۱۲/۹ بنی صدر از رادیو اعلام میکند که هیچکس حق ندارد خارج از ماده واحده شورای انقلاب عمل کند. نمایندگان در تاریخ ۱۲/۱۱ خواست خود را در بر پرداخت عیدی و بقیه سود ویژه به وزیران کار و صنایع و معادن می دهند و آنها در جواب می گویند ما امسال سود ویژه نداشتیم و این مبلغ ضرر ویژه است. یعنی که شما بیشتر از مقدار سود ویژه گرفته اید و ما بدیس بدهید!

در تاریخ ۱۲/۱۹/ کارگران پمپ ایران موفق به گرفتن ۳۲۰۰ تومان بطور مساوی علاوه بر مبلغ پرداختی سود ویژه و عیدی می کردند ولی مدیرعامل ماشین سازی مخالفت میکند. شورا برای روشن کردن افکار کارگران در تاریخ ۱۲/۲۱/ از کارگران و کارمندان میخواهد که در مجمع عمومی خاتمه مدیرعامل را شنیده و جواب آنرا بدهند. در این جلسه مدیرعامل میگوید شما حقتان بود که عیدی گرفته باشید ولی می دانید که انقلاب تاکید کرده که سود ویژه با یدطبق ضوابط سال گذشته (۵۴۰۰۰ ریال) پرداخت گردد و چون ۸۵۰۰۰ ریال پرداخت کرده‌ایم دیگر عیدی بشما تعلق نمی گیرد و من نمی توانم از تصمیمات شورای انقلاب سرپیچی کنم.

آنگاه کارگران و کارمندان مبارز پشت تریبون می روند و مجمع عمومی را به محل افشای مدیرعامل و دولت سرمایه‌داران تبدیل می نمایند. یکی از کارگران میگوید: ما هیئت شورای انقلاب، وزارت کار، وزارت صنایع و معادن و سازمان گسترش برای ما روشن شده است وقتی دادگاه که مدیرعامل تیترعامل سرمایه‌داران است، من بعنوان یک کارگر میگویم تا زمانیکه سرمایه‌داران و نوکرانشان را از بین نبریم هیچوقت نخواهیم توانست به خواستهای خود برسیم. مثلا ما بونس یکساله مدیر تولید سابق را که در رژیم گذشته از هیچ ظلمی در حق ما فروگذار نکرده بود اخراج کردیم ولی مدیرعامل او را بعنوان معاون خود انتخاب کرده و بعد که او را از آنجا هم بیرون کردیم مقامات دولتی پست عالیتری - هیئت مدیره سازمان گسترش - را به او دادند. بعد از آن یکی از کارمندان پشت تریبون رفته و می گوید مرا بخاطر حق گوئی اخراج کرده بودند و میدانم با زهم این حرفها را بزنم بدون خطر نیست. آقای مدیرعامل دیگر نمی توانی با ما را فریب دهی شما نماینده سرمایه‌داران هستید (مدیرعامل لبخند میزند) شما که بما می خندید ما نیز شما را مسخره کرده برایش شما می خندیم. کارگران با کف زدن حرفهای او را تائید کردند. او دستش را به طرف مدیر عامل دراز کرده و می گوید آقای مدیرعامل ما گردن تراش می گیریم و حقمان را از حلقومت بیرون میکشیم. مدیر سرخ شده و میگوید خنده عادت من هست تازه من مهمان شما هستم. کارگران داد کشیدند مهمان پررو برو گمشو.

یکی از کارگران شروع بسخن نموده و گفت: رفقا مدیرعامل هیچوقت درک نخواهد کرد که وقتی یک کارگر به بازار می رود و نمیتواند با حقوق کم اش ما یحتاج خود را تهیه نماید چه می کشد. کارگران قربانی دزدند نه خیر، هیچوقت نخواهد فهمید. او اداره دفرقا یک دولت نمی تواند نماینده دو طبقه باشد، هم نماینده سرمایه‌دار و هم اینکه بخواهد کارگران را خامی و پشت سر خود داشته باشد. کارگران بدانید تا سرمایه‌داران را از بین نبریم نخواهیم

←

نان ، مسکن ، آزادی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بوانست بحق خودبرسیم .

این جلسه با شرکت اعضای کارگران دانشگاه و همچنین خودشان ارسال آگاهی کارگران بود .

در این جلسه رزمنده کوکا نگری مدیر عامل از طرف عده‌ای از کارگران شنیده می‌شود و مدیرعامل می گوید من مهمان! شما هستم و اگر اهل شیراز بودم در خدمت شما بودم و... یکی از اعضاء شورا می گوید ما نمی‌خواهیم کوکا نگیریم بلکه حق خود را می‌خواهیم و سپس رو به کارگران کرده و می گوید ما اعضای شورا از اینکه نتوانستیم حق شما را بگیریم شرمنده ایم تا بحال ما شما را وادار به صبر و بردباری کرده ایم تا بوسیله مذاکره حقتان را بگیریم ولی الان مسئله را بخود شما واگذار می کنیم .

در اینجا مدیرعامل تا ساعت ۲ بعدازظهر مهلت می خواهد و هیئت اجرائی از طرف کارگران مأمور دنبال کردن کار می گردد . اعضاء هیئت اجرائی بهمراه مدیرعامل بعدازظهر همان روز برای مذاکره به استانداری می روند و استاندار که از قبل مطلع بود خود را آگاه کرده بود . او در جواب آنها می گوید ما معتقدیم کارخانجات متأ به که عبدیانه به کارگران پرداخته اند باید پس بگیرند و سپس طبق معمول شروع به تهدید می کند و می گوید من اعضاء شورا را می‌شناسم و هر روز گزارش می رسد در شورا عده ای فدائی و مجاهد و پیکاری و... نفوذ کرده و می خواهند بلوا راه بیندازند . شما فدا انقلاب و اخلالگر هستید . او می گوید شما می خواهید انتخابات را بهم بزنید ولی ما چطور انتخابات سندیج را لغو کردیم اینجا را هم لغو می‌کنیم ما مثل خلق مسلمان شما را هم سرکوب خواهیم کرد و... در این هنگام عده‌ای (که از قبل آنجا آماده بودند) باشعار الله اکبر ، ما کار می خواهیم... وارد محوطه استانداری می شوند و استاندار می گوید سود ویژه حق اینهاست بیائید جواب اینها را بدهید . کارگران بظاهر بیکار که از کمیته چی ها شی مثل دلیقر جعفر و اعضا سپاه پاسداران بین آنها بودند به سالن جلسه استانداری وارد می شوند و شروع به اعتراض بر علیه نمایندگان می‌کنند که ما بیکار هستیم و شما علاوه بر مزدتان سود ویژه هم میخواهید ما میدانیم همه تان را بیرون می اندازیم و خودمان کار می کنیم و استاندار با بچه ها از جلسه بیرون می رود . بعد از اعضاء هیئت اجرائی به کارگران می گفتند که هیچکدام از آنها به کارگران بیکار رشیه نبودند و معلوم بود که این توطئه از قبل تدارک دیده شده بود . بعد از استاندار دو معاون استاندار سبحان اللهی و مجتهدی می گویند شما در این شرایط حساس میخواهید در امر انتخابات اغتشاش راه بیاندازید ، عده‌ای ما را کمیته در شورا ها نفوذ کرده اند که باید محاکمه شوند . و شما اعضای شورای مرکزی فدا انقلاب و توطئه گر هستید و بدین ترتیب نمایندگان با اعتراض استانداری را ترک می کنند .

بنا به شکایت وجاسوسی مدیرعامل ماشین سازی به استاندار در باره مهندس هداشی مدیرعامل پمپ ایران که بقیه سود ویژه و عیدی را بمیزان ۲۲۰۰ تومان (با داشتن مجوز از اداره کار) پرداخت کرده بود او روز سه شنبه ۵۸/۱۲/۲۱ از طرف سپاه پاسداران بازداشت میگردد . روز چهارشنبه در جلسه شورای ماشین سازی نمایندگان شورای کارخانجات تابعه و نراکتور سازی نیز شرکت کرده و برخوردهای ارتجاعی استاندار و مدیر عامل و نحوه درجریان گذاشتن کارگران از نتیجه مذاکرات را بررسی میکنند . در اینجا عده‌ای از اعضا شورا معتقد بودند که باید مجمع عمومی تشکیل داده و مسائل پیش آمده در استانداری و... را در اختیار کارگران قرار دهیم... وعده‌ای نیز بخاطر جریان انتخابات برای ندادن بهانه بدست ارتجاع پیشنهاد میکنند که تا روز شنبه صبر شود و این مسئله مدیریت شود .

شورا از دعوت مجمع عمومی قرار داشته و میترسد که کارگران بهم بخورند و دست به تحصن و... بزنند ولی درست این بود که کارگران اعتماد کرده و مجمع عمومی تشکیل میشد و سایر استانداران و مدیران شرکت را افشا کرده به کارگران توضیح میداد و کارگران با آگاهی یافتن به حرکت ارتجاع تصمیم بعدی خود را می گرفتند . نمایندگان همچنین در مورد آزادی هدائی تصمیم می‌گیرند که از هر شورا یک نماینده انتخاب شده برای آزادی هدائی با استاندار مذاکره کنند . سرانجام مدیرعامل بمپ ایران آزاد میگردد و استاندار میگوید که روز شنبه بکارخانه می‌آیم و خودم با کارگران میگویم که باید بر طبق دستور شورای انقلاب عمل شود . ولی روز شنبه از آمدن او خبر نمی شود . و با وا تهدید در موقع انتخابات و بعد از آن به بهانه اینکه بعلت انتخابات دو سه روز دیگر می آیم میخواست مسئله را آنقدر کش دهد که با رسیدن تعطیلات عید قضیه ماست مالی شود .

روز یکشنبه ۱۲/۲۶/ نمایندگان شوراهای ۷ کارخانه تشکیل جلسه داده و با مدیران عامل (مدیرعامل ماشین سازی روز چهارشنبه به تهران فرار کرده بود و تماس تلفنی با او می گرفتند) کمپیدر و پمپ ایران به این نتیجه میرسند که عیدیانه پرداخت شود اگر

بقیه در صفحه ۱۲

مبارزهٔ کارگران کبریت توکلی تبریز

در کارخانه توکلی کارگران بعد از مبارزات خودمسلمی برابر ۳/۵ ماه حقوق کلیه کارگران را بطور مساوی بعنوان سود ویژه میگیرند . بعد از اعلام وزارت کار مبنی بر اینکه شما کارخانجات با بدهاده و اخذه را اجرا کنید ، مدیرعامل اعلام میکند که عیدیانه پرداخت نخواهد کرد ، چرا که سود ویژه را به اندازه ۲ برابر عیدی مورد تقاضای کارگران زیاد پرداخت کرده است . با وجود نامه‌ای که کارگران از اداره کار برای پرداخت عیدی میگیرند ولی مدیرعامل شورای صنایع ملی شده و استانداری مقاومت می‌کنند . شورا در اینجا مذاکرات را آنقدر طول داده و وقت را تلف میکنند که عید نزدیک میشود تا اینکه کارگران روز ۱۲/۲۲/ دست به اعتصاب میزنند ولی این اعتصاب دیرتر از آنکه می‌بایست شروع شده بود چرا که انگیزه خواستن عیدیانه آنقدر قوی نبود که بتوانند در تعطیلات عید آنها را همچنان در تحصن نگهدارد .

کارگران ، مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره را نیز نمی گذارند از کارخانه خارج شوند . خبر تحصن ماشین سازی و پرداخت عیدیانه در کمپیدر و که بوسیله کارگران مبارز در کارخانه پخش میشود روحیه کارگران را بالا میبرد .

ساعت ۳ نیمه شب مدیرعامل با استفاده از فرصت از کارخانه خارج میشود و کارگران با اطلاع از آن به رئیس هیئت مدیره حمله کرده و او را عامل فراری شده مدیرعامل میدانند .

فردا یا لاخره مدیرعامل برگشته و مجبور میشود دادن عیدی را بپذیرد منتها بر سر مقدار آن چانه میزند و بالاخره ۸۰۰ تومان علی‌الحساب به کارگران پرداخت میشود . با وجود مقاومت قهرمانانه کارگران ضعفهای تحصن (درمقدار دریافتی ۸۰۰ تومان علی الحساب) بی‌تاثیر نبود . این ضعفها را عقب ماندگی شورا از کارگران تسلیم و رعایت کارگران بحرفهای مدیرعامل که آنها سود ویژه را بیشتر از سایر کارخانجات کارخانجات گرفته اند (۹ هزار تومان تا ۲۴۰۰ تومان حقوق متوسط ماهانه) موقعیت نامناسب قبل عید و نبودن انگیزه قوی برای ادامه تحصن و نبود سخنرانیها و جلسات آگاهگرانه بحد کافی بود .

کارگران مبارز توکلی نشان دادند که با عمل انقلابی خود در سینما پیش کارگران مبارز در حرکتند آنها همچنان خود را آماده ادامه مبارزه بعد از تعطیلات نوروز میکردند .

گرامی باد خاطره رفیق شهید علی اکبر قائمی

۲۱ اسفندماه گذشته مصادف بود با سومین سالگرد شهادت رفیق قائمی ، یادش را گرامی میداریم و به او و تمام شهدای راه خلق درود می فرستیم .

رفیق قائمی یکی از فرزندان دلاور خلق ماست که در پرتو آگاهی و ایمان انقلابی خویش راه پرشکوه خلقی را پیمود که تنها پس از دو سال از زمان شهادت وی ، توانست طومار رژیم ننگین سلطنتی را درهم بپیچد و ضربه های مرگ آفرینی بر پیکر امپریالیسم غدار جهانی وارد آورد .

خون پاک این شهید زمانی بر کف خیابانها و کوچه و بازار ریخته شد که ابرهای سیاه دیکتاتوری شاه خائن و ستمگر توان فرسای سلطه امپریالیسم آمریکا بر میهنمان ، دلهای هر آزادمردی را میفشرد و توده های میلیونی خلق ما را در زنجیر و بندگاه داشته بود .

زمانی این رزمندگان دلاور خلق در برابر رژیم تبه‌کار شاه و ارباب امپریالیسم ستمش قد برافراشتند که عاقبت جوبان و بوقلمون صفتان سیاست باز ، در منجلاب سازش غوطه میخوردند و سی تفاوت از کنار جنازه های فرزندان خلق میگذشتند و در پستوهای خود می آرمیدند و در فکر استثمار خلق و بالا بردن سرمایه کارخانه و خریدن زمین بیشتر و... بودند ، همانها که بیش از یکسال ماست بر امواج توفان انقلابی خلقهای ما سوار شده و در پی مهار آن هستند تا بلکه بتوانند تا پیگیری و لنگی خود را با ریختن آب سرد بر آتش شور و شوق انقلابی توده ها جبران سازند و انقلاب خلق را در قدمهای اولیه متوقف سازند . هم از این روست که ارج گذاری بر این شهدا بعنوان بخشی از ده‌ها هزار شهیدی که خلق ما فداکارانه و سی ریا در طی سالهای اخیر در راه آزادی و استقلال میهن ، داده است ، این دینی است بر گردن همه ما . رفیق قائمی یکی از این شهداست .

او دوران دبیرستان را در مدرسه علوی بپایان رسانید و وارد دانشگاه صنعتی گردید . در جنبش دانشجوئی نقش فعالی داشت و در همان زمان - قبل از سال ۵۱ - توانست با سازمان مجاهدین خلق ایران ارتباط بگیرد و بخشی از شور انقلابی خود را در خدمت این سازمان قرار دهد . در این موقع توسط دشمن ، بجرم فعالیتهای دانشجوئی دستگیر شد و علیرغم شکنجه و باز جوئی ، ارتباط خود را با سازمان انقلابی خود فاش نکرد . پس از چند ماه از زندان آزاد شد و برای اینکه بتواند تمام نیروی خود را در خدمت انقلاب قرار دهد و از پیکر دساواک در امان بماند ، در سال ۵۱ به فعالیت آشکارا کاملا مخفی پرداخت .

رفیق مدتها در ساختمانها فعالیت داشت ، در جریان تحول ایدئولوژیک بخشی از سازمان مجاهدین با درک این مهم که مارکسیسم - لنینیسم تنها ایدئولوژی طبقه کارگر است و تنها در پرتو آنست که میتوان سمت صحیحی را در خدمت به تمام زحمتکشان پیمود و انقلاب خلق را تا به انتها هدایت نمود ، به بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران پیوست . رفیق قائمی از حدود سال ۵۳ تا سال ۵۵ برای آشنائی با وضعیت طبقه کارگر و آگاه کردن و سازمان دادن آنان مدتها در کارخانجات قرقره زیبا ، کشمیران و جنرال موتور و کارگاههای ریخته‌گری تهران به کار مشغول بود . اگرچه بدلیل حاکمیت اندیشه غیرپرولتری مشی چریکی بر سازمان ، ما مفاهیم تا صحیحی از کار در میان طبقه داشتیم که باعث میگردید به اندازه انرژی ای که صرف میکردیم در کار ما موفق نباشیم ولی رفیق قائمی بدرستی ، این دوران از فعالیت خود را از بهترین دورانهای سازندگی و یادگیری خود از طبقه کارگر میدانست . رفیق بدلیل تجربیاتی که در این زمینه داشت ، توانست دانش خود را در اختیار شاخه کارگری سازمان بگذارد ... رفیق قائمی در بورشهای وحشیانه و تعقیب ها و ضربات تیمه سال ۵۵ به بعد که سازمان ما را نیز همچون دیگر سازمانهای انقلابی به مقابله و عقب نشینی تاکتیکی واداشت ، فعالانه در پاک کردن ردهائی که پلیس به آن دست یافته بود و با احتمال آن میرفت شرکت داشت . در ۲۱ اسفندماه رفیق قائمی در چهارراه سرچشمه مورد شناسائی مزدوران ساواک قرار گرفت و با توجه با اینکه مزدوران فراوانی از دشمن در آن منطقه برای شکار انقلابیون مدام پرسه میزدند علیرغم اینکه از قاطعیت و شهامت خاص نظامی برخوردار بود ، پس از مدتی تیراندازی و ضربه زدن به مزدوران دشمن سرانجام بدست مامورین مزدور ساواک و شهربانی بشهادت رسید . یادش گرامی باد .

درود بر همه شهدای راه خلق !

درود بر رفیق شهید علی اکبر قائمی !

درود بر تمام فرزندان خلق که در سالهای سیاه دیکتاتوری شاه پرچم رزم و مقاومت را در اهتزاز نگه داشتند !

گرامی باد یاد رفقای شهید فرنگیس براتی و سودابه مهرآسا

۶ فروردین ۵۸ زمانیکه بقدرت خزیدگان با کمک ارتش مزدور آمریکائی ، مسلح را بخاک و خون کشیدند دوش از هواداران مدیق سازمان ما رفقا فرنگیس و سودابه در راه عزیمت به کردستان در اثر تصادف ماشین به شهادت رسیدند و این نخستین دو اولین بهار پیروزی قیام مردولاله سرخ سرلاله های بیشمار دیگر افزوده شد .

رفیق فرنگیس براتی دانشجوی دانشگاه تهران (دانشجوی سابق دانشگاه شیراز) در سال ۵۵ در ارتباط با سازمان آزادیبخش دستگیر گردید و به سال زندان محکوم شد . رفیق فرنگیس از فعالین جنبش دانشجوئی سالهای ۵۳ - ۵۴ دانشگاه شیراز بود . صداقت رفیق و ایمان وی به رهائی خلقهای در زنجیرش ، وی را به فعالیت گسترده‌ای بعد از آزادی از زندان تا لحظه شهادت واداشت .

رفیق سودابه (کارمند) یکی از مدیق ترین هواداران راه رهائی طبقه کارگر بود و در تمام مبارزات خونین تهران در جریان قیام شرکت فعال داشت .

این دو رفیق در ۶ فروردین ۵۸ هنگامی که از شیراز عازم کردستان بودند در اثر تصادف به شهادت رسیدند .

راهشان پیروز و یادشان گرامی باد !

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

کمون پاریس، ناقوس مرگ دنیای کهن را بصدا درآورد!

سالگرد ۲۸ مارس (۸ فروردین) نکبت و تبهیس سالگرد ایجاد اولین حکومت کارگری

"اصول کمون ابدیست و نمیتواند نابود شود. این اصول تا وقتی طبقه کارگر رهائی خود را بدست نیاورده، بقوت خود باقی است".

امارکس،

جمعبندی از تجربیات مبارزاتی که نه کمک میکند تا بتوانیم راه انقلاب را هموار تر ساخته و با اطمینان بیشتری در راه کسب پیروزی به پیش رویم. در این مقاله میخواهیم بطور مختصر تجربه کمون پاریس یا اولین حکومت کارگری و آموزشهای گرانبهای آنرا بررسی نمائیم. این درست است که قیام کارگران کمون توسط بورژوازی سرکوب شد، ولی مسئله مهم‌تر اینستکه راهی را که کمون پاریس نشان داد راه پیروزی طبقه کارگر بود.

قیام کارگران پاریس در چه شرایطی بوقوع پیوست؟

صد و ده سال پیش یعنی در ژوئیه ۱۸۷۰ فرانسه و آلمان با یکدیگر وارد جنگ شدند. زیرا امپراطور فرانسه، ناپلئون سوم در پی منحرف کردن طبقه کارگر و مبارزات او و به جنگ آوردن اشتیاق "راین" آلمان بود و صدراعظم آلمان، بیسمارک در پی تحرف اسان - های "آلزاس" و "لورن" فرانسه بود. این استانها از نظر معادن زیرزمینی بسیار ثروتمند بودند.

به این ترتیب دو هیئت حاکمه ارتجاعی که اهدافی ضد انقلابی داشتند و در پی غارت و چپاول بیشتر بودند، وارد در جنگ شدند. روشن بود که طبقه کارگر نمی‌توانست این جنگ غارتگرانه را مورد تائید خود قرار دهد، او می‌بایست این جنگ را محکوم نماید.

فرانسه در جنگ شکست خورد. خبر شکست، طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان پاریس را بخشم آورد. آنان بلند شدند و در روز ۴ سپتامبر، انقلاب و آغاز کردند. توده‌های عصیان زده در تمام شهر به سنگربندی پرداخته و سپس مسلحانه به "کاخ سلطنتی" و دیگر مراکز مهم بورژوازی مانند مجلس و شهرداری حمله کردند. بدنبال این قیام دلیرانه امپراطوری ننگین ناپلئون درهم پیچیده شد و سقوط کرد!

در چنین شرایطی طبقه کارگر از تشکل طبقاتی و مبتنی انقلابی مارکسیستی غدیر خوردار نبود و به همین خاطر نتوانست رهبری مبارزه را در دست بگیرد، ولی "حزب بورژوازی جمهوریخواه" قدرت را به چنگ آورده و یک ژنرال مرتجع بنام "تی یرس" که طرفدار ناپلئون سوم بود، ریاست دولت موقت را بعهده گرفت. او که مردی فریبکار و رذل بود، دولتی تشکیل داد که اعضای آن نمایندگان سرمایه‌داران بودند. این دولت که طبقه کارگر را دشمن آشتی ناپذیر خود میدانست، بطور پنهانی در پی سازش با دولت آلمان بود، ولی هیئت حاکمه آلمان که میخواست امتیازات واقعی بدست آورد، به جنگ ادامه داد و ارتش خود را نزدیکی پاریس به پیش راند.

به این ترتیب طبقه کارگر از یکطرف مواجه با حمله ارتش آلمان بود و از طرف دیگر زیر سلطه حکومت بورژوازی ضد انقلابی فرانسه قرار داشت. آیا طبقه کارگر برای دفع حمله آلمان می‌بایست با بورژوازی خودسازش بکند؟ نه! چرا که همین سرمایه‌داران بودند که راه تسلیم و سازش را در پیش گرفته بودند. طبقه کارگر قهرمان، دیگر نمیتوانست اسارت و ستم و بردگی و خیانت دولت سرمایه‌داران را تحمل کند. او خود می‌بایست قدرت را بدست گیرد. رسالت استقرار یک جامعه نوین و انقلابی بر دوش طبقه کارگر بود.

کارگران در راه رهائی خود و آزادی بشریت از یوغ بردگی بپا خاستند و دست به مسلح کردن خود زدند. آنان یک "گارد ملی" مرکب از ۳۰ هزار نفر را تشکیل داده و علیه بورژوازی دوفیام، یکی در اکتبر ۱۸۷۰ و دیگری در ژانویه ۱۸۷۱ را برپا نمودند.

این دو قیام سرکوب شد، ولی طبقه کارگر که بیدار شده بود، تصمیم داشت تا پیروزی واقعی اسلحه را بر زمین نگذارد. بورژوازی فرانسه که ادامه جنگ توسط کارگران علیه خود و آلمان را بسیار خطرناک می‌دید، با دادن امتیازات اسارت باری با آلمان سازش کرده و متارکه جنگ نمود. دولت بورژوائی "تی یرس" تصمیم گرفت برای بقای ارتجاعی خود، دو استان "آلزاس" و "لورن" را به آلمان واگذار و مبلغ ۵ میلیارد فرانک غرامت به این کشور بپردازد. بورژوازی خیانت آشکاری نمود. او نشان داد که در راه منافع ستمگرانه خویش حاضر است میهن خود را بفروشد. او نشان داد که دشمن سرسخت پرولتاریای انقلابی است. و در راه سرکوب این طبقه تا ریختن آخرین قطره خون هر خیانت و جنایتی باشد.

اولین حکومت کارگری در جهان و دستاوردهای آن

در هجدهم مارس ۱۸۷۱ دولت بورژوازی به ارتش خود دستور حمله داد تا "گارد ملی" را منهدم سازد. کارگران پاریس دوباره در مقابل خود دو انتخاب داشتند: یا تسلیم و سازش با بورژوازی و امضای سند بردگی فرانسه و یا مقاومت و مبارزه در راه پیروزی و آزادی، پرولتاریا راه دوم یعنی راه قیام مسلحانه را پذیرفت.

کارگران مسلح متقابلا دست به حمله زده، ارتش بورژوازی را شکست سختی داده و بر تپه "مون مارتر" و چندین منطقه استراتژیک پاریس مسلط شدند. "تی یرس" با ارتش و پلیس شکست خورده‌اش فرار کرده و به "ورسای" در نزدیکی پاریس عقب نشینی نمودند. بدین ترتیب حاکمیت ارتجاعی بورژوازی در پاریس سرنگون شد و بر جم سرخ حاکمیت انقلابی کارگران برای اولین بار در تاریخ به اهتزاز درآمد. طبقه کارگر مسلحانه بورژوازی را شکست داد و در روز ۲۸ مارس ۱۸۷۱ اولین حکومت کارگری را مستقر کرد. این حکومت دیکتاتوری پرولتاریا بود.

طبقه کارگر نشان داد که با اتکا به مبارزه انقلابی و در راستا خود می‌تواند قدرت سیاسی را بدست آورده و دیکتاتوری ارتجاعی بورژوازی را منهدم نماید و بدین ترتیب بشارت دهنده جامعه‌ای بدون طبقات باشد!

این حکومت که کمون پاریس نام گرفت، مظهر عدالت و آزادگی بود. کمون پاریس ارتش داشتی که در خدمت بورژوازی بود را منحل اعلام کرد و جای آن توده‌ها را مسلح نمود، سیستم ستمگرانه و فاسد پلیس و دادگستری را از بین برد و جای آن قوه مقننه و مجریه را به نمایندگان شورای کمون که وظیفه اداره حکومت را بر عهده داشت، واگذار نمود. دستگاه اداری سطح بورژوازی و سیستم پارلمانی بورژوائی را از بین برد و جای آن نظامی را بوجود آورد تا در آن کارکنان دولتی به افراد مفت خوار و انگل تبدیل نشوند، یعنی:

۱ - این کارکنان انتخابی و در عین حال قابل عزل باشند.

۲ - حقوق آنان مطابق با حقوق یک کارگر ماهر باشد، نظامی که در آن نمایندگان هم قانونگذار و هم مجری هستند و تحت نظارت مستقیم توده‌های انقلابی قرار دارند.

نظام کمون پاریس بنا بر اصطلاح دنیای کهنه و تولد دنیای جدید بود، دنیائی که در آن فروغ حقیقت و دمکراسی کارگری سرتاسر کشور می‌درخشد. مارکس میگفت: "پاریس سراسر حقیقت، ورسای سراپا دروغ است".

بورژوازی که مظهر پوسیدگی و زوال بود او که پاسدار نظام کهن بود، اگرچه ضربه مهلکی خورده و ناقوس مرگ تاریخی اش بصدا درآمده بود ولی نمیتوانست ساکت بنشیند. در "ورسای" بورژوازی، ارتش، پلیس، زاندارم‌ها و جاسوسها بیش را برای سرکوب انقلاب آماده میکرد و بالاخره در روز ۲۱ مه بورژوازی به پرولتاریای پاریس حمله کرد. هفته خونین شروع شد. کارگران در راه آرمان انقلابی خود مسلحانه با تمام قوا علیه بورژوازی و قوای سرکوبگرش می‌جنگیدند. ولی بالاخره روز ۲۸ مه ۱۸۷۱ کمون پاریس سرکوب شد. و بورژوازی جنایتکارانه روحیا به قتل عام و کشتار کارگران انقلابی پرداخت، بنحوی که بیش از صد هزار نفر تیرباران شدند!

چرا کمون پاریس شکست خورد و درسهای آن کدامند؟

۱ مسئله رهبری کمون - کمون بویژه توسط بلانکیستها و پرودونیستها رهبری میشد اینان گرچه انقلابی بودند اما هیچکدام مارکسیست نبودند و دارای نظریات انحرافی بودند. بلانکیستها به توده‌ها اهمیت نمیدادند و در پی آن بودند تا از طریق توسل به فعالیتهای تروریستی و مخفی عده‌ای محدود کسب قدرت نموده و سوسیالیسم را مستقر سازند. به همین خاطر آنان نتوانستند مبارزه طبقاتی کارگران را بنحو صحیحی هدایت نمایند. پرودونیستها با دیکتاتوری طبقه کارگر مخالفت می‌ورزیدند و می‌کوشیدند با "خوبی کردن" دشمن را مبدل به دوست سازند. آنان حتی از ملی کردن "بانک ملی فرانسه" که به بورژوازی و رسای کمک مالی میرساند، مخالفت میکردند.

بدین ترتیب جریانهای سیاسی که کمون را هدایت میکردند با نظریه‌های کاملا انحرافی و ضد مارکسیستی خود مانع از آن می‌شدند تا طبقه کارگر انقلاب خود را سرانجام برساند. تنها یک رهبری مارکسیستی بود که میتوانست مسیر مبارزه طبقاتی را بسمت درست هدایت نماید.

۲ مسئله برخورد به دولت بورژوازی - همانطور که متوجه شدیم بعد از اینکه ارتش بورژوازی در پاریس شکست خورد، عقب نشینی کرده و در ورسای باقی ماند و شروع به تجهیز و بازسازی دوباره خود نمود. اشتباه بزرگی که کارگران قهرمان پاریس مرتکب شدند این بود که ارتش، پلیس، ژاندارمری و باختصار ماشین سرکوب بورژوازی را کاملا سرکوب نکردند. اگر کمون پاریس ۷۲ دوام یافت فقط به اتکا مسلح بودن توده‌ها بود، ولی کمون می‌بایست سرکوب بورژوازی را تا ریشه‌ای همه جانبه و سراسری آن ادامه میداد. در همین رابطه است که لنین میگفت:

"سرکوب بورژوازی و مقاومت وی هنوز هم ضروری است. برای کمون این امر بویژه ضروری بود و یکی از علل شکست آن اینستکه این عمل را با قطعیت کافی انجام نداد.

(دولت و انقلاب - تاکید از ماست)

کمون باید به مرکز ضد انقلاب یعنی ورسای حمله میکرد و بطور کامل دشمن را در هم میشکست عدم حمله به ورسای، جز فرصت دادن به ضد انقلاب جهت تدارک سرکوب انقلاب معنای دیگری نداشت. با جمعبندی از تجربه کمون پاریس بود که مارکس یکی از آموزشهای اساسی خود را استنتاج نمود، او گفت:

"طبقه کارگر نمی‌تواند به تصاحب دستگاه دولتی بسهمان صورتی که هست کفایت کند و آنرا در خدمت خویش بکار گیرد."

مارکس نتیجه میگرفت که بنابراین پرولتاریا باید دستگاه دولتی بورژوازی را از طریق انقلاب قهرآمیز خرد و نابود سازد و دیکتاتوری طبقاتی و انقلابی خویش را مستقر نماید.

۳ مسئله اتحاد با دهقانان - طبقه کارگر نتوانست انقلاب را از محدوده پاریس فراتر برده و دهقانان زحمتکش را به حمایت فعال از انقلاب بکشاند. اگر چنانچه کارگران کمونی می‌توانستند در میان روستائیان زحمتکش فعالیت انقلابی کرده و آنان را در جهت حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب به مبارزه انقلابی علیه دولت بورژوازی بکشانند، دشمن بیشتر به انفراد کشیده میشد و برای این اساس پایگاه انقلاب گسترش یافته و پیروزی‌های چشمگیری بدست می‌آمد. دهقانان متحد طبیعی پرولتاریا بودند و بهمین خاطر سیاست اتحاد با دهقانان مبایست در دستور قرار می‌گرفت.

آری کمون پاریس شکست خورد، ولی راه کمون شکست نخورد. کمون تجربه اولین حکومت کارگری، تجربه اولین دمکراسی کارگری توسط بورژوازی ضد انقلابی به خون کشیده شد و بدین ترتیب بورژوازی سند محکومیت و مرگ تاریخی خود را امضا کرد. بورژوازی با تیرباران کارگران پاریس قلب آنان را سوراخ سوراخ کرد، ولی در همان زمان کارگران فریاد کشیدند: "زنده باد کمون!" و بدین ترتیب آنان وصیت خود را برای کارگران تمام جهان بیادگار گذاشتند. کمون پاریس، کمون پرولتاریا سند افتخار بشریت نوین و بشارت دهنده جامعه نوین بود. کمون پاریس تخم آرمان شکست ناپذیر پرولتاریاست. آرمانی که هرگز نمی‌میرد. آرمانی که نامش کمونیسم است.

"پاریس کارگر با کمون خود، برای همیشه بعنوان بشارت دهنده و طلایه دار جامعه نوین معروف خواهد ماند. خاطره شهدایش در قلب بزرگ طبقه کارگر با احترام و تقدیس محفوظ است. تاریخ، قاتلین و نابودکنندگان آنها را دیگر بروی طلایه‌ای جاودان به چهارمیخ کشیده است و تمامی دعاهای کشیشها شان نمیتواند آنها را نجات بخشد."

(مارکس - مبارزات طبقاتی در فرانسه)

● ● ●

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

سالروز شهادت قاضی محمد گرامی باد

دهم فروردین مصادف است با سالگرد شهادت قاضی محمد، ولیس رئیس جمهور حکومت خودمختار کردستان، بدین مناسبت بیکار دیگر ما را فرا می‌خواند تا با امپریالیسم و ارتجاع که قاضی محمد و یارانش را به جوخه اعدام سپردند، اعلام جنگ کنیم و پرچم مبارزه علیه ستم ملی را برافراشته نگه داریم و راه مبارزه و فداکاری‌های این خلق ستمدیده و مبارز را در طول تاریخ فراخور خود هموار کنیم.

جمهوری خودمختار کردستان پس از فرو ریختن حکومت وحشی کشیده شده در دهم فروردین ۱۳۲۶ به رهبری قاضی محمد و با سرده‌ها تن از یاران دلیر به شهادت رسیدند. اما امپریالیسم و ارتجاع هرگز نتوانستند و نخواهند توانست مبارزه و فداکاری‌های این خلق ستمدیده و مبارز که در طول تاریخ فراخور خود همواره علیه طبقات ستمگر شوریده و رزمنده است سرکوب و فرو دمی آورند.

جمهوری خودمختار کردستان پس از فرو ریختن حکومت خودمختار کردستان، بدین مناسبت بیکار دیگر ما را فرا می‌خواند تا با امپریالیسم و ارتجاع که قاضی محمد و یارانش را به جوخه اعدام سپردند، اعلام جنگ کنیم و پرچم مبارزه علیه ستم ملی را برافراشته نگه داریم و راه مبارزه و فداکاری‌های این خلق ستمدیده و مبارز که در طول تاریخ فراخور خود همواره علیه طبقات ستمگر شوریده و رزمنده است سرکوب و فرو دمی آورند.

سالروز نبرد کرامه تحسین پیروزی فلسطین گرامی باد

۲۱ مارس روز نبرد کرامه مصادف است با سالروز نبرد کرامه. کرامه نام دهکده‌ای است در اردن واقع در داخل مرزهای رود اردن، که در همین روز سال ۱۹۶۸ صحنه قهرمانی‌های فدائیان فلسطینی بود. اهمیت این نبرد در تاریخ مبارزات خلق فلسطین و خلق عرب بطور عام، در این است که نه تنها شکست تحسین پیروزی فلسطینیها و اعراب در جنگ با اسرائیل است، بلکه پایه‌ای مبنی بر اعراب طی دهها سال مبارزه علیه اسرائیل و امپریالیستهای انگلیسی و آمریکائی، روحیه‌ای سرخوردگی در توده‌ها و رزمندگان و سلیم را در میدان سازش و عرب فراهم آورده بود. نبرد کرامه اولین ضربه را به نیروهای تسلیم‌طلبی وارد آورد. فدائیان قهرمان فلسطینی با روبا روشی جانانه خود نشان دادند که خلق انقلابی خلق را قدرتی دیگر است و نمیتوان آنرا درهم شکست.

بعد از ژوئن ۱۹۶۷ که شکست رژیمهای مصر و سوریه را در اردن اتفاق افتاد، اردن بصورت پایگاه فعال انقلاب فلسطین علیه اسرائیل درآمد. فلسطینی ها میکوشیدند از این کشور یک پشت جبهه قوی (مانند ها نوی) برای انقلاب خود سازند. بیکارگران فلسطینی در پایگاه‌هائی که در خاک اردن بوجود آورده بودند آموزش می دیدند و هر شب دهها گروه مسلح از فدائیان برای انجام عملیات مسلحانه انقلابی به داخل سرزمینهای اشغالی نفوذ میکردند. ادامه این عملیات، اسرائیل را "دله" میکرد. ارتش تجاوزکار اسرائیل که افسانه شکست ناپذیری خود را متجاوزانه بر خلق عرب تحمیل کند مرور زمانه مفکر گوشمالی" دادن به انقلابیون فلسطینی افتاد. ۱۵ هزار سرباز اسرائیلی با انواع سلاحها متجاوزانه و تانک و هواپیما برای سرکوبی پایگاهی که در کرامه وجود داشت از رود اردن گذشتند اما تصمیم قاطعانه انقلابیون فلسطینی دائر به رودررویی و پایداری تا سرحد شهادت، طرح اسرائیل را به خود تبدیل کرد و موجب شکست اسرائیل و تلفات سنگین آنها گردید.

رهبری انقلاب علیرغم اینکه تنها حدود ۲۰۰ رزمنده انقلابی با سلاحهای اندک و ناکافی در اختیار داشت عقب نشینی را نادرست ارزیابی کرد زیرا معتقد بود که تنها با دفاع از این منطقه پایگاهی و در کنار قاطعانه با دشمن است که میتوان دیوارهای را در توده‌های عرب شکست و آنها را به انقلاب امیدوار ساخت. بر اساس قوانین جنگ جز تکنیکی دفاع از پایگاه ثابت، در آن مرحله از فعالیت که انقلاب فلسطین در آن قرار داشت یک تاکتیک درست نبود. تاکتیک درست بر اساس آن قوانین تاکتیک "زن و در رو" بود اما ارزیابی رهبری انقلاب نشان میداد که از دو عامل مهم منطقه پایگاهی یعنی زمین و توده، انقلاب فاقد عامل اول یعنی زمین است. این است که تمام تلاش را برای جلب اعتماد توده‌ها باید بکار برد و این امر با توجه به سوابق شکستهای گذشته جز با مقاومت و نشان دادن جدیت انقلاب تا آخرین حد، امکان پذیر نبود.

در این نبرد که علاوه بر الفتح، گروههای رزمنده دیگر فلسطینی و عناصر مترقی ارتش اردن نیز در آن شرکت داشتند و تعداد تا نسل توجهی از عناصر رهبری منجمله با سرعرفات، ابوجهاد و ابوایاد نیز در آن حاضر بودند، اسرائیل طعم نخستین شکست را چشید و تلفات قابل توجهی داد و از فلسطینی ها نیز شهیدان قهرمانی به خاک افتادند.

پیروزی انقلاب فلسطین در نبرد کرامه چنان هیجانی در خلقهای عرب به حمایت از انقلاب بوجود آورد که اگر کار در رهبری از ضعفهای طبقاتی و ایدئولوژیک متعدد رنج نمی برد و اگر توانائی سازماندهی و رهبری را داراشود، امروز سرنوشت انقلاب فلسطین و چه بسا انقلاب منطقه چیز دیگری بود، که بحث درباره آن، در این یادداشت نمی گنجد.

خاطره این روز تاریخی انقلاب فلسطین را گرامی می داریم و تا خلق مبارز فلسطین که همسنگر خلقهای ایران در مبارزه با امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع است پیمان انقلاب تا پیروزی را تجدید می کنیم. ■

فلسطین: نسل انقلاب تا پیروزی

مردم بی دفاع اندیمشک آماج گلوله‌های سپاه پاسداران

● حزب توده بیکاران را عامل تشنج نامید و پاسداران را عامل آرامش!

سپاه پاسداران به دستور رسمی مدرو "شورای انقلاب" و بقول خودشان برای برقراری امنیت به سیمای انقلابیون را در کوته و کتارکشور به قمع ترین شیوه‌ها سرنیست میکنند بلکه دست در دست پاسداران غیررسمی (جماقداران و چاقوکشان حرفه‌ای) اجتماعات آرام و مسالمت آمیز مردم را بخون می کشند. پرونده سیاه پاسداران هر روز که می گذرد با کشتار مردم بی دفاع سیاه‌تر میشود. به گلوله بستن بیکاران اندیمشک در آخرین روزهای سال گذشته یک دیگری از پرونده سیاه سیاه پاسداران است.

بیکاران اندیمشک که در "کانون بیکاران مستقل اندیمشک" متشکل شده‌اند، بعد از ماهها مبارزه برای کسب ابتدائی‌ترین حقوق انسانی یعنی "کار" روز شنبه ۵۸/۱۲/۲۵ در میدان راه‌آهن شهر اجتماع کردند تا بار دیگر خواستهای خود را بگوش مقامات مسئول برسانند. سپاه پاسداران مرکز شوشه، این بار با بسیج افراد معلوم‌الحال برهبری شعبان کلاوندی (شعبان بی مخ اندیمشک) از یکطرف و پخش این شایعه دروغ که گویا بیکاران قصد حمله به بازار و بانک را دارند از طرف دیگر، با ایجاد یک درگیری مصنوعی به بیکاران حمله برده و بیش از ۲۰ نفر از کارگران و دستفروشان را زدند و بیکاران را به باد کتک گرفتند. سپس دستهای بیکار را بر سر صورت گرفت که با استقبال مردم روبرو شد بحدیکه تعداد دستگیرشدگان به چندین هزار نفر رسید.

نکته حائز توجه در این رابطه، اینکه حزب خائن نه توده، این دژآسه ترین منافقه - گوهشت حاکمه مدعی با کمال بیشرمی در روزی نامه خود مصحفین را "ناعث تشنج اوضاع" معرفی میکند. همین روزی نامه اقدامات فاشیستی سپاه پاسداران را "اقدام برای برقراری آرامش و مبارزه کردن مردم" (مردم ۱۱۹۸) قلمداد می نماید! ■

ارسال پیام به هواداران سازمان درخارج ازکشور

بمناسبت آغاز سال نو، از طرف سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر پیامی به هواداران در خارج از کشور ارسال شد. در این پیام ضمن تبریک عید نوروز و اشاره کوتاه به شرایط حاکم بر کشور در سال گذشته و چشم‌انداز زحمتکشان و روشنفکران انقلابی، ضمن تبلیغ امپریالیسم و بورژوازی وابسته و ارتجاع پیش روی ما ترسیم میکند، به شرحی از وظایفی که دانشجویان مبارز خارج کشور و هواداران سازمان بعهده دارند اشاره رفته است.

ما موفقیت جنبش انقلابی و کمونیستی را در راه تحقق آرمانهای ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی خلقهای مبارز ایران و آفریدن نیروهای پیروزمندتر آرزو میکنیم و مشارکت فعالانه شرفقا و دوستان خارج از کشور را در همگامی با سازمان‌های انقلابی و کمونیستی داخل کشور انتظار داریم. ■

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org